

مقدمه: مبلغین

مأموریت بزرگ

"پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: 'تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمیم دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم'" (متی باب ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰).

آیا می‌توانست آشکارتر از این باشد؟ این عیسی است، عیسی قیام کرده، عیسایی که آن‌ها می‌پرستیدند (آیه ۱۷)، که در نخستین روزهای کلیسا پیروانش را فرا می‌خواند و به ایشان مأموریت می‌دهد: همه امت‌ها را شاگرد سازید، این است ختم کلام.

درک ارتباط بین این سخنان که به یازده نفر در جلیل گفته شد و آنچه سال‌ها بعد در جزیره پطمس به یحیی بیان شد، دشوار نیست: "و فرشته‌ای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، و به آواز بلند می‌گوید: 'از خدا بترسید و او را تمجید نمائید، زیرا که زمان داوری او رسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشمه‌های آب را آفرید، پرستش کنید'" (مکاشفه یوحنا باب ۱۴ آیات ۶ و ۷؛ آیات ۸ تا ۱۲ را نیز ببینید).

می‌توان گفت که پیام‌های فرشتگان سه‌گانه مکاشفه ۱۴ معرف مأموریت بزرگ تطبیق یافته به آخرین روزهای تاریخ جهان هستند.

شکی در این نیست: خدا به کلیسا و قومش فرموده است که بروند و این مژده انجیل را به سرتاسر جهان برسانند. این چیزی است که به انجامش فراخوانده شده‌ایم. انتشار حقیقت عیسی و کاری که برای ما انجام داده (یوحنا باب ۳ آیه ۱۶)، می‌دهد (رومیان باب ۸ آیه ۳۴) و خواهد داد (تسالونیکیان اول باب ۴ آیه ۱۶)، براستی مأموریت ماست.

واژه مأموریت خود به معنی "فرستادن یا فرستاده شدن برای انجام خدمتی" است. به این مفهوم که مردم می‌روند تا کاری انجام دهند. در مورد مأموریت بزرگ، کاری که می‌کنند رساندن مژده انجیل به جهان است.

در این سه ماه آتی ما این مأموریت را به عنوان نخستین و مهمترین وسیله خدا برای ابلاغ مژده انجیل به کسانی که از آن بی‌خبرند، مورد توجه قرار خواهیم داد. این مأموریت بخش اصلی فعالیت پرافتداری خدا در روند نجات بشریت است. از این رو، به هدف ابدی خدا در زندگی شخصیت‌هایی از کتاب مقدس خواهیم پرداخت که خدا از ایشان برای خدمت به گمراهان استفاده نمود.

در نهایت اینکه مأموریت مسیحی از آن ما نیست بلکه مأموریت خداست. از قلب خدا سرچشمه گرفته و بر پایه محبت اوست. و با اراده خداست که تحقق می‌یابد.

برای درک بهتر الزام و مشارکت در مأموریت خدا، درس‌های این دوره بر اساس الگوی پیشنهادی ذیل از تاریخچه نجات خواهند بود:

۱- خدا مردان و زنان را آفرید و به آن‌ها اختیار داد.

۲- نخستین مرد و زن از این اختیار سوء استفاده کرده و نسبت به خدا نافرمانی کردند و در نتیجه از بهشت رانده شدند.

۳- خدا نمی توانست آن‌ها را به اجبار به بهشت بازگرداند.

۴- خدا پسرش را به مأموریت فرستاد تا بجای ایشان بمیرد و آن‌ها را با وی آشتی دهد.

۵- مأموریت خدا این است که وعده نجات را به همگان بشناساند و در نتیجه راه را برایشان باز کند تا نجات یابند.

اساسی‌ترین هدف این مأموریت، شناساندن عیسی، کاری که برای فرد فرد ما انجام داده و وعده آنچه امروز و تا به ابد انجام خواهد داد به همه جهانیان است. بطور خلاصه، ما که از آن وعده‌ها آگاهییم، فراخوانده شده‌ایم تا به دیگران نیز درباره آن‌ها بگوییم.

دکتر بورگ شانتز (Børge Schantz)، استاد دانشگاه لوما لیندا (Loma Linda) در کالیفرنیاست. او و همسرش آیریس (Iris) برای مدت ۱۴ سال در آفریقا و خاورمیانه خدمت کردند.

استیون وین تامپسون (Steven Wayne Thompson) پیش از بازنشستگی، رئیس (۱۹۸۴ تا ۱۹۹۰) کالج نیوبولد (Newbold) در انگلستان و مدیر دروس دانشکده الهیات و مدرس کالج آوندیل (Avondale) در استرالیا بود.

۲۷ ژوئن تا ۳ ژوئیه

درس اول

سرشت پیام‌رسانی خدا

بعد از ظهر روز شنبه

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۱ آیات ۲۶ تا ۲۸، باب ۲ آیات ۱۵ تا ۱۷؛ رساله اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶؛ یوحنا باب ۳ آیات ۱۴ و ۱۵؛ رساله دوم قرنتیان باب ۵ آیه ۲۱؛ متی باب ۵ آیات ۱۳ و ۱۴.

آیه حفظی: "اینک من او را برای طوایف شاهد گردانیدم. رئیس و حاکم طوایف" (اشعیا باب ۵۵ آیه ۴).

دنیای ما آشفته است و ما به عنوان بشر دلیل بزرگ این آشفتگی هستیم. دلیلش این است که ما گناهکاریم، یعنی موجوداتی سقوط کرده هستیم که طبیعت ذاتی مان شریر است. هر چقدر هم که بخواهیم خود را در حال پیشرفت و ترقی ببینیم، تاریخ قرن گذشته چندان دلگرم کننده نیست. و اکنون ما نیز که هنوز حتی ربعی از این قرن حاضر را سپری نکرده‌ایم، شرایطمان چنان روشن و مساعد به نظر نمی‌رسد. اگر این گذشته است که طلیعه‌دار آینده است، همانطور که یک سیاستمدار پیشین بریتانیایی گفت، "خون، رنج، اشک و عرق" تنها چیزی است که می‌توان انتظارش را داشت.

گرچه همه چیز از دست نرفته است. بالعکس، عیسی برای گناهان ما جان داده است و بواسطه مرگ او به ما وعده نجات و نو شدن دوباره همه چیز داده شده است. "و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چونکه آسمان اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد" (مکاشفه یوحنا باب ۲۱ آیه ۱).

ما در گستره نامتناهی این عالم سرد و ظاهراً بی‌تفاوت تنها به حال خود رها نشده‌ایم تا از خود توجه کنیم. ما هرگز این توانایی را نداشتیم؛ نیروهای موجود که بر ضد ما هستند بسیار از ما قوی‌ترند. به همین دلیل است که خدا حتی پیش از آفرینش جهان هستی، نقشه نجات را بنیان نهاد تا کاری را که ما نمی‌توانیم برای خودمان انجام دهیم او به جای ما انجام دهد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۴ ژوئیه آماده شوید.

خدا مرد و زن را آفرید

یکی از سوالاتی که همواره برای بشر مطرح بوده این است که من از کجا آمده‌ام؟ در دو باب نخست کتاب مقدس (و حقیقتاً در سرتاسر آن) به مهمترین پرسشی که انسان می‌توانسته تا کنون از خود بپرسد، پاسخ داده شده است. در واقع ما فقط با دانستن

اینکه از کجا آمده‌ایم می‌توانیم به خوبی ماهیت خود، دلیل وجودمان، نحوه زندگی‌مان و جایی که در نهایت خواهیم رفت را درک کنیم.

باب ۱ و ۲ کتاب پیدایش را به سرعت مرور کنید، اما تمرکزتان را بر آیات ۲۶ تا ۲۸ باب ۱ این کتاب بگذارید. بر اساس این آیات، چه تفاوت بزرگی میان آفرینش انسان و سایر مخلوقات وجود دارد؟ چه چیز خاصی درباره انسان وجود دارد که او را نسبت به سایر مخلوقات متفاوت می‌سازد؟

۱- مرد و زن پس از خلقت سایر مخلوقات آفریده شدند. همه خلقت در مقابلشان نمایان بود تا آن را مطالعه و نگهداری کنند.

۲- سبک خدا در آفرینش آدم و حوا نسبت به سایر مخلوقات متفاوت بود. تا آن لحظه فرمان الهی "باشد" بود (روشنایی، فلک، آب‌ها، ماهیان و پرندگان، حیوانات و ...). و در این هنگام فرمان تبدیل به مشاوره شد: "اینک انسان را بسازیم..." سه اقوم الوهیت - پدر، پسر و روح‌القدس - در این باره مشورت کردند. درست است که این دو باب درباره خلقت زمین و موجودات روی آن است اما در این که تمرکز اصلی بر آفرینش انسان بوده است، شکی نیست.

۳- مرد و زن بصورت خدا و شبیه او ساخته شدند، چیزی که درباره سایر مخلوقات بیان نشد. اگرچه کتاب مقدس درباره مفهوم شبیه خدا آفریده شدن توضیحی نمی‌دهد، اما باید به این معنی باشد که بشر به نوعی منعکس کننده خصوصیات خالقش است. از آنجایی که انسان‌ها دارای ظرفیت اخلاقی هستند که سایر مخلوقات از آن بی‌بهره‌اند (پروانه‌ها ممکن است زیبا باشند اما به خوبی و بدی اهمیت نمی‌دهند)، آفریده شدن شبیه خدا مطمئناً به این مفهوم است که آن‌ها تا حدی باید منعکس کننده خصوصیات اخلاقی خدا باشند.

۴- قرار بود مرد و زن دارای اقتدار، نمایندگی خدا بر روی زمین و فرمانروایی بر سایر مخلوقات باشند. اما این مستلزم مسئولیت پذیری است.

انسان‌ها در نخستین باب کتاب مقدس معرفی می‌شوند اما نه در انزوا. ما تنها در ارتباط با خدا است که وجود داریم. در اینجا درباره اینکه خدا باید اولویت اول ما باشد و ما بدون او "کامل" نیستیم، چه می‌آموزیم؟ اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۸ را نیز ببینید.

دوشنبه

۲۹ ژوئن

اراده آزاد

نهفته در گزاره آفرینش هشدار است که خدا داد تا از درخت "معرفت نیک و بد" (پیدایش باب ۲ آیه ۹) چیزی نخورند. پس می‌توانیم ببینیم که از همان ابتدا اصل اخلاقی به بشر اعطا گردیده در حالی که این در سایر مخلوقات زنده دیده نمی‌شود. همانطور که دیروز گفته شد، ظرفیت قضاوت اخلاقی یکی از راه‌هایی است که انسان‌ها تصویر و شباهتشان به خدا را منعکس می‌کنند.

آیات ۱۵ تا ۱۷ باب ۲ کتاب پیدایش درباره حقیقت اراده آزاد در بشریت چه می‌گویند؟

خدا می‌توانست بشر را به گونه‌ای بیافریند که خودکار اراده او را انجام دهد. این همان‌گونه است که سایر مخلوقات از جمله نور، خورشید، ماه و ستاره‌ها خلق شدند. آن‌ها بدون هیچ انتخابی از خدا اطاعت می‌کنند. آن‌ها بطور خودکار اراده خدا را بواسطه قوانین طبیعی حاکم، انجام می‌دهند.

اما آفرینش مرد و زن بطور خاص بود. خدا آن‌ها را برای خودش آفرید. خدا می‌خواست که آن‌ها حق انتخاب داشته و داوطلبانه و نه از روی اجبار او را پرستش کنند. در غیر این صورت نمی‌توانستند خدا را دوست داشته باشند، زیرا محبت واقعی باید آزادانه ابراز شود.

اختیار انسان به دلیل منشأ الهی از جانب خدا حفاظت شده و مورد احترام است. خالق در انتخاب‌های مهم و مصر مردان و زنان دخالتی نمی‌کند. انتخاب‌های اشتباه عواقبی دارند که گاهی بسیار بد هستند اما مجبور کردن به پیروی و اطاعت مغایر با سیرت پروردگار حاکم ماست.

اصل اختیار انسان دلالت بر سه چیز مهم دارد:

برای دین: خدای قادر مطلق اراده و انتخاب‌های انسان‌ها را به طور یک‌جانبه هدایت نمی‌کند.

برای اصول اخلاقی: افراد از نظر اخلاقی مسئول اعمال خویش هستند.

برای علم: اقدامات بدن و مغز به طور کامل وابسته به علت و معلول نیستند. درست است که اعمال ما وابسته به قوانین فیزیکی هستند اما اختیار به این معنی است که ما در مورد کارهایمان بخصوص مسائل اخلاقی حق انتخاب داریم.

در ساعات، روزها و هفته‌های آتی چه انتخاب‌های آزاد اخلاقی باید انجام دهید؟ چگونه می‌توانید مطمئن باشید که از این موهبت مقدس به درستی بهره می‌برید؟ به عواقب استفاده نادرست از آن بیاندیشید.

۳۰ ژوئن

سه شنبه

سقوط در تمرد

”زن نگاه کرد و دید آن درخت بسیار زیبا و میوه آن برای خوردن خوب است. همچنین فکر کرد چقدر خوب است که دانا بشود. بنا براین از میوه آن درخت کند و خورد. همچنین به شوهر خود نیز داد و او هم خورد. همین که آن را خوردند به آنها دانشی داده شد و فهمیدند که برهنه هستند. پس برگهای درخت انجیر را به هم دوخته خود را با آن پوشاندند.“ (پیدایش باب ۳ آیات ۶ و ۷).

خوردن کمی از میوه به تنهایی عملی گناه‌آلود نبود. هرچند ما باید شرایطی را که این عمل در آن‌ها اتفاق افتاد در نظر بگیریم. آدم و حوا نمایندگان تام‌الاختیار خدا بودند که بصورت و شبیه او آفریده شده بودند. این شامل آزادی - و همچنین وظیفه - برای پیروی از اراده مکشوف خداست. آن‌ها میوه را نه از روی نیاز مبرم بلکه با انتخاب خود خوردند. این عمل آدم و حوا از روی اراده آزاد خودشان بود که نسبت به دستورالعمل واضح و خاص خدا بی‌اعتنایی کردند.

بعلاوه، ما هستیم که انتخاب می‌کنیم که از خدا پیروی کنیم یا نکنیم و کلامش را بستائیم یا نافرمانی کنیم. خدا هیچکس را به باور کردن کلامش مجبور نمی‌کند. او هرگز ما را مجبور نمی‌کند از او اطاعت کنیم و نمی‌تواند ما را وادارد که دوستش داشته باشیم. خدا اجازه می‌دهد که ما شخصاً راهمان را انتخاب کنیم. اما در انتها باید آماده‌ی پذیرفتن عواقب انتخاب‌هایمان باشیم.

آدم و حوّا در خوردن از میوه ممنوع در واقع به خدا گفتند که او فرمانروای کاملی نیست. در اینجا حاکمیت خدا به چالش کشیده شد. آن‌ها نافرمانیشان را ثابت کردند و در نتیجه گناه و مرگ را برای نسل بشر به ارمغان آوردند.

”بنا براین خداوند او را از باغ عدن بیرون کرد تا در روی زمین که از آن به وجود آمده بود به کار زراعت مشغول شود. خداوند، آدم را از باغ عدن بیرون کرد و فرشتگان نگهبانی در طرف شرق باغ عدن گذاشت و شمشیر آتشی که به هر طرف می چرخید در آنجا قرار داد تا کسی نتواند به درخت حیات نزدیک شود.“ (پیدایش باب ۳ آیات ۲۳ و ۲۴).

آدم و حوّا باید باغ فردوس را ترک می‌کردند. این پیامدی اجتناب ناپذیر و در عین حال رحمت‌آمیز بود. پروردگار نمی‌توانست اجازه دهد بشر سرکش به درخت حیات دسترسی داشته باشد. او از روی محبت آن‌ها را از میوه‌ای که باعث جاودانگی‌شان می‌شد، دور نگه داشت که در نتیجه از تداوم شرایط اسفناکی که گناه برایشان ایجاد کرده بود، جلوگیری نماید. (تصور کنید زندگی ابدی در چنین جهان پر از درد، رنج و شرارت که داریم چگونه می‌شود!) آدم و حوّا از باغ زیبا بیرون رانده شدند تا در مکانی که زیاد خوشایند نبود، زندگی کنند (آیات ۲۳ و ۲۴).

در زمینه درس امروز، رساله اول یوحنا باب ۲ آیه ۱۶ را بخوانید. چگونه عواملی که در این آیات به آن‌ها هشدار داده شد، در گزاره سقوط دیده شده است؟ به چه طریقی باید با وسوسه‌های زندگی مواجه شویم؟

۱ ژوئیه

چهارشنبه

ابتکار خدا برای نجات ما

کتاب مقدس نشان می‌دهد که پس از سقوط نخستین والدینمان در تمرد، خدا بود که به دنبال آن‌ها آمد و نه آن‌ها به دنبال خدا. بالعکس مرد و زن تلاش کردند خود را از حضور پروردگار مخفی سازند. چه استعاره قدرتمندی برای نوع بشر ساقط: آن‌ها از تنها کسی که بدنبالشان آمده بود و قادر به نجاتشان بود، فرار کردند. آدم و حوّا این کار را در بهشت انجام دادند و امروزه هم مردم مگر اینکه تسلیم دعوت روح‌القدس شوند، همچنان این کار را انجام می‌دهند.

خوشبختانه خدا نخستین والدین ما و همچنین ما را رها نکرده است. از زمانی که خدا در باغ فردوس به آدم و حوّا پرسید ”کجا هستید؟“ (پیدایش باب ۳ آیه ۹) تا به امروز او همچنان ما را فرا می‌خواند. در حقیقت او نخستین مبلغ است.

”خدا با بخشیدن موهبت بی‌همتایی چون پسرش، فضای زمین را از فیض پر کرد درست مانند هوای واقعی که اطرافمان را احاطه کرده است. همه کسانی که تصمیم می‌گیرند از این فضای حیات بخش تنفس کنند زندگی کرده، رشد خواهند نمود تا بقامت در مسیح برسند.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White)، p. 68، Steps to Christ.

البته بزرگترین مکاشفه فعالیت پیامرسانی خدا را در تجسد و ماموریت عیسی می‌توان دید. اگرچه عیسی برای انجام کارهای بسیاری به زمین آمد - نابود کردن شیطان، آشکار ساختن سیرت واقعی پدر، اثبات نا حق بودن اتهاماتی که شیطان وارد کرد، نشان دادن امکان نگهداری قوانین خدا - اما دلیل بسیار مهم جان دادن بجای بشریت بر روی صلیب بود تا ما را از نتیجه نهایی گناه که مرگ است، نجات دهد.

هر کدام از آیات زیر در مورد مرگ عیسی به ما چه می‌آموزند؟

یوحنا باب ۳ آیات ۱۴ و ۱۵

اشعیا باب ۵۳ آیات ۴ تا ۶

دوم قرنیتیان باب ۵ آیه ۲۱

خدا "او را که گناه نشناخت، در راه ما گناه ساخت". این همان است که ما لازم داریم تا "در وی عدالت خدا شویم". این اندیشه "مبادله بزرگ" نام گرفت زیرا عیسی گناهان و در نتیجه رنج‌های ما را بدوش گرفت تا ما هرچند گناهکار، بتوانیم مانند عیسی در برابر خدا عادل و درستکار شناخته شویم.

۲ ژوئیه

پنجشنبه

استعاره‌های ماموریت

ماموریت، طرح خدا برای نجات بشر گمگشته است. ماموریت نجات‌بخش خدا از محبتش برای تک تک ما برانگیخته شده است. هیچ دلیل عمیقتری برای آن وجود ندارد. خدا مسیح را به این ماموریت فرستاد تا نجات را برای جهان کامل به ارمغان آورد. انجیل یوحنا به تنهایی شامل بیش از چهل مورد بیان بعد جهانی از ماموریت عیسی است. (برای مثال یوحنا باب ۳ آیه ۱۷، باب ۱۲ آیه ۴۷)

را ببینید.) همانطور که مسیح از طرف پدر فرستاده شد تا جهان را نجات دهد، او نیز به نوبه خود حواریونش را با این سخنان فرستاد "چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم" (یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۱).

متی باب ۵ آیات ۱۳ و ۱۴ را بخوانید. دو استعاره‌ی که درباره ماموریت در این آیات وجود دارند، کدامند و نمایان‌گر چه چیزی هستند؟

استعاره نمک و نور عملکرد اصلی تاثیر مسیحیت بر انسان‌ها را نشان می‌دهد. مادامی که نمک از درون عمل می‌کند، یعنی در محل تماس با جرم می‌پیوندد، نور از بیرون عمل کرده و هرآنچه را که به آن می‌رسد روشن می‌کند. واژه‌ی زمین در استعاره‌ی نمک اشاره به مردان و زنانی دارد که انتظار می‌رود مسیحیان با آن‌ها با هم آمیزند، در حالی که واژه‌ی نور جهان به یک جهان از مردمی که در تاریکی‌اند و نیازمند نور هستند، اشاره دارد. بنی‌اسرائیل تشویق شدند که بر پایه اصول اخلاقی و سلامتی که خدا به آن‌ها داده بود، زندگی کنند. انتظار می‌رفت مانند نور جذاب و روشن باشند - شما "نور امت‌ها" هستید (اشعیا باب ۴۹ آیه ۶). وجود دسته جمعی آن‌ها در وضعیت سالم، مرفه و وفاداری به روز سبت خدا و سایر احکام می‌توانست اعمال پر قدرت آفرینش خدا و طرح نجات او را به ملت‌های اطراف نشان دهد. ملت‌هایی که رفاه بنی‌اسرائیل را می‌دیدند، ممکن بود بخواهند به آن‌ها نزدیک شده و آموزه‌های خدا را از ایشان یاد بگیرند. (به هر حال هدف همین بود.)

زمانی که مسیح آمد، او نیز درباره نمک به عنوان روش دیگری برای شهادت دادن صحبت کرد. مسیحیان باید از طریق تأثیرشان بر جهان از فساد در دنیا جلوگیری کنند. اغلب بواسطه‌ی آگاهی اخلاقی که به تاثیر مسیحیت برمی‌گردد، از کار بد بی‌ایمانان جلوگیری می‌شود. مسیحیان نه تنها از فضیلت حضورشان در دنیا بر فساد تاثیر مثبت می‌گذارند، بلکه برای به اشتراک گذاشتن مژده نجات مسیحیت با مردم معاشرت می‌کنند.

نور و/یا نمک، شما و کلیسایتان برای جهان اطرافتان تا چه حد شاهدان خوبی هستید؟ آیا نور در حال کم سو شدن و نمک در حال ازدست دادن تاثیرش است؟ اگر این چنین است، چگونه می‌توانید بیاموزید که اصلاح و احیای مجدد از خود شما آغاز می‌شود؟

۳ ژوئیه

جمعه

اندیشه‌ای فراتر: "به چند جنبه از ماهیت پیام‌رسانی خدا پرداختیم. ماموریت همتی است که از تثلیث در خدا شکل یافته است. ماموریت عمدتاً به عیسی مسیح مربوط است کسی که تجسدش اساس باورها و خدمت مسیحی است. عیسی با زندگی و مرگش

راه نجات را برای تمام نسل بشری هموار نمود. ما به عنوان پیروان و مبلغان او باید کاری کنیم که مردم از آنچه عیسی برایشان انجام داده است با خبر شوند.

کلیسای مسیح بر روی زمین برای مقاصد پیام‌رسانی سازمان‌دهی شد و خداوند تمایل دارد ببیند که تمام کلیسا راه‌ها و روش‌هایی ابداع کنند که به موجب آن‌ها مردم بلندپایه و دون‌پایه و فقیر و غنی پیام حقیقت را بشنوند. درست است که همه به خدمت در سرزمین‌های بیگانه فراخوانده نشده‌اند اما همه می‌توانند از طریق دعا و هدایایشان به خدمت بشارت کمک نمایند. – الن جی. هوایت (Ellen G. White, Testimonies for the Church, vol. 6, p. 29).

سوالاتی برای بحث:

۱- به سوال مربوط به منشاءها بیشتر بیاندیشید. چرا منشاء اهمیت دارد؟ داشتن آگاهی درست از منشاءهایمان چگونه در درک بهتر از هویت و هدف واقعی از وجودمان به ما کمک می‌کند؟

۲- نقل قول زیر چگونه به درک وجود آزادی اراده، محبت و شرارت در جهان کمک می‌کند؟ “بنابراین، اگر خدا می‌خواهد موجودات با محبت خلق کند (تقلیدی از محبت تمام عیار خودش)، باید موجودات آزادی را بیافریند که بتوانند رنج و شرارت را به انتخاب خود در این جهان بوجود آورند. پویاگان محبت و آزادی نیازمند آن است که خدا بواسطه آزادی انسانیمان دامنه‌ی رشد در محبت بدهد.” رابرت جی. اسپیتزر.

New Proofs for the, Robert J. Spitzer Existence of God: Contributions of Contemporary Physics and Philosophy, Kindle Edition
(Eerdmans Publishing Co., 2010), p. 233

۳- مرگ عیسی عملی مفرد بود که در ملتی کوچک در میان امپراطوری وسیع روم در تقریباً دو هزار سال پیش اتفاق افتاد. با این حال این عمل برای همه انسان‌ها اهمیتی ابدی دارد. برای ما که از این عمل مطلع هستیم چه مسئولیتی وجود دارد و منظور از اینکه باید دیگران را نیز از این حقیقت با خبر سازیم چیست؟ اگر کسانی که آگاهند به آنان که نمی‌دانند چیزی نگویند، چگونه همه از آن مطلع خواهند شد؟

ابراهیم: نخستین مبلغ

عصر روز شنبه

مطالعه این هفته: پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳، باب ۱۴ آیات ۸ تا ۲۴؛ عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۹؛ غلاطیان باب ۳ آیه ۶؛ پیدایش باب ۱۲ آیات ۶ و ۷، باب ۱۸ آیات ۱۸ و ۱۹.

آیه **حفظی**: ”چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد. پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند. و کتاب چون پیش دید که خدا امت‌ها را از ایمان عادل خواهد شمرد، به ابراهیم بشارت داد که ”جمع امت‌ها از تو برکت خواهند یافت.“ (غلاطیان باب ۳ آیات ۶ تا ۸).

تصادفی نیست که سه دین مهم دنیا یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام گاهی ادیان ابراهیمی خوانده می‌شوند. این به این دلیل است که هر سه به نوعی رد پای ریشه خود را در این مرد بزرگ خدا می‌بینند.

اگرچه ابراهیم به عنوان نمونه فرد با ایمان مورد تحسین است، درس این هفته ایمان او را از زاویه‌ای متفاوت بررسی خواهد نمود. یعنی، می‌خواهیم او را به عنوان یک مبلغ و کسی که از جانب خداوند فراخوانده شده است تا به سرزمین دیگری رفته و برای مردم از خدای حقیقی که آفریدگار و نجات دهنده است شهادت دهد، ببینیم.

خدا به ابراهیم و خاندانش پس از او (غلاطیان باب ۳ آیه ۲۹) هدفی سه‌گانه داد: (۱) تا دریافت کنندگان و محافظان حقیقت الهی ملکوت خدا که در تاریخ گذشته بشریت از دست رفته بود، باشند؛ (۲) مسیری باشند برای ورود نجات دهنده به تاریخ؛ و (۳) به عنوان خدمتگزاران وفادار خدا، نوری باشند برای ملت‌ها و کسانی که نیاز دارند خدا را بشناسند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۱ ژوئیه آماده شوید.

فراخوانده شدن ابراهیم

”و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود، و از مولد خویش و از خانه پدر خود بسوی زمینی که به تو نشان دهم بیرون شو، و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم، و نام تو را بزرگ سازم، و تو برکت خواهی بود. و برکت دهم به آنانی که تو را مبارك خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خواند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت“ (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳).

آبرام - که نامش به معنی ”پدر اعتلاء یافته“ بود، به ابراهیم به معنی پدر جمعیت کثیر تغییر یافت - در اور (Ur) آنچه که امروز سرزمین عراق است، بزرگ شد. خدا از او خواست که خودش را از متن آشنای اجتماعی و روحانی جدا نموده و به کشوری غریب مهاجرت کند، جایی که خدا برای تبدیل او به پدر ایمانداران ۱۰۰ سال نوسازی روحانی بوجود آورد. ابراهیم در میان مشکلات شخصی و خانوادگی به مبلغی نمونه در میان گروه‌های مختلف مردم و رهبری مورد اعتماد که از ایمانش به خدا شهادت می‌داد، تبدیل شد.

پیدایش باب ۱۲ آیات ۱ تا ۳ را بخوانید. چه اصولی می‌توانید پیدا کنید که برای همه ما با موقعیت‌های خاصمان کاربرد داشته باشد؛ به این مفهوم که ابراهیم چه چیزی را تجربه نمود که ما نیز ممکن است به نوبه خود تجربه کنیم؟ عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۰ را نیز ببینید.

از شیخ خاندان خواسته شد که گذشته‌اش را پشت سر گذاشته و با ایمان قدم برداشته، آنچه را که باورنکردنی است باور کرده و کاری که خدا او را برای آن فراخوانده است، انجام دهد. در نتیجه وفاداری و ایمان او، تمام ملت‌های جهان برکت خواهند یافت.

بسیاری از ما مانند ابراهیم امتحان شده‌ایم. به طور حتم ممکن است خدا مستقیم با ما سخن نگوید اما او ما را با آموزه‌های کلام و وقایع طبق مشیت‌اش فرا می‌خواند. ممکن است مجبور شویم شغلی را که برایمان ثروت و افتخار به همراه دارد ترک نماییم؛ شاید لازم باشد ارتباطات سودمند خویشاوندان و یا خانواده‌مان را رها کنیم؛ در حقیقت، ممکن است مجبور شویم وارد مسیری شویم که به نظر می‌رسد نیازمند از خودگذشتگی، تحمل سختی و فداکاری است. اما اگر دعوت شده‌ایم، چگونه می‌توانیم نپذیریم؟

در کتاب پیدایش به زبان عبری اینچنین مفهومی آمده است که، ”و خدا به آبرام گفت، ’برای خودت از سرزمینت برو...‘“ به او گفته شد که ”برای خودش“؛ یعنی به خاطر خودش. ما باید چگونه این مفهوم را درک کرده و آن را نسبت به خود بکار ببریم؟

شهادت ابراهیم برای پادشاهان

لوط خویشاوند ابراهیم و همراه او در بعضی از سفرهایش بود. انتخاب دره پر آب اردن باعث شد که با مردان شریر سدوم معاشرت کند (پیدایش باب ۱۳ آیات ۱ تا ۱۳). او سپس در ابتدا توسط ابراهیم (پیدایش باب ۱۴ آیات ۱۱ تا ۱۶) و بعد توسط دو فرشته نجات یافت (پیدایش باب ۱۹).

هنگامی که ابراهیم شنید خویشاوندش لوط به دردسر افتاده است، تصمیم گرفت به او کمک کند. برای نجات لوط، ابراهیم رهبری لشکر نظامی متشکل از بیش از سیصد نفر از مردان قوم خویش را بر عهده داشت. پادشاهان بسیاری در نبرد سدوم حضور داشتند و ابراهیم در این نبرد پیروز بود.

آیات ۸ تا ۲۴ باب ۱۴ کتاب پیدایش را بخوانید. کارهای ابراهیم چه چیزی از شخصیت و در نتیجه ایمان و خدایش منعکس می‌کند؟

ابراهیم قدرت خدا را به پادشاهانی که شکست داد، نشان داد. حتی در حین این عملیات نجات ”پدر وفادار“ دعوت آسمانی‌اش که برای ملت‌ها برکت باشد را فراموش نکرد.

ستایشگر پیهوه نه تنها خدمتی بزرگ برای کشور انجام داد بلکه خود را به عنوان انسانی شجاع ثابت نمود. دیده شده است که عدالت بزودی نیست و دین ابراهیم او را در حفظ حقیقت و دفاع از مظلومان شجاع ساخت. عمل قهرمانانه او باعث نفوذ گسترده‌اش در میان قبایل اطراف شد. در بازگشت ابراهیم، پادشاه سدوم با همراهانش به احترام فاتح به دیدنش آمد. به او پیشنهاد داد که غنائم را بردارد و التماس کرد که زندانیان بازگردانده شوند. با توجه به قوانین جنگ، غنائم به فاتح می‌رسد؛ اما هدف ابراهیم از این نبرد کسب منفعت نبود، و نپذیرفت که از افراد بدبخت استفاده کند و تنها تصریح نمود که متحدانش باید سهمی که

حقیقتش بود را دریافت نمایند.“ – الن جی. هوایت (p ۱۳۵). Ellen G. White, Patriarchs and Prophets.

به رفتارشان نسبت به دیگران بیاندیشید. در رابطه با ایمانتان، رفتارشان چه شهادتی برای دیگران است؟

سه شنبه

۷ ژوئیه

سرمشق ایمان

هرچند ابراهیم انسان چندان کاملی نبود، اما مرد خدا بود و کراراً در کتاب مقدس و حتی در عهد جدید از او به عنوان نمونه وفاداری و اینکه نجات یافتن توسط ایمان چه مفهومی دارد، یاد شده است (پیدایش باب ۱۵ آیه ۶ و غلاطیان باب ۳ آیه ۶ را ببینید).

عبرانیان باب ۱۱ آیات ۸ تا ۱۹ را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره ابراهیم و ایمانش اشاره دارد که برای کسانی که می‌خواهند در حد توانشان مرسلین برای خدا باشند، اهمیت دارد؟

خدا خواست که از ابراهیم استفاده کند اما اولین کاری که باید می‌کرد این بود که از او بخواهد گذشته‌اش را پشت سر بگذارد. درسی که در اینجا هست باید برای همه ما آشکار باشد، بخصوص کسانی که گذشته‌ای مغایر با اراده و قوانین خدا دارند که در واقع شامل همه ما می‌شود.

این واقعیت شگفت‌انگیز است که هرچند ابراهیم ترک کرد، اما ”می‌دانست به کجا می‌رود“ (عبرانیان باب ۱۱ آیه ۸). اگرچه اکثر مرسلین می‌دانند به کجا می‌روند، حداقل از نظر جغرافیایی، به معنای دیگر، هر زمان که هر کدام از ما گام بزرگی از روی ایمان برمی‌داریم و دل‌هایمان را کاملاً به خدا می‌سپاریم واقعا نمی‌دانیم (دست‌کم در کوتاه مدت) نتیجه چه خواهد شد (هرچند در درازمدت اطمینان مطلق خواهیم داشت). اگر می‌دانستیم دیگر آنچنان به ایمان نیازی نبود؛ از این رو، ندانستن شرط لازم برای با ایمان زندگی کردن است.

نکته مهم دیگر در اینجا این است که ابراهیم به دنبال ”شهری بانیاد بود که معمار و سازنده آن خداست“ (آیه ۱۰). ابراهیم تصویر بزرگ را در ذهن نگه داشت؛ او می‌دانست که با هر آنچه در اینجا مواجه شد، با وجود رنج‌ها و سختی‌ها، در انتها ارزشش را خواهد داشت.

او همچنین می‌دانست که او تنها یک غریبه‌ای در ”سرزمین موعود“ نبود بلکه یکی از بسیاری ”زائرین و غریبه‌ها بر روی زمین“ بود (آیه ۱۳). این جهان و زندگی ما در آن با تمام ارزشی که اکنون در نظر ما دارند (این تمام چیزی است که در حال حاضر داریم)، کل داستان و یا حتی دورنمایی از آن نیست.

و مطمئنا بزرگترین نمونه ایمان در عهد قدیم کاری بود که ابراهیم قصد داشت با پسرش بر کوه موريا به دستور خدا انجام دهد.

به چه طریقی از روی ایمان قدم برداشتن را در زندگی تجربه کرده‌اید؟ با چه سختی‌هایی مواجه شده‌اید؟ چه شادی‌هایی تجربه کرده‌اید؟ اگر در آن زمان از آنچه که اکنون می‌دانید آگاه بودید، چه چیزی را متفاوت انجام می‌دادید؟

چهارشنبه

۸ ژوئیه

ابراهیم کوچگر

مروری بر زندگی ابراهیم نشان می‌دهد که ایمانش شامل کشمکش‌های دشواری بر خلاف شک و بی‌اعتمادی به قدرت خدا بود. اجداد ابراهیم بت‌پرست بودند (یوشع باب ۲۴ آیه ۲)، و شاید این پیش‌زمینه بتواند اعتماد کامل نداشتن دائم او به قدرت خدا را توجیه کند. او دوبار از خود بزدلی نشان داده و از سارا خواست که تنها نیمی از حقیقت را بیان کند (پیدایش باب ۱۲ آیات ۱۱ تا ۱۳ و باب ۲۰ آیه ۲). هنگامی که به او گفته شد که از سارا فرزندی خواهد داشت، خندید (پیدایش باب ۱۷ آیه ۱۷). با وجود اشتباهاتش، خدا همچنان از ابراهیم استفاده می‌کرد زیرا ابراهیم چنین می‌خواست؛ و به این ترتیب، خداوند قادر شد سیرت او را شکل دهد.

یکی از وسائلی که خدا برای تبدیل ابراهیم به اصلاح‌گر و مبلغ بکار برد، کوچگری متعدد او بود. سفر به نوبه خود نوعی آموزش است و شخص را آماده پذیرش ایده‌های جدید و تحولات می‌سازد. سفر زیارتی به اورشلیم بخش مهم و لازم آئین عبادت بنی‌اسرائیل بود. تغییراتی که زائران در طول مسیر پیاده‌رویشان تجربه می‌کردند از جمله خوابیدن در مکان‌های غریب، خوردن غذاهای متفاوت، مواجه شدن با آب و هوایی جدید و ملاقات با دیگر مردم بسته به میزان آسیب پذیریشان، ایمانشان را افزایش می‌داد. عبادتشان به همراه قربانی‌ها و هدایا، رقص‌های مقدس و خواندن سرودهای مذهبی به قوم خدا کمک کرد تا هویت و رسومشان را تثبیت کنند.

ابراهیم در سفرهایش از زادگاهش در اور به محل دفنش در حبرون دست کم ۱۵ منطقه جغرافیایی مختلف را بازدید نمود. اکثر اصلاحات و تبشیر مهم دوره خدمتش مربوط به سفرهایش هستند.

درس‌های روحانی که ابراهیم در مکان‌های زیر تجربه کرد چه بودند؟

موره در شکیم (پیدایش باب ۱۲ آیات ۶ و ۷)

حبرون (پیدایش باب ۱۳ آیه ۱۸ تا باب ۱۴ آیه ۲۰)

ممری (پیدایش باب ۱۸ آیه ۱ و آیات ۲۰ تا ۳۳)

کوه موریا (پیدایش باب ۲۲ آیات ۱ تا ۱۴)

۲ ژوئیه

پنجشنبه

ابراهیم: مبلغی در خانه خویش

”و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتی بزرگ و زورآور پدید خواهد آمد، و جمیع امت‌های جهان از او برکت خواهند یافت. زیرا او را می‌شناسم که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خواهد فرمود تا طریق خداوند را حفظ نمایند، و عدالت و انصاف را بجا آورند، تا خداوند آنچه به ابراهیم گفته است، به وی برساند.“ (پیدایش باب ۱۸ آیات ۱۸ و ۱۹). چه درس‌های مهمی درباره وفاداری و خدمت به خدا از این آیات می‌آموزیم؟

”خدا از ابراهیم دعوت کرد که آموزگار کلامش باشد، او را انتخاب نمود تا پدر قوم بزرگ باشد زیرا خدا دید که ابراهیم فرزندان و خانواده اش را بر طبق قوانین او آموزش می‌دهد. و همچنین چیزی که به آموزه‌های ابراهیم قوت بخشید، نفوذ و تاثیر زندگی خود او بود. خاندان بزرگ او متشکل از بیش از هزار نفر بود که بسیاری از آنها سران خانواده و به تازگی از بت‌پرستی تغییر آئین داده بودند.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White, Education, p.187).

کارهای تبلیغی اگر با زندگی خانوادگی هماهنگ با طرح‌های خدا پشتیبانی شوند، موفق تر خواهد بود. تاریخچه کتاب مقدس و کلیسا به ما می‌گوید که اکثر کلیساهای اولیه مسیحی بر اساس خانه و خانواده بودند. یکی از دلایلی که ابراهیم انتخاب شد این بود که خدا توانایی او را در هدایت فرزندان و خانواده اش به شیوه خدا را دید. هدف خدا در خانواده همانند هدفش در پیام رسانی است؛ یعنی، ”عدالت و انصاف را بجا آوردن“ (امثال باب ۲۱ آیه ۳).

چه مثال‌هایی می‌توانید درباره خانواده ابراهیم پیدا کنید که نشان دهنده وفاداری ایشان به خداوند است؟ برای مثال عبرانیان آیات ۱۱ و ۲۰ را ببینید.

به طور حتم، همچنین می‌توانید در کتاب مقدس نمونه‌هایی از مردان خدا پرست را ببینید که خانواده‌هایشان راه خدا را دنبال نکردند. با وجود این، نکته آیات امروز مشخص است: ایمان و الگوی ابراهیم آنقدر قوی بود که خانواده اش آموختند ”طریق خداوند را حفظ نمایند“ (پیدایش باب ۱۸ آیه ۱۹).

”طریق خداوند را حفظ“ نمودن برای شما چه مفهومی دارد؟ ما چگونه باید ”طریق خداوند را حفظ“ نماییم؟

۳ ژوئیه

جمعه

مطالعه بیشتر: ”خدا ابراهیم را فراخواند و او را کامیاب و مفتخر ساخت و وفاداری او، نوری برای مردم همه کشورهای بود که او در آن‌ها ساکن شد. ابراهیم خودش را از مردم اطرافش جدا نساخت. او با پادشاهان سرزمین‌های اطراف روابط دوستانه برقرار نمود و برخی از آنها به او احترام بسیاری گذاشتند؛ درستکاری و از خودگذشتگی، دلیری و سخاوتمندی اش بازتاب سیرت خدا بودند. در بین النهرین، کنعان، مصر و حتی برای ساکنان سرزمین سدوم خدای آسمانها از طریق نماینده اش آشکار شد.“ - الن جی. هوایت (Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, p. 368).

سوالاتی برای بحث

۱- داستان ابراهیم و اسحاق در کوه مورییا برای هزاران سال ایمان داران را به وجد آورده و به چالش کشیده است. در حالی که تمسخر و تحقیر کسانی که آن را عملی ظالمانه و بیرحمانه دیده‌اند، برانگیخته است. داستان را بار دیگر در باب ۲۲ کتاب پیدایش بخوانید. چه درس‌های بزرگی می‌توانیم از آن بیاموزیم؟ این روایت درباره صلیب و بهای وحشتناک گناه چه به ما می‌آموزد؟ درباره آنچه برای از روی ایمان گام برداشتن لازم است، به ما چه می‌آموزد؟ چرا این داستان برای بسیاری اضطراب‌آمیز است؟

۲- باب ۱۲ آیات ۱۱ و ۱۳ و باب ۲۰ آیه ۲ از کتاب پیدایش را بخوانید. در هر دو روایت مرد خدا ابراهیم از خود بی‌ایمانی نشان داد. چه چیزی می‌توانیم از این دو روایت بیاموزیم؟

۳- آیه ۶ از باب ۱۵ کتاب پیدایش یکی از معروف ترین آیات کتاب مقدس است. مفهوم آن چیست؟ در چه زمینه ای بیان شده است؟ در عهد جدید چگونه استفاده شده است (رومیان باب ۴ آیه ۳، غلاطیان باب ۳ آیه ۶، یعقوب باب ۲ آیه ۲۳ را ببینید)؟ این آیات به ما درباره ایمان، اعمال و نجات چه می آموزند؟

۴- برخی از رهبران مذهبی که اعضای خانواده شان راه خدا را دنبال نکردند چه کسانی بودند؟ از روایاتشان چه چیزی می توانیم بی آموزیم که برای هر کس که در کمک به ایمان آوردن به اعضای خانواده اش مشکل دارد، می تواند مفید باشد؟

مبلغ غیر محتمل

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم پادشاهان باب ۵؛ مرقس باب ۱ آیات ۴۰ تا ۴۵، دوم پادشاهان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۵، یوحنا باب ۱۵ آیه ۵، رومیان باب ۶ آیه ۱ و آیات ۴ تا ۱۱.

آیه حفظی: "و بسا ابرصان در اسرائیل بودند، در ایام الیشع نبی و احدی از ایشان طاهر نگشت، جز نعمان سریانی" (لوقا باب ۴ آیه ۲۷).

دو کتاب پادشاهان که دربر دارنده تاریخ پادشاهی های اسرائیل از حدود ۹۷۰ تا ۵۶۰ قبل از میلاد هستند، حوادث چشم گیر و مهیج و گستره تحولات سیاسی را که قوم خدا را تهت تاثیر قرار داد، ثبت کردند. داستان زندگی ایلیا و الیشع در این روایات از همه منسجم تر است، آنها انبیا با شهامت خدا بودند که ماجراهایشان تصورات کودکان و بزرگ سالان از هر سنی را به خود جذب نموده است.

نکته جالب توجه دیگر شباهت های خدمت الیشع و خدمت عیسی است. در خدمت هر دوی ایشان مرده ها زنده شدند، جذامیان شفا یافتند و مردم گرسنه با مقدار غذای کم سیر شدند.

درس این هفته با یکی از این معجزه ها سر و کار دارد: شفای نعمان، که یک بت پرست ثروتمند، قدرتمند و مغرور بود و در زمان نیازش توانست قدرت خدای زنده را تجربه کند و در مرحله اول این اتفاق از طریق شهادت یک مبلغ غیر محتمل صورت پذیرفت.

در میان بسیاری از حقایق روحانی که در این روایت یافت می شود، ما می توانیم از یک الگوی شهادت فراز فرهنگی در این بحبوحه تنش و رقابت بین المللی برخوردار شویم. در این روایت همچنین می توانیم نمونه ای از کار نقشه نجات را ببینیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۸ ژوئیه آماده شوید.

او همه چیز داشت ... اما

”و نُعْمَان، سردار لشکر پادشاه آرام، در حضور آقایش مردی بزرگ و بلند جاه بود، زیرا خداوند به وسیله او آرام را نجات داده بود، و آن مرد جَبَّار، شجاع ولی ابرص بود“ (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۱).

این آیه دست کم شامل چهار توصیف و القاب است که نعمان را در بالاترین رده جامعه سوریه‌ئی و آرامی قرار می‌دهد. او تاثیر عمده ای بر پادشاه آرام داشت و مورد تکریم اعلائی بود و در امور مذهبی و همچنین نظامی دست راست پادشاه بود (آیه ۱۸). او همچنین بسیار ثروتمند نیز بود (آیه ۵).

با وجود این، آیه اول یک ”اما“ بزرگ دارد. تمام قدرت، افتخار و شجاعت نعمان تحت‌الشعاع مخوف ترین بیماری آن زمان یعنی جذام رنگ باخت. و این دقیقا همان چیزی است که این مرد بیچاره داشت، یعنی ”اما“ بزرگ که بر سایر چیزهایی که بدست آورده بود سایه تاریک افکنده بود. به هر حال، این ناراحتی باعث شد که او با نبی خدا ملاقات کرده و در نتیجه به خدای حقیقی ایمان بیاورد.

مرقس باب ۱ آیات ۴۰ تا ۴۵، لوقا باب ۸ آیات ۴۱ تا ۵۶ و مرقس باب ۲ آیات ۱ تا ۱۲ را بخوانید. علیرغم واقعیت آشکار که عیسی شفاهای معجزه آسایی در اینجا انجام داد، چه چیز مشترکی از این روایات دریافت می‌شود؟ چه چیزی باعث شد که همه این مردم نزد عیسی بیایند؟

اختلالات زندگی شخصی، مصیبت‌ها و تحولات می‌توانند انسان‌ها را بیشتر آماده پذیرش حقایق روحانی کنند و آن‌ها را به جستجوی خدا وادارند. حوادث فیزیکی، روانی، سیاسی و غیره می‌توانند ذهن انسان را بر روی واقعیت وجود خدا باز کنند. از دست دادن عزیزان، فجایع ملی و جنگ‌ها انگیزه‌های بزرگی هستند که باعث می‌شوند مردم قدرتی بزرگتر از خویش را جستجو

نمایند. از مدت‌های پیش، کلیسا آگاه بود که نتایج بیشتر از حد معمول جذب انسانها به حقیقت، در مناطقی که مردمش درگیر رنج‌های شخصی و اجتماعی هستند بدست می‌آید.

از یک جهت به نظر می‌رسید که نعمان همه چیز دارد؛ اما از طرف دیگر او فردی شکسته و نا امید بود. چگونه همه ما نیز این چنین هستیم، یعنی هم چیزهای خوب در زندگی داریم هم چیزهای بد؟ چگونه می‌توانیم بیاموزیم که هر دو این‌ها ما را در ارتباط با خدا نگه دارند؟

دوشنبه

۱۳ ژوئیه

شاهد غیر محتمل

آیات ۱ تا ۷ باب ۵ از کتاب دوم پادشاهان را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی در حال رخ دادن است؟ چرا اصلا سوریه‌ئی به سخنان آن دختر برده در اسارت گوش داد؟ چه مفاهیم ضمنی در اینجا نهفته است؟

کتاب مقدس از چگونگی رفتار این دختر جوان در خانه جزییات واقعی به ما نمی‌دهد، اما واضح است که چیز خاصی در باره او وجود داشت که توجه خانواده را جلب نمود. به این بیاندیشید: به حرف یک دختر بچه اسیر در خانواده‌اش، یک فرمانده نظامی ثروتمند و قدرتمند نزد پادشاهش رفته و حرف دختر بچه را به پادشاه می‌گوید و اجازه می‌خواهد که برود. حتی بیشتر از آن، هدایای بسیاری آماده می‌کند تا نزد نبی برود. بدیعی است که چیزی بیشتر از آن چه بطور صریح در آیات بیان شده است، در جریان بود. با این وجود، نماینده خدا برای ریشه‌گزارای دانش خدا در محافل حکومتی سوریه دختر بچه عبرانی، برده و بی‌نام و نشان بود که ظالمانه توسط مهاجمین سوریه‌ئی ربوده شده بود. دختر بچه به جای اینکه به ظالمانه و بی‌مفهوم بودن این عمل و زندگی بردگی بیاندیشد، ایمان تزلزل نیافته در قدرت تغییر دهنده زندگی خدا را که از طریق الیشع در سامره کار می‌کرد، با همه در میان گذاشت (آیه ۳). از این رو او نیز مانند دانیال و همراهانش در بابل توانست فلاکت خویش را به روشی برای تجلیل خدا تغییر دهد و بنابراین خدا اسارت او را به موقعیتی برای در میان گذاشتن ایمانش با دیگران تبدیل نمود. و طبق گفته الن جی. هوایت، "رفتار خدمت کار اسیر، به گونه‌ای که شرایط آن خانه بت‌پرست را تحمل نمود، شهادتی قوی بر قدرت پرورش روزهای اولیه خانواده بود." - Prophets and Kings, p. 245

این روایت درباره چگونگی جذب دیگران بواسطه ایمان، نحوه زندگی و کارهایمان به ما و حقیقتی که بخشیده شده است، چه می آموزد؟

نکته جالب دیگر این روایت واکنش پادشاه اسرائیل به دریافت نامه است. “آیا من خدا هستم؟ آیا می توانم جذام را شفا دهم؟” سخنان او اندازه مخوف بودن این بیماری و این که تنها یک معجزه می توانست آن را شفا بخشد را آشکار می سازد. به هر دلیلی، نامه این انتظار را بوجود آورد که پادشاه قادر است بیماری را شفا دهد. او می دانست که قادر به انجام این کار نیست و بنابراین با خود اندیشید که همه این ها ترفندی است تا او را دچار دردرس سازد.

سه شنبه

۱۴ ژوئیه

الیسع نبی

خدمت نبی الیسع در قرن نهم قبل از میلاد در مجموعه ی ۱۸ رویداد که بیش از پنجاه سال به طول انجامید، به دست ما می رسد. خدمت او بیشتر به عنوان رئیس مدرسه انبیاء و بسیار عمومی صورت پذیرفت. این شامل نمایش نشانه ها و عجایب در سطح شخصی و ملی است. الیسع نبی بود که پادشاهان و مردم عادی به دنبال کمک و مشاوره اش بودند.

آیات ۱ تا ۱۵ باب ۲ کتاب دوم پادشاهان را بخوانید. این آیات درباره خدمت و فراخواندگی الیسع به ما چه می گویند؟

شکی نیست که الیسع توسط خدا فراخوانده شده بود؛ او تجارب باور نکردنی داشت که به طور حتم این فراخواندگی را در ذهن خودش تأیید می نمود. مهم تر اینکه درخواست او برای داشتن “سهمی دو برابر” از روح القدس واقف بودن او به این واقعیت را

نشان می‌داد که برای انجام کاری که به آن فراخوانده شده بود، نیازمند قدرت الهی خواهد بود، زیرا به خودی خود قادر نمی‌بود. بنابراین، حتی در آن زمان این مرد خدا متوجه آن چه عیسی قرن‌های بسیار بعد گفت، شد: ”من تاک هستم و شما شاخه‌های آن هستید. هر که در من بماند و من در او، میوه بسیار می‌آورد چون شما نمی‌توانید جدا از من کاری انجام دهید“ (یوحنا باب ۱۵ آیه ۵). این به ما می‌آموزد که صرف‌نظر از موقعیت مان در کار خداوند، همگی مستلزم تشخیص و شناخت آن هستیم.

بدیهی است همان‌طور که از داستان فراخوانده شدن الیشع متوجه می‌شویم، این قدرت در حقیقت به او واگذار شده بود از این رو، الیشع به پادشاه اعلام نمود که درکی سالم و صادقانه از نقش خویش و این فراخواندگی داشت: بگذار نعمان ”تا بداند که در اسرائیل نبی‌ئی هست“ (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۸).

موضوع جالب دیگر باید صحنه‌ای می‌بود که این فرمانده نظامی و همراهانش با تمام شکوهشان به در خانه الیشع آمدند که احتمالا مکانی نسبتاً کوچک و متوسط بود، در مقایسه با تجملی که نعمان از آن لذت می‌برد. با این حال الیشع به نظر نمی‌رسید که از نعمان و سپاهش ترسیده باشد. در حقیقت او برای ملاقات با آن فرد قدرتمند از خانه‌اش به بیرون قدم نگذاشت؛ در عوض پیکی نزد فرمانده فرستاد تا به او فرمانی دهد! تنها پادشاه سفر طولانی‌اش از دمشق، امریه‌ای قاطع بود که از او خواسته شده بود به اردن رفته و استحمام کند! اما این با وعده‌ای همراه بود: ”ظاهر خواهی شد“ (آیه ۱۰).

بدون شک غرور این مرد مهم جریحه‌دار شد. اما هر چند ممکن است هدف همین بوده باشد.

۱۵ ژوئیه

چهارشنبه

شفای نعمان

دوم پادشاهان باب ۵ آیات ۱۱ تا ۱۴ را بخوانید. این روایت درباره نعمان و درس‌هایی که باید یاد می‌گرفت به ما چه می‌آموزد؟ ما به نوبه خود چه چیزی می‌توانیم از این روایت درک کنیم؟

اگر نبی الیشع شخصا مهمان برجسته‌اش نعمان را ملاقات کرده بود و حرکاتی تطهیری در کنار شیوه‌های سحر و جادو و سایر مراسمی که در ادیان بت پرستی رواج داشت را به کار گرفته بود، ممکن است نعمان تردید نمی‌کرد. اما دو جنبه پذیرایی او، نعمان را آزرده. نه تنها نبی شخصا برای ملاقات نعمان از خانه بیرون نیامد، بلکه او را به رود اردن راهنمایی کرد تا جذامش درمان شود.

از نقطه نظر تشریفات حق با نعمان بود. الیشع می‌بایست برای خوشامدگویی به او از خانه‌اش بیرون می‌آمد. و همچنین رودخانه های دمشق بدون شک بهتر بودند زیرا آبشان تمیزتر از آب گل آلود رودخانه اردن بود. با این حال خدا از طریق الیشع، نعمان را به اردن رودی در اسرائیل راهنمایی نمود. تمام روند شفا طراحی شده بود تا نشان دهد، اولاً، که نبی خدای حقیقی در اسرائیل وجود دارد و ثانیاً، خدا پیروی از او را پاداش داد.

همراهان نعمان او را متقاعد کردند که سخن "فرمانده" جدید و الهی را پذیرفته و دست کم آن را امتحان کند. استدلال آن‌ها که اگر درمان پیچیده بود او می‌توانست آن را تحمل کند، نعمان را متقاعد ساخت. بدون شک برای او نادیده گرفتن غرورش با گوش کردن به دختر برده، نبی غریبه که به او احترام کمی نشان داد و در نهایت خدمت کارانش دشوار بود. با این وجود برای درمان درمانده شده بود.

"پس فرود شده، هفت مرتبه در اُردن به موجب کلام مرد خدا غوطه خورد و گوشت او مثل گوشت طفل کوچک برگشته، طاهر شد" (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۱۴).

نخستین الزامات برای درمان نعمان، ایمان آوردن و پیروی بود. او به محض این که بر غرورش غلبه کرد و با هفت بار شستشو در اردن گل آلود از اراده خدا پیروی نمود، شفا یافت.

آیات ۴ تا ۱۱ باب ۶ از کتاب رومیان را بخوانید. داستان نعمان چگونه برخی از اصولی را که در این آیات تعلیم داده شده است، منعکس می‌کند؟ شما به چه روش‌هایی واقعیت "حیات دوباره" در مسیح را تجربه کرده‌اید؟

۱۶ ژوئیه

پنجشنبه

ایمان‌دار جدید

"پس او با تمامی جمعیت خود نزد مرد خدا مراجعت کرده، داخل شد و به حضور وی ایستاده، گفت: «اینک الان دانسته‌ام که در تمامی زمین جز در اسرائیل خدایی نیست. و حال تمناً اینکه هدیه‌ای از بنده‌ات قبول فرمایی» (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۱۵). این آیات چگونه به آشکار شدن تجربه نجات کمک می‌کنند؟ مکاشفه باب ۱۴ آیه ۱۲؛ اول یوحنا باب ۵ آیه ۲ و ۳؛ رومیان باب ۶ آیه ۱ را ببینید.

برای نعمان آسان می‌بود که مستقیم پس از درمانش از اردن به دمشق باز گردد. با وجود این به عنوان تشکر، او و همراهانش به خانه نبی بازگشتند. این بار آن‌ها ایشع را شخصا ملاقات نمودند. اقرار به این که خدای اسرائیل فروانروای جهان است موضوع اصلی کتاب مقدس است. شنیدن این سخنان از فردی بت پرست، یکی از عالی‌ترین نکته‌های الهام عهد عتیق را تشکیل می‌دهند. ایمان آوردن نعمان نشان داد که تجربه جدیدش با خدای اسرائیل بستگی داشت. نبی بنی‌اسرائیلی بود، رودخانه از مهم‌ترین رودهای اسرائیل بود و عدد هفت ارتباطی آشکار با خدای خلقت داشت.

آن چه درباره نعمان می‌بینیم نمونه‌ای از چگونگی عمل کردن ایمانی حقیقی است: نعمان چیزی بدست آورد که هرگز خود به تنهایی نمی‌توانست بدست بیاورد. واقعیتی که ایشع هدایا را نپذیرفت (دوم پادشاهان باب ۵ آیه ۱۶) راهی بود برای نشان دادن این که نجات را نمی‌توان بدست آورد یا خرید و کاملاً از فیض خدا است. با این حال، در همان زمان تمایل نعمان به دادن هدیه‌ئی به ایشع برای کاری که برایش انجام داده بود، نشان دهنده پاسخ ایمان است، پاسخی از روی سپاسگزاری برای آن چه به او داده شده بود. ایشع هدیه را نپذیرفت. در اینجا او مانند ابراهیم عمل می‌کند که به پادشاهان بت پرست کمک کرد اما هدایایشان را نپذیرفت و این سخنان را گفت که هیچ کس نباید قادر باشد بگوید "من ابرام را دولت‌مند ساختم" (پیدایش باب ۱۴ آیه ۲۳). ایشع می‌دانست پذیرفتن هدیه درسی که نعمان باید می‌آموخت را از بین می‌برد. شفا یافتن او کار خدا و عملی از روی فیض محضش بود.

"بگذاریم این نکته آویزه گوش همگان شود: اگر ما مسیح را به عنوان نجات دهنده بپذیریم، باید او را بعنوان فرمانروا نیز بپذیریم. ما تا زمانی که مسیح را به عنوان پادشاه خود قبول نکرده و از دستوراتش اطاعت نکنیم، نمی‌توانیم اطمینان و اعتماد کامل به او به عنوان نجات دهنده مان داشته باشیم. بنابراین، ما وفاداریمان را به خدا بدین‌سان ثابت می‌کنیم. آنوقت نشان واقعی ایمان را خواهیم داشت، زیرا ایمانی عملی و از روی محبت است." - الن جی. هوایت (Ellen G. White, Faith and Works, p. 16).

اگر قرار بود مردم به زندگی شما نگاه کنند، چه چیزی در آن می‌دیدند که نشان دهنده محبت شما به خدا برای آن چه در مسیح برای شما انجام داده است، بود؟

مطالعه بیشتر: "قرن‌ها پس از آنکه نعمان به خانه سوریه‌ئی‌اش بازگشت، جسمش شفا یافته و روحش ایمان آورده، نجات دهنده به عنوان نمونه برای تمام کسانی که قصد خدمت خدا را داشتند، به ایمان شگفت‌انگیز او اشاره نموده و آن را مورد ستایش قرار داد." همینطور در زمان ایشع نبی، جذامیان بسیاری در اسرائیل بودند ولی هیچکدام از آنان جز نعمان سوریه‌ئی شفا نیافت" (لوقا باب ۴ آیه ۲۷). خدا بسیاری از جذامیان اسرائیل را نادیده گرفت زیرا بی‌ایمانی ایشان در نیکی را بر روی آنها بست. نجیب‌زاده بت پرستی که نسبت به اعتقاداتش راجع به حقیقت صادق بود و احساس کرد نیازمند کمک است، در نظر خدا مستحق‌تر از مبتلایان به بیماری در اسرائیل بود، یعنی کسانی که امتیازات خدادای خود را حقیر و منفور می‌دانستند. خدا برای

کسانی که قدر الطاف او را دانسته و به نوری که از آسمان به آنها داده می شود پاسخ می دهند، کار می کند.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White, Patriarchs and Prophets, p. 368).

سوالاتی برای بحث

۱- در طول سالها، بحث های زیادی درباره آنچه پس از شفای نعمان رخ داد، اتفاق افتاده است. در کتاب دوم پادشاهان باب ۵ آیات ۱۷ تا ۱۹، نعمان اعتراف قدرتمندی از روی ایمان کرده، می گوید، ”حالا که هدایای مرا نمی پذیری، اجازه بده که دو بار قاطر از خاک اینجا به کشورم ببرم، زیرا پس از این قربانی و هدایایی سوختنی به هیچ خدایی به جز خداوند تقدیم نخواهم کرد“ (آیه ۱۷). هر چند دقیقاً پس از آن می گوید، ”امیدوارم که خدا هنگامی که همراه پادشاه به پرستشگاه رمون، خدای سوریه می روم، مرا ببخشد زیرا پادشاه به بازوی من تکیه می کند و هنگامی که آنجا سجده می کنم خداوند مرا به این خاطر ببخشد“ (آیه ۱۸). در پاسخ الیشع چه مفاهیمی نهفته است؟ مبلغان مسیحی تا چه حد بایستی در مقابل ایمان آورندگان جدید صبر و تفاهم داشته باشند، به ویژه زمانی که آنها از زمینه های مختلف مذهبی و فرهنگی می آیند؟

۲- پذیرفتن فرهنگ جدید برای ایمان آوران نوپا چقدر سریع باید صورت گیرد؟ ”بیوه زن اهل صرغه و نعمان سوریه ئی با تمام نوری که داشتند، زندگی کردند؛ از این رو آنها از قوم انتخاب شده خدا که از او برگشته و اصول خدا را قربانی افتخار و راحتی دنیوی نمودند، عادل تر بودند.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 416).

۳- شفا و نجات بواسطه ایمانی که در کارهایش آشکار شد، به نعمان داده شد. درباره رابطه میان ایمان و اعمال بیشتر بحث کنید. چرا درک نقش بسیار مهم و متمایز این دو در تجربه نجات دارای اهمیت است؟

حماسه یونس

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یونس باب ۱ تا ۴؛ دوم پادشاهان باب ۱۴ آیه ۲۵؛ اشعیا باب ۵۶ آیه ۷، اشعیا باب ۴۴ آیه ۸؛ متی باب ۱۲ آیه ۴۰؛ مکاشفه باب ۱۴ آیات ۶ تا ۱۲.

آیه حفظی: ”من به این حقیقت پی برده ام که خدا هیچ تبعیضی قائل نمی شود و هر کس از هر ملت که خدا ترس و نیکوکار باشد مقبول خدا است“ (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۳۴ و ۳۵).

حماسه یونس حکایت نبی عبرانی است که خارج از حیطه آسایش خویش خدمت می کرد. او که ۷۵۰ سال قبل از میلاد و در زمان حکومت یربعام دوم زندگی می کرد (دوم پادشاهان باب ۱۴ آیه ۲۵)، تنها نبی عهد عتیق است که می دانیم مستقیماً فراخوانده شد تا برای خدمت بشارتی، به کشور دیگری برود. هر چند که علم الهیات عوام پسند بنی اسرائیل در زمان یونس سهیم بودن غیر یهود را در نقشه نجات خدا نمی پذیرفت، این حقیقت که خالق تمام نژادها قصد محدود کردن موهبت نجات را تنها برای قوم منتخبش نداشت، بارها در عهد عتیق بخصوص در اشعیا و مزامیر تکرار شده است. درک و پذیرش این موضوع حتی در دوره زمانی عهد جدید نیز برای ایمان دارن یهودی دشوار بود.

در چهار فصل کتاب یونس، ثبت صادقانه تجربیات بی رغبت مثبت و منفی طلیعه داری اش از خدمت بشارتی اش در سرزمین بیگانه را می خوانیم. در اینجا درون یک فرد واکنش های انسانی به دعوت خدا همراه با تمایلی قدرتمند برای خدمت در سرزمین های بیگانه بیان شده است. چند دستور عمل برای مرسلین سرزمین های بیگانه و شهادت دادن ضمن فرهنگی از این کتاب به دست می آید که به راهکارهایی برای برخی از مسایل و مشکلاتی که مرسلین امروزی با آن مواجه اند، اشاره دارند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۵ ژوئیه آماده شوید.

نبی معیوب

آیه ۲۵ از باب ۱۴ کتاب دوم پادشاهان را بخوانید. این آیه درباره یونس چه چیزی را بیان می‌کنند؟ از او به عنوان چه نوری یاد شده است؟

به غیر از کتاب یونس، در بخش دیگری از عهد قدیم، یعنی در دوم پادشاهان باب ۱۴ آیه ۲۵ به این نبی اشاره شده است. در اینجا او به عنوان نبی‌ئی که باز پس گرفته شدن خاک اسرائیل که توسط سوریه‌ئی‌ها گرفته شده بود را پیشگویی کرد، مورد احترام قرار گرفته شده است.

یونس در جت حافر به دنیا آمد (معادل عبری "خمره شراب در گودال آب" است)، شهری در زبولون که در شمال اسرائیل و تنها در چند کیلومتری ناصره قرار داشت. این به این مفهوم است که عیسی و یونس هر دو انبیای اهل جلیل بودند که ۷۵۰ سال از هم فاصله زمانی داشتند.

یونس باب ۱ آیات ۱ تا ۳ و ۹ و ۱۲، باب ۳ آیات ۳ تا ۱۰، باب ۲ آیات ۱ تا ۹ را بخوانید. این آیات چه تصویر خوب و یا بدی درباره او ارائه می‌کنند؟

یونس در کتابش با ترکیب عجیبی از نقاط قوت و ضعف نمایان می‌شود: خودرأی و نافرمان اما قابل تعلیم و مطیع. او به خدا وفادار، شجاع و در دعاهایش با ایمان بود، اما با این حال کوتاه‌فکر، خودخواه و کینه‌جو نیز بود. در حالی که یونس در آیه ۲۵ باب ۱۴ کتاب دوم پادشاهان به عنوان خادم خداوند معرفی شده است، اما در کتابی که به نام خودش است شخصیتی تا حدودی غمگین و حزن‌انگیز نشان داده شده است. این نشانه‌ای است از اصالت و قابل اطمینان بودن کتاب مقدس، که او به چنین شیوه صادقانه‌ای توصیف شده است. تمایل طبیعی و انسانی یک نویسنده این است که جنبه‌های کمتر پذیرا از قهرمانان کتاب مقدس را مخفی و پنهان کند. اما بواسطه الهام روح القدس، نویسندگان کتاب مقدس جنبه‌های شجاعانه زندگی مردم را همراه با جنبه‌های کم اهمیت ارائه می‌کنند تا این حقیقت را نشان دهند که صرفنظر از ضعف و ناخوشایندی این شخصیت‌ها، خدا قادر است در صورت تمایل ایشان، آن‌ها را بکار برد.

خدا چه شخصیت‌های دیگری از کتاب مقدس را بدون در نظر گرفتن معایب‌شان مورد استفاده قرار داد؟ از این واقعیت که خدا از مردم ناقص و آسیب دیده در خدمتش برای جذب دیگران استفاده می‌کند، چه امیدی می‌توانیم بدست آوریم؟

مبلغ پیشرس

”برخیز و به نینوا برو؟“ فرمان خدا به یونس بود. در عهد قدیم درخواست معمول از ملت‌ها این بود که، ”به صهیون بیایید.“ نقشه اصلی خدا برای اسرائیل این بود که براساس دین خود زندگی کرده، ملت‌شان را آنچنان جاذب نمایند که سایر ملل برای هدایت نزد ایشان بیایند (اشعیا باب ۵۶ آیه ۷).

از یونس به عنوان پیشرو حواریون در عهد جدید (متی باب ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰) خواسته شد به نینوا برود که به نظر او مرکز ناپاک بت‌پرستی، خشونت و استبداد بود. یونس مقدمات کاملی را آماده ساخت تا از طریق دریا به غرب برود، هر چند خدا فرمان مستقیم به او داده بود که از طریق خشکی به شرق برود. یونس، نبی بی‌میل در جهت مخالف فرار کرد.

آیات ۳ تا ۱۷ باب ۱ کتاب یونس را بخوانید. از این روایت شگفت‌انگیز چه درس‌هایی می‌توانیم بیاموزیم؟

پاسخ خدا به فرار یونس در قالب طوفانی قدرتمند نمایان شد. بادهای از خالق خویش اطاعت می‌کنند اگر چه نبی‌اش اطاعت نکرد (مرقس باب ۴ آیه ۴۱). یونس در طول طوفان خوابید در حالی که خدمه غیر یهود دعا می‌کردند (یونس باب ۱ آیه ۱۴). یونس در صداقت اعتراف نمود که مسبب بوجود آمدن طوفان او بوده است و به خدای حقیقی و خالق شهادت داد. توجه کنید که پاسخ او، ”من عبرانی هستم،“ به دو جنبه دین و ملیت اشاره داشت. ملوانان غیر یهودی با مشاهده شدت طوفان تلاش کردند خود و مسافران را نجات دهند و نسبت به یونس شفقت نشان داده و بر طبق خواسته او که می‌خواست او را به دریا بیاندازند، موافقت نکردند. (نبی بی‌میل آماده بود که برای نجات دیگران خود را قربانی کند.) هنگامی که در نهایت آنها قانع شدند که خواسته او را انجام دهند، طوفان متوقف و دریا آرام شد (آیه ۱۵). ملوانان شگفت زده نخستین معتقدان به خدای یونس شدند، که با وجود فرار از فراخواندگی‌ش، همچنان از او در کارش استفاده نمود.

نجات یونس به اندازه نجات کشتی معجزه‌آسا بود. خدا ”ماهی بزرگی“ مهیا نمود. در نسخه اصلی و به زبان عبری در کتاب مقدس مشخص نشده است که چه نوعی از ماهی با بلعیدن یونس، او را نجات داد. بودن یونس در شکم ماهی بدون شک معروف‌ترین بخش این داستان است؛ با وجود این نباید پیام عمیق‌تر این کتاب که خدا مردم را محبت نمود، مورد توجه قرار داده و خواستار نجات ایشان است را تحت الشعاع قرار دهد.

در نهایت تنها یک خدا وجود دارد، که خالق آسمان‌ها و زمین است (اشعیا باب ۴۸ آیه ۸ و باب ۴۵ آیه ۵ و ۶ را ببینید). هر چیز دیگری که هرکس پرستش نماید، بت‌پرستی و اشتباه است. هر "خدا"ی دیگری که عبادت کنند خیالی و دروغی است. چرا درک و یادگیری این حقیقت بخصوص در زمینه بشارت دادن برای ما دارای اهمیت است؟

در شکم ماهی بزرگ

تجربه سه روزه در شکم ماهی بزرگ به نوعی مانند مرگ و رستاخیز مسیح شد (یونس باب ۱ آیه ۱۷ تا باب ۲ آیه ۱۰، متی باب ۱۲ آیه ۴۰). خدا ماهی بزرگ را مهیا و راهنمایی نمود. اگرچه گزارشات وجود دارد از کسانی که بعد از بلعیده شدن توسط نهنگ در دریا نجات یافته اند، اما باید به یاد داشته باشیم که خدا این ماهی بزرگ خاص و همچنین نیروی معجزه آسایی که خدمتگزارش را در درون شکم آن محافظت کرد مهیا ساخت. بدین مفهوم که در نهایت این رویدادی معجزه آسا بود که تنها می‌توانست از طریق مداخله ماوراءالطبیعی خداوند اتفاق بیافتد، کسی که در تمام کتاب مقدس به عنوان خدای شخصی که در حقیقت به گونه‌ای معجزه آسا در زندگی مردم مداخله می‌کند، نمایان شده است.

مدرکی وجود دارد که عبارت "سه روز و سه شب" گونه باستانی بیان زمان مورد نیاز برای سفر خیالی به Sheol که در عبری به قلمرو مردگان اطلاق می‌شد، بود. با توجه به اینکه چه اتفاقی برای او افتاد، واقعاً یونس می‌باید مرده باشد.

یونس در شکم ماهی شروع به دعا کردن نمود. خواسته ناخدا از یونس که "خدای خود را بخوان" (یونس باب ۱ آیه ۶) بی‌فایده بود. اکنون در شرایطی نا امید، یونس به طور جدی شروع به دعا کردن می‌کند. باید این اتفاق بسیار دشوار می‌افتاد تا او بالاخره کاری که باید پیش از آن می‌کرد را انجام دهد. خلاصه‌ای از دعای یونس در قالب مزمویر شکرگزاری ثبت شده است. چنین مزامیری معمولاً از ۵ بخش تشکیل می‌شود: (۱) مقدمه؛ (۲) شرح پریشانی؛ (۳) طلب کمک از خدا؛ (۴) گزارش اقدام خدا؛ و (۵) متعهد شدن به پایبندی به همه پیمان‌ها و گواهی دادن به عمل نجات دهنده خدا. یعنی، خداوند اگر مرا از این وضعیت نجات دهی، قول می‌دهم چنین و چنان کنم. آیا می‌توان کسی را یافت که تا کنون اینگونه دعا نکرده باشد؟ پرسش اینجاست که آیا به آنچه عهد نمودند، وفا کردند؟

متی باب ۱۲ آیه ۴۰ را بخوانید. عیسی چگونه داستان یونس را درباره خود بکار می‌برد؟ همچنین یوحنا باب ۲ آیات ۱۹ تا ۲۲ را ببینید.

باب ۲ کتاب یونس با این کلمات پایان می‌یابد: ”پس خداوند ماهی را امر فرمود و یونس را بر خشکی قی کرد“ (یونس باب ۲ آیه ۱۰). فرمان خدا به ماهی بزرگ سبب وقوع آن شد که ملوانان خیرخواه موفق به انجام آن برای یونس نشدند. به همان صورت مسیح نیز پس از رستاخیزش به حواریون فرمان داد که به سرتاسر جهان بروند، همانطور که یونس پس از تجربه‌اش در زیر آب به سرزمین غیر یهود رفت و تبدیل به موفق‌ترین مبلغ عهد قدیم شد. نجات یونس گواهی بر رحمت نجات‌بخش خدا بود. رسیدن او به ساحل درحالی که پوشیده از جلبک دریایی بود، تصدیقی بر اراده خدا در نجات آشوری‌های گناهکار از مرگ است.

نسل نینوا

باب ۳ کتاب یونس را بخوانید. چه پیام مهمی در زمینه بشارت و جذب انسان‌ها در اینجا وجود دارد؟

”پس کلام خداوند بار دوم بر یونس نازل شده، گفت: برخیز و به نینوا شهر بزرگ برو و آن وعظ را که من به تو خواهم گفت به ایشان ندا کن“ (یونس باب ۳ آیه ۱ و ۲). در این آیات دو فعل دارای اهمیت هستند. اول، این دومین باری است که خدا می‌گوید برو! خدا دست نمی‌کشد. او به انسان‌های شکست خورده فرصت دوباره می‌بخشد. در اینجا دوباره مفهوم ماموریت عهد جدید را داریم که اندیشه رفتن نزد ملت‌های دیگر در مقابل انتظار آمدن آن‌ها به ما است.

فعل مهم بعدی ”ندا دادن“ است. ندا دادن همواره در کتاب مقدس دارای اهمیت بوده است. و همچنان مؤثرترین روش برای انتشار مژده انجیل است. خدا به یونس تأکید کرد که این باید پیامی باشد که ”من به تو می‌دهم“. یعنی پیامی که ندا داده می‌شود باید از جانب خدا باشد و نه از طرف خودمان و حتی تحریف و تعدیل و تغییر آن نباشد.

پیام خدا عمدتاً تهدید و وعده، داوری و مژده است. ندای صریح او این بود ”بعد از چهل روز نینوا سرنگون خواهد شد“ (یونس باب ۳ آیه ۴). این داوری بود. در عین حال وعده از امید، رهایی و نجات نیز وجود داشت (باید اینگونه می‌بود، زیرا مردم به پیام توجه کرده و نجات یافتند).

حتی با ”مژده ابدی“ در قلب آن، آیات ۶ تا ۱۲ باب ۱۴ کتاب مکاشفه یوحنا نیز درباره داوری هشدار می‌دهند. بشارت و داوری در یک راستا هستند: مژده به ما راه خدا را ارائه می‌دهد تا از محکومیتی که قضاوت عادلانه ممکن است برای ما ببار بیاورد، اجتناب کنیم.

هیچ بشارت انجیل بدون این عناصر مؤثر نیست. "صحت سیاسی" که منجر به کم مایه شدن این عناصر واضح شود و تفاوت بین ادیان و یا حتی بین سنت های مختلف مسیحی را بی اهمیت جلوه دهد، مخاطره انگیز است. هر چند ما در بشارت دادمان نیازمند تطبیق دادن پیاممان به زمینه فرهنگی مردم هستیم، اما هرگز نباید این کار را به قیمت از بین رفتن پیام خدا انجام دهیم.

در آیات ۵ تا ۱۰ باب ۳ کتاب یونس چه اتفاقی می افتد؟ نینوایی ها ایمان آوردند، بر اساس باورهایشان رفتار کرده، ایمانشان را بکار گذاشتند و در نتیجه نجات یافتند.

خدا به ما وعده های شگفت انگیز و همچنین هشدار های جدی داده است. این روایت چه چیزی باید درباره شرایط این وعده ها و هشدارها به ما بیاموزد؟

نوحه سرائی یونس

آیات ۱ تا ۱۱ باب ۴ کتاب یونس تأیید می کنند که بزرگترین موانع برای خدا در وارد کردن نبی در ماموریت جهانی مصافت، باد، ملوانان، ماهی یا نینوایی ها نبودند. بلکه خود نبی بود. ایمان نینوایی ها در تضاد با بی ایمانی و روح کینه جوی یونس بود. یونس تنها فرد در کتاب مقدس است که خدا را برای بخشنده و مهربان بودن، دیرخشم بودن، پر محبت بودن و باز ایستادن از فرستادن فاجعه، متهم می کند. ممکن است تصور شود که اکثر مردم از روی قدردانی به این جنبه ها الهی بنگرند.

"هنگامی که یونس از هدف خدا در چشم پوشی از شهری که باوجود شرارتش، به توبه در پلاس و خاکستر سوق داده می شد، با خبر شد به طور حتم اولین کسی بود که از فضل شگفت انگیز خدا شادمان شد؛ اما در عوض او به خود اجازه داد که به احتمال نبی دروغی بودنش در نظر مردم بیاندیشد. حس غیرت برای شهرتش باعث شد که ارزش بی نهایت زیادتر جانها در آن شهر تیره بخت را نادیده بگیرد. شفقتی که خدا در برابر نینوایی های توبه کرده نشان داد، نارضایتی یونس را بسیار برانگیخت و او به شدت عصبانی شد." - الن جی. هوایت (Ellen G. White, Prophets and Kings, P. 271).

آیات ۱۰ و ۱۱ باب ۴ از کتاب یونس را بخوانید. این آیات چه چیزی درباره سیرت خدا در مقابل طبیعت گناهکار بشری می آموزند؟ چرا ما باید از این که خدا قاضی نهایی ماست و نه هم نوع ما، خوشحال باشیم؟

یونس در باب ۴ کتابش دو بار عصبانیت خویش را نشان می دهد. نخست به این دلیل که خدا تغییر نظر داده و بیش از صدو بیست هزار نینوایی را نجات داد. و دلیل دیگر این است که نرم ساقه کدو خشک شد. این نبی در خودخواهیش می باید اولویت هایش را تصحیح کند.

خدا به یونس فرمان داد که برادری انسانها را بر اساس پدری خدا بداند. یونس نبی می بایست انسانیت مشترک خویش را با این خارجیها می پذیرفت، اگرچه حتی آن ها متمرّد بودند. آیا ۱۲۰,۰۰۰ نفر انسان از یک نرم ساقه کدو با اهمیت تر نبودند؟

بار دیگر سرزنش یونس توسط خدا را بخوانید. به چه روشهایی ممکن است خداوند بتواند چیزی مشابه به ما بگوید؟ یعنی هر چند وقت یک بار متوجه می شویم که بیشتر نگران مشکلات شخصی خویش هستیم، که بسیاری از آنها می توانند واقعا بی اهمیتر از افراد گمراهی باشند که مسیح خون خود را برای نجات ایشان ریخت؟

مطالعه بیشتر: "کتاب یونس برای درک اساس ماموریت مطابق با کتاب مقدس، بسیار قابل توجه است، زیرا فرمان خدا به قومش درباره غیر یهودیان را بیان کرده و در نتیجه، به عنوان گامی مقدماتی برای دستور بشارت در عهد جدید به کار می رود. اما همچنین نگاهی اجمالی به مقاومت عمیقی که خدمت گزار یهوه در مورد انجام دادن مسؤلیتشان نشان داد نیز می اندازد." - جی. ورکیول (J. Verkuyl), Contemporary Missiology

(Grand Rapids, Mich.: Wm. B. Eerdmans Pub. Co., 1978), p. 96.

سوالاتی برای بحث

۱- در تاریخ نینوا درسی وجود دارد که باید به دقت مطالعه کنید شما باید وظیفه تان را نسبت به هموعان در گمراهی و پلیدی که نیازمند کمک شما هستند، بدانید." - الن جی. هوایت (Ellen G. White. The Southern Work, p. 80). وظیفه ما نسبت به این هموعان چیست؟

۲- آشور یکی از ابر قدرت های باستان و مسلط بر شرق در حدود سال های ۸۸۵ تا ۶۲۵ قبل از میلاد بود که اسرائیل و یهودیه تحت حکومت خشن آن رنج بردند. پادشاه اسرائیل جیهو مجبور به پرداخت خراج به حاکم آشوری شلمنپزر سوم بود. اسرائیل در نهایت در حدود سال ۷۲۲ قبل از میلاد در برابر نیروهای آشوری شکست خورد. جای تعجب نیست که یونس برای رفتن به نینوا بی‌میل بود زیرا آن جا یکی از چهار شهر اصلی آشور و مرکز پرستش ایشتار الهه عشق و جنگ بود. خدا او را فراخوانده بود که منطقه روحانی مرکزی قلمرو دشمن را بازدید کرده و از آشوریان جنگجو دعوت کند که توبه کنند. در رابطه با ماموریت های بشارتی چه درس هایی برای ما در اینجا نهفته است؟

۳- کلیسای کنونی چگونه می تواند از این فرضیه که اندرزها و برکات خداوند در زمینه های روز سبت، سلامتی و آموزش و پرورش برای منفعت شخصی شان داده شده و نه برای منفعت ملل، جلوگیری نماید؟ مکاشفه باب ۳ آیات ۱۷ و ۱۸ را بخوانید.

۴- چگونه پیام سه فرشته در مکاشفه باب ۱۴ آیات ۶ تا ۱۲، پیامی که یونس برای اهالی نینوا داشت را منعکس می کند؟

۵- برخی از مردم به طور غیر ارادی داستان یونس را رد می کنند، به خصوص بخشی که او در شکم ماهی است. چه پیش فرضی باعث می شود که آنها آن را نپذیرند؟ شما به چه پیش فرضی نیاز دارید تا آن را باور کنید؟

تبعید شدگان مبشر

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دانیال باب ۱ تا ۱۲؛ اشعیا باب ۳۹ آیات ۵ تا ۷؛ دانیال باب ۲ آیه ۴۴، متی باب ۲۴ آیه ۱۴؛ پیدایش باب ۴۱.

آیه حفظی: "سلطنت و جلال و ملکوت به او داده شد تا جمیع قوم‌ها و امت‌ها و زبانها او را خدمت نمایند. سلطنت او سلطنت جاودانی و بی‌زوال است و ملکوت او زایل نخواهد شد" (دانیال باب ۷ آیه ۱۴).

ادونتیست های روز هفتم به عنوان مردم پایبند نبوت‌ها به بازگشت زود هنگام عیسی مسیح باور دارند. بازگشت او، این جهان را تغییر خواهد داد و همان گونه که در کتاب دانیال به تصویر کشیده شده است، ملکوت جاودان خدا را بوجود خواهد آورد: "ملکوت و سلطنت و حشمت مملکتی که زیر تمامی آسمان‌هاست به قوم مقدّسان حضرت اعلی داده خواهد شد که ملکوت او ملکوت جاودانی است و جمیع ممالک او را عبادت و اطاعت خواهند نمود" (دانیال باب ۷ آیه ۲۷). این ملکوت نقطه اوج ایمان ما است؛ همان چیزی است که در کتاب عبرانیان (عبرانیان باب ۱۱ آیه ۱۶) "وطنی نیکوتر" نامیده شد، جایی که همه قوم خدا در طی عصرها اعتماد به تحققش داشته‌اند و جایی که "معمار و سازنده آن خداست" (عبرانیان باب ۱۱ آیه ۱۰).

اما کتاب دانیال به نوعی کتابچه ای راهنما برای فعالیت های تبشیری است. ما می توانیم از آن، درس هایی در مورد این که خدا چگونه توانست از بعضی از مردمش برای شهادت دادن به کسانی که در جهل معنوی و دینی غرق شده‌اند استفاده نماید، بی آموزیم. این ایمان داران از طریق وفاداری و پشتکار و ایمان تزلزل ناپذیرشان واقعیت خدای زنده را برای کسانی که تنها خدایان دروغی را می شناختند، آشکار نمودند و به این بت پرستان فرصتی برای قرار گرفتن در ملکوت ابدی خدا را دادند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱ اوت آماده شوید.

تبعید

آیات ۵ تا ۷ باب ۳۹ و آیات ۱ و ۲ باب ۱ کتاب دانیال را بخوانید. این آیات چگونه با هم مرتبط هستند؟

دانیال که نامش به معنی "خدا قاضی من است" است، از اورشلیم شکست خورده، مجبور شد به پایتخت بابل راهپیمایی کند. کتاب دانیال نگاهی اجمالی به زندگی او در بارگاه‌های بابل و فارس می‌اندازد. دانیال پس از سه سال تحصیل در بابل به عنوان کارمند دولت و مشاور سلطنتی استخدام شد. بواسطه قدرت خدا مقام او از یک اسیر عادی به مبشری برای دو ابرقدرت ترقی نمود.

کتاب دانیال بیش از یک گنجینه ادبیات نبوی است. خواننده کتاب با چالش‌هایی که یهودیان با آن‌ها روبرو بودند در حال زندگی در فرهنگی بیگانه که هیچ حمایت آشکاری از وفاداری آن‌ها به خدای بنی اسرائیل نمی‌کرد و و گهگاهی علناً خصومت نشان می‌داد، مواجه می‌شود. همچنین به تصویری زیبا از مردانی اشاره می‌کند که آموختند چگونه در فقدان معبد، کاهنان و قربانی‌ها تعهدشان به حقیقت را در زندگی حفظ نماید.

دانیال باب ۱ آیات ۸ تا ۱۳، باب ۵ آیه ۱۲، باب ۶ آیه ۴ و باب ۹ آیات ۳ تا ۱۹ را بخوانید. این آیات از شخصیت دانیال نبی که او را به چنان مبشر بزرگی تبدیل نموده بود، به ما چه می‌آموزند؟

"هر نهادی که نام ادونتیسست روز هفتم را بر خود دارد باید برای دنیا همانگونه باشد که یوسف در مصر و دانیال و پیروانش در بابل بودند. بواسطه مشیت الهی این مردان به اسارت گرفته شدند تا دانش خدای حقیقی را به ملل بت‌پرست برسانند. آن‌ها می‌باید نمایندگان خدا در این جهان باشند و با ملت‌های بت‌پرست که روبرو می‌شدند سازش نکنند و بلکه در ایمانشان وفادار مانده و افتخار ویژه دریافت لقب پرستش‌کنندگان خدای خالق آسمان‌ها و زمین را به خود اختصاص دهند." - الن جی. هوایت

(Ellen G. White, Testimonies for the Church, vol. 8, p. 153)

به این بیاندیشید که چقدر برای دانیال آسان بود که سازش کند بخصوص با شرایط خاصی که او داشت. این موضوع به ما درباره اینکه اغلب بهانه‌های ما برای سازش بی دلیل است، چه می‌آموزد؟

شاهدان (دانیال باب ۲ تا ۵)

در باب دوم کتاب دانیال، او از روی الزام موقعیتی بدست آورد تا از قدرت خدای حقیقی در برابر خدایان دروغین بابل شهادت دهد. او پس از خواندن سرود ستایشی با هموطنان یهودیش و سپاسگزاری از خدا برای پاسخ دادن به دعاهایشان (دانیال باب ۲ آیات ۲۰ تا ۲۳)، خواب پادشاه را تعبیر نموده و بر عظمت خدا و تسلط او بر همه پادشاهی‌های زمینی گواهی داد.

پادشاه چه چیزی می‌گوید که نشان می‌دهد او چیزی از خدای حقیقی فراگرفته است؟ دانیال باب ۲ آیه ۴۷ را ببینید.

در باب ۲ کتاب دانیال، می‌بینیم که دانیال انتخابی ندارد: یا آنچه پادشاه می‌خواست را به او بدهد یا با مرگ روبرو شود. در مقابل در باب ۳، سه نفر دوستش اگر به سادگی از دستور پادشاه پیروی کرده بودند می‌توانستند از کوره آتشین در امان بمانند. در عوض، شهادت وفادارانه‌شان توانستند بر قدرت خدای حقیقی گواهی دهند.

"نبوکدنصر چگونه تشخیص داد که شکل چهارم مانند پسر خدا بود؟ او از اسیران یهودی در قلمرو خود درباره پسر خدا شنیده بود. آن‌ها دانش خدای زنده که بر همه چیز مسلط است را با خود آورده بودند." - الن جی. هوایت.

(Ellen G. White, The Advent Review and Sabbath Herald, May 3, 1892)

در باب ۴ کتاب دانیال، با شهادت دانیال، نبوکدنصر بار دیگر چه اعترافی در رابطه با خدای حقیقی کرد؟ دانیال باب ۴ آیه ۳۷ را ببینید.

در باب ۵ کتاب دانیال، برای آخرین بار دانیال را در قصر بابل می‌بینیم که احضار شده است تا مفهوم نوشته عجیب و خارق‌العاده بر دیوار کاخ بلشصر که پیشگویی سرنگونی امپراتوری بابل بدست مادها و فارس‌ها بود را بیان کند. اگرچه بلشصر بدون شک تحت تأثیر کار دانیال قرار گرفته بود، اما دیگر بسیار دیر شده بود: سرنوشت پادشاه مشخص شده بود. نکته غم‌انگیز اینست که با توجه به کتاب مقدس (دانیال باب ۵ آیات ۱۷ تا ۲۳ را ببینید)، بلشصر فرصت آگاهی از حقیقت و فروتن شدن بواسطه آن را داشت. اما همانطور که می‌دانیم او از این فرصت‌ها استفاده نکره بود.

چقدر مهم است که به زندگی‌مان نگاه کرده و از خود بپرسیم: زندگی من چه شهادتی برای این جهان است؟ از پاسخ خود به این سوال به چه نتیجه‌ای می‌رسید؟

دانیال در ایران

”وقتی به سر چاه رسید، با صدای گرفته‌ای دانیال را صدا کرد و گفت: «ای دانیال، بنده خدای زنده، آیا خدایی که تو پیوسته او را پرستش می‌کنی توانسته است تو را نجات بدهد؟» (دانیال باب ۶ آیه ۲۰). پادشاه دانیال را ”بنده خدای زنده“ خواند. در آن کلمات چه چیزی نهفته است؟

در باب ۶ کتاب دانیال، با تغییر پادشاه و امپراتوری، دانیال مقامش را از دست نداد و حتی ترفیع نیز گرفت و تبدیل شد به یکی از سه رئیسی که ۱۲۰ والی بایستی به آن‌ها گزارش دهند.

بعلاوه، ما هستیم که انتخاب می‌کنیم که از خدا پیروی کنیم یا نکنیم و کلامش را بستاییم یا نفی کنیم. خدا هیچکس را به باور کردن کلامش مجبور نمی‌کند. او هرگز ما را مجبور نمی‌کند از او اطاعت کنیم و نمی‌تواند ما را وادارد که دوستش داشته باشیم. خدا اجازه می‌دهد که ما شخصاً راهمان را انتخاب کنیم. اما در انتها ما باید آماده پذیرفتن عواقب انتخاب‌هایمان باشیم. داریوش شاه حتی در نظر داشت او را به مقام نخست وزیر پادشاهی‌اش منصوب نماید که این باعث برانگیختن نفرت سایر رؤسا و والی‌ها شد. آن‌ها پادشاه را وادار کردند حکمی در امپراتوری تصویب کند که در حقیقت تنها دانیال را هدف قرار می‌داد. او در چاه شیران انداخته شد اما خدا بطور چشمگیری مداخله نمود که حتی پادشاه دلسوز نتوانست نقض کند. نجات دانیال چنان پادشاه را خوشحال نمود که فرمانی سلطنتی در سرتاسر امپراتوری برای تجلیل از خدای دانیال صادر نمود.

”بعد از آن، داریوش پادشاه به تمام ملت‌ها و اقوام به زبانهای گوناگون ساکنان سراسر زمین نوشت: صلح و سلامتی بر شما باد! من فرمان می‌دهم که در سراسر امپراتوری من، تمام مردم باید در حضور خدای دانیال ترسان و لرزان باشند، زیرا: او خدای زنده است. سلطنت او هرگز از بین نخواهد رفت و تا به ابد سلطنت خواهد کرد قدرتش هرگز به انتها نخواهد رسید“ (دانیال باب ۶ آیات ۲۵ تا ۲۷).

باب ۶ کتاب دانیال را بخوانید. چه چیزی در این باب نشان می‌دهد که دانیال بنقد شاهی بزرگ برای پادشاه شده بود؟ همچنین، چه چیزی در حکم پادشاه نشان می‌دهد که او بیشتر از آنچه می‌توانست از نجات دانیال درباره خدای او بداند، می‌دانست؟ این چه چیزی به ما درباره شهادت دانیال به پادشاه می‌آموزد؟

دانیال و ملکوت جاودان خدا

دانیال صرفاً تعبیر کننده رویاهای مردم نبود، هرچند این چیز چشمگیری در این متن بود. در باب‌های ۷ تا ۱۲ کتابش، دانیال خودش نیز رویاهایی دید که آینده ابرقدرت‌های بزرگ جهان را آشکار ساخت. رویاهای او مخصوصاً بر سلطه نهایی خدا بر ملت‌ها علیرغم حاکمان زمینی و برنامه‌ها و دسیسه‌هایشان تاکید داشت. در پایان، او و پادشاهی نهایی‌اش پیروز خواهند شد و آن پیروزی کامل خواهد بود. (دانیال باب ۲ آیه ۴۴ را ببینید.)

آیات ۱۳ و ۱۴ باب ۷ کتاب دانیال را بخوانید. در این آیات چه چیزی توصیف شده است و چه رابطه‌ای با نظریه اینکه مسیحیان به تمام جهان بشارت خواهند داد، دارد؟

موارد دیگری نیز در این آیات به آن اشاره شده، اما موضوع اصلی آن‌ها استقرار ملکوت جاودان خداست که تا پس از بازگشت دوباره عیسی نخواهد آمد. و عیسی خودش به چه عامل مهمی در مورد بازگشتش اشاره نمود؟

”و این مژده پادشاهی الهی در سراسر عالم اعلام خواهد شد تا برای همه ملتها شهادتی باشد و آنگاه پایان کار فرا خواهد رسید. وحشت عظیم پس هر گاه آن ویرانگر آلوده کننده را که دانیال نبی از آن سخن گفت در مکان مقدس ایستاده ببینید. کسانیکه در یهودیه هستند باید به کوه ها بگریزند“ (متی باب ۲۴ آیات ۱۴ تا ۱۶)

پیشگویی‌های عیسی راجع به پایان جهان در باب ۲۴ انجیل متی با پیشگویی‌های دانیال مرتبط هستند. این ”ویرانگر آلوده کننده“ که توسط دانیال پیشگویی شد (دانیال باب ۱۱ آیه ۳۱، باب ۱۲ آیه ۱۱)، بعدها بیشتر توسط عیسی برای زمان خودش و آیندگان توضیح داده شد. نکته این است که عیسی مستقیماً کتاب دانیال را به آخرالزمان مرتبط ساخت که به طور حتم تعجب برانگیز نیست، زیرا دانیال در حقیقت در بسیاری از مواقع به آخرالزمان اشاره کرده است (دانیال باب ۸ آیات ۱۷ و ۱۹، باب ۱۱ آیه ۳۵، باب ۱۲ آیات ۴ و ۱۳). و بر اساس گفته عیسی، پایان دنیا تا زمانی که ”این مژده پادشاهی الهی در سراسر عالم اعلام“ نشده، نمی‌آید (متی باب ۲۴ آیه ۱۴).

مژده مسیح باید به تمام جهان بشارت داده شود و تنها پس از آنست که عیسی باز خواهد گشت. ما کسانی هستیم که برای این کار فراخوانده شده‌ایم. برخی بر این باورند که تا زمانی که ما وظیفه‌مان را انجام ندهیم، عیسی نمی‌تواند بازگردد. ما چگونه باید متوجه نقش‌مان در زمانبندی بازگشت عیسی شویم؟ پاسخ‌هایتان را برای کلاس روز سبت آماده کنید.

۳۰ ژوئیه

پنجشنبه

تبعید شدگان بیشتری به عنوان بشارت دهنده

دانیال یک اسرائیلی در تبعید اجباری بود، مانند یوسف و موسی در مصر، نحمیا در بابل و استر در ایران. زندگی آن‌ها نشان می‌دهد که امکان زندگی وفادارانه به خدا در محیط‌هایی که حمایت فرهنگی و روحانی نیست، امکان دارد. با راهنمایی خدا حتی ممکن بود به مقام‌های اداری چشمگیری در این موقعیت‌های غریبه دست یابند. هر کدام از آن‌ها زندگی خلاقانه و ثروتمندی داشتند و به طرز ماهرانه‌ای مسایل پیچیده مذهبی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متفاوت از فرهنگ وطنی‌شان به مذاکره می‌گذاشتند. آن‌ها نه تنها اعضای وفادار جامعه عبرانیان تبعید شده بودند، بلکه به نوبه‌ی خود مبرین مؤثری برای خدای اسرائیل بودند.

شهادت دادن در تبعید شامل حضور منفعل با بشارت دادن فعالانه می‌باشد.

استر

دانیال

- ۱- خود را عبرانی معرفی ننمود.
- ۱- خور را عبرانی معرفی نمود.
- ۲- دینش را مخفی نگه داشت.
- ۲- اعتقادات مذهبی‌اش را برای همه آشکار نمود.
- ۳- خدا از او و خانواده‌اش محافظت نمود.
- ۳- خدا او و دوستانش محافظت نمود.
- ۴- در مکان‌های اشرافی شهادت داد تا جان خود و دیگران را نجات دهد.
- ۴- در مکان‌های اشرافی شهادت داد تا جان خود و دیگران را نجات دهد.
- ۵- به برقراری آزادی دینی و حق دفاع از اقلیت مذهبی کمک نمود.
- ۵- به طور غیر مستقیم بر اجازه دادن پادشاه کورش به عبرانیان تبعیدی برای ساختن دوباره معبد اورشلیم تأثیر گذاشت.

باب ۴۱ کتاب پیدایش را بخوانید. یوسف به چه روش‌هایی توانست برای مصریان شهادت دهد؟ این روایت چگونه در موازات روایت دانیال و پیروانش در بابل است؟

شما در چه موقعیت‌هایی که خود را می‌یابید، می‌توانید برای ایمانتان شهادت دهید؟ آیه شهادتتان منفعل است یا فعلانه، یا هر دو؟ چه چیزهایی می‌توانید برای تأثیر قویتر بر دیگران در رابطه با نیکی و محبت خدایمان بگویید یا انجام دهید؟

مطالعه بیشتر: "انبوهی برای خدمت گسترده‌تر فراخوانده خواهند شد. تمام جهان آماده پذیرفتن مژده می‌شوند... از چهار گوشه این جهان فریاد قلب‌های گناه آلود در طلب دانش خدای محبت بلند می‌شود... جواب این فریاد با ما که این دانش را دریافت کرده‌ایم و فرزندانمان که تأثیر آن را به ایشان داده‌ایم، است. برای هر خانواده و مدرسه، پدر و مادر، معلم و هر بچه‌ای که با نور انجیل آشنا شده است، در این بحران این پرسش ملکه استر در زمان بحران اسرائیل مطرح می‌شود که 'کیست بدان که به جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده؟'" - الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Adventist Home, pp. 484, 485).

سوالاتی برای بحث

۱- در مورد پیشگویی‌های کتاب دانیال بخصوص باب ۷، ۲ و ۸ بحث کنید. این پیشگویی‌ها چگونه شهادت‌های قدرتمندی برای قابل اطمینان بودن کتاب مقدس و دانش خدا از آینده است؟ برای مثال توجه کنید چگونه میان باب‌های ۲، ۷ و ۸ کتاب دانیال، سه تا از چهار پادشاهی اصلی نام برده شده‌اند. این باید چه چیزی درباره یادگیری اعتماد کردن به کلام خدا و وعده‌هایش به ما بیاموزد؟

۲- در این روایات کتاب دانیال و چند داستان دیگر (مانند یوسف)، معجزه‌هایی رخ داد که بدون شک بر اعتبار شاهدان میان بت‌پرستان افزود. در همین حال چه جنبه‌ای از سیرتشان بر اعتبار شهادتشان بیشتر افزود؟ یعنی، به چه روش‌هایی سیرت و ایمان‌داری حتی بیشتر از نشانه‌ها و اعجاز می‌تواند شهادت قدرتمندی برای دیگران درباره واقعیت خدا و کاری که می‌تواند در زندگی ما بکند، داشته باشد؟

۳- همانطور که در درس روز چهارشنبه دیدیم، آیه ۱۴ باب ۲۴ انجیل متی می‌گوید که مژده باید به تمام جهان برسد و سپس آخرالزمان فراخواهد رسید. آیا این به این معنی است که عیسی تا زمانی که ما کاری را که او از ما خواست انجام نداد، نمی‌آید؟ در این باره به بحث بپردازید.

استر و مردخای

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: استر باب ۱ تا ۱۰، اول قرن‌تین باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳؛ یوحنا باب ۴ آیات ۱ تا ۲۶، اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۶؛ متی باب ۲۲ آیه ۲۱؛ رومیان باب ۱ آیات ۱۸ تا ۲۰.

آیه حفظی: «بلکه اگر در این وقت تو ساکت بمانی، راحت و نجات برای یهود از جای دیگر پدید خواهد شد. اما تو و خاندان پدرت هلاک خواهید گشت. و کیست بداند که به جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای» (استر باب ۴ آیه ۱۴).

استر برای ماموریتی مخصوص و در سطح بالا در قلب سیاسی خطرناک امپراطوری فارس مورد استفاده قرار گرفت. در این ماموریت او در زمینه‌های مختلف و برجسته فعالیت کرد. او که عضو یتیم یک اقلیت قومی و مذهبی منفور بود و در سرزمین یک ابر قدرت آن زمان زندگی می‌کرد، همسر پادشاه فارس شد. این افسانه از ژنده‌پوشی به ثروت رسیدن نیست. در عوض او از گمنامی اعتلاء یافته، آموزش یافت تا ماموریتی بسیار ویژه انجام دهد. او می‌بایست در ابتدا با استراتژی پر مخاطره مخفیانه فعالیت کند. و بعد ها او مجبور به افشای مخاطره‌آمیز کامل نژاد و ایمان خود شد.

او که توسط پسر عمو و پدرخوانده اش مردخای حمایت می‌شد، شهادت شجاعانه اش در بارگاه پر دسیسه امپراطوری فارس قومش را نجات داده و موقعیت اجتماعی دون پایه آنها را دگرگون نمود و آنها را تبدیل به افراد قابل تحسین در سرتاسر امپراطوری نمود.

بدون شک در نتیجه وفاداری اش، آگاهی در مورد خدای حقیقی بیشتر در میان بت‌پرستان اسیرکننده انتشار یافت. هر چند این داستان معمولی از ماموریت بشارتی نیست، اما روایت استر و مردخای تعدادی اصول جالب را ارائه می‌کند که به ما در درک مفهوم شهادت در شرایط ویژه کمک می‌کند.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۸ اوت آماده شوید.

استر در ایران

آیات ۲ تا ۲۰ باب ۱ کتاب استر را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی رخ می دهد؟ درک چه چیزهایی درباره این داستان از منظر امروزی ما دشوار است؟ (همان طور که می خوانید به یاد داشته باشید که بسیاری از جزئیات ارائه نشده اند.)

ضیافت طول هفته که خشایار شاه برای اشراف و مقامات خود برپا می نمود به نظر گزاف و حتی برای کسی که در اوج قدرت سیاسی بود از دیدگاه مسیحی دور از ذهن و غیر قابل قبول بود. مصرف بدون محدودیت مشروبات الکلی (استر باب ۱ آیات ۷ و ۸) غیر معمول بود، چرا که نوشیدن در طی جشن‌های رسمی باستان معمولاً توسط رسوم و تشریفات کنترل می شد. در این مورد، مشروبات الکلی نظر پادشاه را تحت تأثیر قرار داد تا جایی که او به همسرش وشتی دستور داد که برای مهمانان مست پادشاه سرگرمی فراهم کند. این به مراتب پایین تر از کرامت او به عنوان زنی شوهردار و عضوی از خانواده سلطنتی بود. صرف نظر از پاسخ او، او با مساله دشوار از دست دادن مقامش مواجه شد و انتخاب شجاعانه اش برای حفظ عزت نفس در برابر تمایلات حاکمی مستبد خواننده را آماده درک قدرت برای عمل خیر می کند که زنی پایبند به اصول می توانست حتی در دربار سلطنتی مرد سالار، نشان دهد.

در همین حال ما باید به اقدامات استر بپردازیم. آیه ۳ از باب ۲ کتاب استر این تصور را ایجاد می کند که زنان داوطلب نبودند. پادشاه فرمان را صادر نمود و در نتیجه استر باید می آمد. اگر نمی پذیرفت مشخص نبود نتیجه چه می شد.

اول قرنیتان باب ۹ آیات ۱۹ تا ۲۳ را بخوانید. چگونه می توانیم اصولی که در این آیات مشاهده می شود را درباره آنچه برای استر اتفاق افتاد، ارتباط دهیم؟ آیا اصلاً ارتباطی وجود دارد؟

تا اینجای داستان قهرمان واقعی و شتی بود که پس از آن از تاریخ ناپدید می شود. تواضع و پابندی او به اصول راه را برای استر هموار نمود. هر چند در برخی موارد، پابندی به اصول همواره به خوبی آشکاری ختم نمی شود. در پایان، چرا باید حتی زمانی که نتیجه اعمال مان را نمی دانیم بر پایه اصول رفتار کنیم؟

استر در دربار پادشاه

استر باب ۲ آیات ۱۰ و ۲۰ را بخوانید. زمانی که پیوندهای مذهبی و ملیتی دست کم بایستی برای مدتی پنهان شوند، چه شرایطی ممکن است بوجود آید؟

آیات ۱ تا ۲۶ از باب ۴ کتاب یوحنا، داستان عیسی و زن بر سر چاه را بخوانید. چرا عیسی علناً به او گفت که مسیح موعود است، درحالی که در میان قوم خودش آنقدر بی پرده نبود؟ این روایت چگونه به ما در درک آنچه مردخای به استر گفت، کمک می کند؟

مردخای دوبار استر را توصیه به مخفی کردن ملیت و پس زمینه خانواده اش نمود. این برخی از مفسران را که این نگرش پنهان کاری را زیرسوال برده اند، ناراحت نمود. بخصوص در زمانی که یهودیان هدف زجر و آزار نبودند. آیا او اگر هویت و خدایی که می پرستید را مخفی نمی کرد، نمی توانست برای این بت پرستان از خدایش شهادت دهد؟ آیا می توان گفت که یهودی بودن در دربار فارس قابل قبول نبود و در نتیجه آشکار ساختن قومیتش ممکن بود مانع دسترسی او به پادشاه شود تا برای قومش پادرمیانی کند؟ با این حال به نظر می رسد که حتی قبل از این تهدید، مردخای به استر هشدار داده بود که هویتش را فاش نسازد. واقعیت این است که کتاب مقدس دلیل این سخنان او به استر را آشکار نمی کند؛ اگر چه همان طور که در مثال عیسی می بینیم، انسان نباید در هر شرایطی یکباره همه چیز را آشکار سازد. احتیاط فضیلت است.

در همین حال چرا عیسی با آن زن بر سر چاه آشکارا سخن گفت ولی با قوم خودش چنین رفتار نکرد؟

”مسیح به زمانی که با یهودیان صحبت می کرد محافظه کار عمل می کرد. آن چه که یهودیان از آن محروم شده و بعد ها حواریون به ننگ داشتن آن به عنوان راز توصیه شده بودند، برای آن زن آشکار شد. عیسی دید که او از آگاهی استفاده خواهد نمود تا فیض او را با دیگران به اشتراک بگذارد.“ الن جی. هوایت (Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 190).

آیا تا به حال در وضعیتی بوده اید که به نظرتان می بایست درباره افشای ایمان و باورهایتان محتاط باشید؟ برای این کار چه دلالی داشتید؟ اکنون که به گذشته می نگرید، آیا موردی وجود دارد که ممکن بود متفاوت عمل می کردید؟

۴ اوت

سه شنبه

”بجهت چنین وقت“ (استر باب ۲ آیه ۱۹ تا باب ۵ آیه ۸)

در آیات ۱ تا ۵ از باب ۳ کتاب استر، موضوع اصلی داستان شروع به آشکار شدن می شود. مردخای که یک یهودی بود و پیرو فرمان خدا بر ضد بت پرستی بود، حاضر به تعظیم در برابر هامان یک انسان محض نشد. هامان که خشمگین شده بود، به دنبال راهی برای انتقام از این تحقیر بود. مردخای با این رفتار به نوعی در میان این بت پرستان از خدای حقیقی شهادت می داد.

هامان چه بهانه ای برای خلاص شدن امپراطوری از یهود آورد؟ این داستان چه چیزی درباره این که تفاوت های فرهنگی چه آسان چشم ها را بر روی انسانیت همه مردم می بندد، به ما می آموزد؟ استر باب ۳ آیات ۸ تا ۱۳، همچنین اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۲۶ را ببینید.

هنگامی که نقشه هامان آشکار شد، مردخای همان گونه که در کتاب استر اشاره شده است، با استفاده از آئین مذهبی یهودی غم و اندوه خود را ابراز نمود: ”مردخای جامه خود را دریده، پلاس با خاکستر در بر کرد ... به آواز بلند فریاد تلخ برآورد“ (استر باب ۴ آیه ۱). در این میان استر خود را آماده مقابله با اتهامات هامان نمود. او ممکن بود با ورود دلیرانه در حضور پادشاه بدون هیچ گونه دعوتی و به عنوان بخشی از برنامه خنثی سازی نقشه هامان، یک یهودی باشد که قانون سلطنتی فارس را می شکند. پادشاه او را پذیرفته و دعوت او را برای صرف غذا قبول کرد. اکنون استر هدایت کننده در داستان غم انگیزی شد که یهودیان در غربت در

سرتاسر ایران با آن روبرو بودند. در این داستان استر از خودگذشتگی، دلیری (استر باب ۴ آیه ۱۶)، درایت (استر باب ۵ آیه ۸) و شجاعت (استر باب ۷ آیه ۶) نشان داد.

”خداوند از طریق ملکه استر رستگاری بزرگی برای مردمش به ارمغان آورد. در زمانی که به نظر می رسید هیچ قدرتی نمی توانست آنها را نجات دهد، استر و زنانی که با او همراه بودند با روزه و دعا و اقدام سریع با مشکل برخورد کرده و نجات را برای مردمشان به ارمغان آوردند.“

”یک مطالعه بر روی کار زنان در رابطه با هدف خدا در عهد قدیم درس‌هایی به ما می‌آموزد، که ما را قادر به مواجهه با بحران‌های کاری امروزه می‌سازد. ممکن است ما در شرایطی آن‌چنان بحرانی و برجسته که قوم خدا در زمان استر قرار داشت، نباشیم؛ اما اغلب زنان ایمان آورده می‌توانند نقش مهمی در شرایط فروتنانه ایفا کنند.“ – الن جی. هوایت،

(Ellen G. White. Comments, in The SDA Bible Commentary, vol. 3, p. 1140)

استر باب ۴ آیه ۱۴ سخنان معروف مردخای به استر را بخوانید: ”کیست بداند که به جهت چنین وقت به سلطنت نرسیده‌ای؟“ به چه روش‌هایی اصول نهفته در این کلمات در مورد حال حاضر شما کاربرد دارند؟

۵ اوت

چهارشنبه

مردخای و هامان

طبق باب ۵ تا ۸ کتاب استر، او چگونه توانست قومش را نجات دهد؟

روایات دو ضیافت استر داستان را به نقطه بحرانی اش می‌رساند. این دو روایت همچنین معکوس شدن نقشه نابودی قوم یهود را ثبت کرده‌اند. در طول داستان تفاوت بین افتخار حقیقی و افتخار متمرکز به نفس آشکار شده و مجازات شرور را ثبت می‌نماید. این توطئه‌های درباری عواقب گسترده‌ای داشتند. این روایات باعث می‌شوند بتوانیم نگاهی اجمالی به پشت صحنه فعالیت‌های

پادشاه مستبد و دربارش بیاندازیم. استر و مردخای از موقعیتشان، آگاهی از فرهنگی که در آن زندگی کردند و ایمان شان به وعده های خدا به قومش استفاده کردند تا باعث رستگاری ایشان شوند.

در همین حال مردخای با وجود زندگی آرام خدمتی‌اش، اجازه می دهد ایمانش دست کم از طریق تعظیم نکردن در برابر هامان آشکار شود. مردم متوجه شده و وی را نصیحت کردند اما او حاضر به دست کم گرفتن ایمانش نشد (استر باب ۳ آیات ۳ تا ۵). این به طور حتم شهادتی برای دیگران بود.

آیات ۱ تا ۳ از باب ۶ کتاب استر را بخوانید. این آیات در مورد مردخای به ما چه می گویند؟ در زمینه چگونگی عمل کرد قوم خدا و حتی شهادت دادنشان در سرزمین های غریبه چه درس هایی می توانیم بیاموزیم؟

اگر چه مردخای بوضوح از خدا پیروی می کرد، با این حال نسبت به حاکمیت ملتی که در آن زندگی می کرد وفاداری و صداقت نشان داد. اگر چه از تعظیم جلوی یک انسان سر باز زد اما او همچنان شهروند خوبی بود و نقشه ضد پادشاه را بر ملا ساخت. هر چند درباره مفتخر شمرده نشدنش مطالب زیادی در دسترس نیست، به احتمال زیاد او این کار را انجام داده و سپس بدون انتظار هیچ پاداشی آنجا را ترک نمود. هر چند در آن زمان همان طور که داستان نشان می دهد، ارزش عمل خوب او فراتر از هر پاداشی بود. الگوی او در اینجا شاید با این کلمات به بهترین شکل ابراز شود: ”مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال خدا را به خدا“ (متی باب ۲۲ آیه ۲۱).

۶ اوت

پنجشنبه

وقتی که تعدادی غیر یهودی، یهودی می شوند

باب ۸ کتاب استر را بخوانید. به طور خاص بر روی آیه ۱۷ تمرکز نمایید. این آیات را از نظر جذب افراد و شهادت دادن چگونه می توانیم درک کنیم؟

شکی نیست که کتاب استر داستانی معمولی درباره جذب افراد و شهادت دادن نیست. ولی با این حال می بینیم سناریویی مانند این تا انتها اتفاق می افتد. در نتیجه فرمان پادشاه به نمایندگی یهودیان، ”بسیاری از قوم‌های زمین به دین یهود گرویدند زیرا که ترس یهودیان بر ایشان مستولی گردیده بود“ (استر باب ۸ آیه ۱۷). برخی از مفسران بر این باورند که ایمان آوردن آنها نمی توانست تجربه ای واقعی باشد، زیرا ترس و نگرانی نباید در ایمان آوردن نقشی داشته باشد. اگر چه این درست است، چه کسی می داند که در دراز مدت صرف نظر از انگیزه ابتدایی شان، چگونه به کار روح القدس پاسخ دادند، بخصوص پس از دیدن تفاوت بزرگ میان باور های خود و باورها و پرستش تنها خدای حقیقی؟

آیات ۱۸ تا ۲۰ باب ۱ از کتاب رومیان را بخوانید. چگونه ایده‌های مورد تعلیم در این آیات نقشی در مورد این مردم مخصوصاً در زمینه این داستان بازی می‌کنند؟

در احکام اولیه علیه یهودیان، نه تنها یهودیان باید کشته می شدند، بلکه به کسانی که باید این کار را انجام می دادند گفته شده بود که ”اموال ایشان را غارت کنند“ (استر ۳ باب ۱۳). همچنین زمانی که به یهودیان اجازه داده شد که دشمنان خود را بکشند، به آن ها نیز گفته شده بود (استر باب ۸ باب ۱۳). می‌توانند اموال دشمنان را غارت کنند با وجود این سه بار در کتاب استر (استر باب ۹ آیه ۱۰، ۱۵ و ۱۶) به طور خاص بیان شده است که یهودیان دست به اموال غارت شده نزدند، اگر چه دلیل آن در آیات نیامده است، واقعیتی که این موضوع سه بار بیان شده است تأکید روی این عمل را نشان می دهد. به احتمال زیاد آنها از این کار خودداری کردند زیرا می خواستند مشخص شود که از سر دفاع از خود و نه از روی حرص و طمع رفتار می کردند.

چگونه می توانیم مطمئن باشیم که در شهادت دادن ها و بشارت هایمان به دیگران کاری نکنیم که باعث شود مردم درباره انگیزه های ما پرسش کنند؟ چرا این موضوع دارای اهمیت بسیار است؟

”فرمانی که در نهایت علیه بازماندگان مردم خدا صادر خواهد شد بسیار همانند حکمی خواهد بود که توسط اخشورش بر علیه یهودیان صادر شد. امروزه دشمنان کلیسای حقیقی مردخای را در دروازه جمع کوچکی که سبت را نگه می دارند، می بینند. احترام قوم خدا به قوانین اش اعتراضی مصمم به کسانی است که ترس از خداوند را فراموش کرده و سبت او را پایمال می کنند“ - الن جی. هوایت، (Ellen G. White, Prophets and Kings, p. 605).

سوالاتی برای بحث

۱- چه همانندی می‌توان دید بین فرمانی که ضد یهود صادر شد و آنچه در روزهای آخر اتفاق خواهد افتاد، وقتی مسئله ”نشان وحش“ مسئله روز شود؟

۲- هم یهود باستانی و هم مسیحیان حق وجود کتاب استر را در مجموعه کتب عهد قدیم مورد سوال قرار دادند. این کتاب در مجموعه ی طومارهای دریای میت وجود نداشت و نه در عهد قدیم کلیساهای باستانی ترکیه و سوریه، اسم خدا در این کتاب وجود ندارد در حالیکه بیش از ۱۹۰ اشاره به پادشاه وقت بت پرست شده است. اشاره‌ئی نیز به دعا، ذبایح، معبد و یا عبادت نشده، گرچه اشاره به روزه گرفتن شده است. و همچنین تأکید پیمانی در مورد آموزش و رحمت نیز نشده است. مع الوصف، خداوند صلاح دید که در مجموعه شرعی گنجانده شود. چه دروس روحانی قوی درباره اینکه چگونه خدا می‌تواند برای خیریت در زندگی‌مان کار کند، حتی زمانیکه موقعیت بسیار دشوار بنظر می‌رسد؟

۳- تمرکز کنید بر ایده زمانیکه خلال آن مرسلین و دیگران مشغول تبلیغ آشکارا راجع به هویت و کارشان صحبت نمی‌کنند. دلایل منطقی (چنانکه وجود دارند) برای انجام چنین کاری کدامند؟ مخصوصاً در چهارچوب بشارت؟ گاهی اوقات مثلاً مبشرین بسیار مواظب‌اند که افشای هویت خود نکنند مخصوصاً در کشورهایی که خصومت نسبت به شهادت مسیحی نشان می‌دهند. اگر ما تحت تأثیر قرار گرفته‌ایم که بلافاصله هویت خود را آشکار نکنیم چگونه می‌توانیم آن را بدون ارتکاب تزویر و تقلب انجام بدهیم؟

عیسی: استاد ماموریت‌ها

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم تیموتائوس باب ۱ آیات ۸ و ۹، اشعیا باب ۴۲ آیات ۱ تا ۹؛ دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷، لوقا باب ۲ آیات ۸ تا ۱۴؛ متی باب ۱۰ آیات ۵ و ۶؛ اعمال رسولان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۴.

آیه حفی: ”باز عیسی به ایشان گفت: “سلام بر شما باد. چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم“ (یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۱).

بر طبق کتاب مقدس، فعالیت اساسی تثلیث بشارت است. پدر، پسر و روح‌القدس در نجات بشریت در کارند. کلام آن‌ها از سقوط بشریت آغاز شد و تا به پایان ادامه خواهد داشت. پدر، پسر و روح‌القدس سپس این جهان نجات یافته را به اتحاد کامل با اراده الهی بازخواهند گرداند.

بر طبق انجیل، عیسی الزاماً برای موفقیت ماموریت‌اش، با تغییرات اساسی به شکل انسان در آمد. در عیسی مسیح، معنای تاریخ به نقطه عطف خود رسید، تمام فعالیت خدا در زمینه ماموریت منسجم شده و عمیق‌ترین نیازهای بشریت برای وجود معنی‌دار تحقق یافته‌اند.

ما در عهد جدید با اهداف تجسد عیسی مسیح آشنا شده‌ایم. در اینجا می‌بینیم که او چگونه برنامه‌های ماموریت را تشریح کرده و نگاهی اجمالی به چگونگی ملاقات عیسی با سایر ملت‌ها و با باورهای متفاوت می‌اندازیم. ما می‌توانیم در کلام خدا، فعالیت‌های معجزه‌آسای نجات‌بخش خدا در قبال بشر سقوط کرده را ببینیم.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۵ اوت آماده شوید.

عیسی در عهد قدیم

”پس از شهادت خداوند ما عار مدار و نه از من که اسیر او می‌باشم، بلکه در زحمات انجیل شریک باش برحسب قوت خدا، که ما را نجات داد و به دعوت مقدس خواند نه به حسب اعمال ما بلکه برحسب اراده خود و آن فیضی که قبل از قدیم‌الایام در مسیح عیسی به ما عطا شد“ (دوم تیموتائوس باب ۱ آیات ۸ و ۹).

علاوه بر این که این آیات نشان دهنده عبث بودن کسب نجات توسط اعمال هستند، آن‌ها همچنین ماهیت ابدی نجات را آشکار می‌سازند؛ همچنین نشان می‌دهند که نقشه نجات از زمانی بسیار قدیم پایه گذاری شده است.

پس جای تعجب نیست که در عهد قدیم، عیسی مسیح به شیوه‌های مختلف آشکار شده است. بخصوص نبوت‌ها که به وضوح نشان می‌دهند که عیسی درحقیقت همان مسیح موعود است، بسیار قوی هستند.

آیات زیر از عهد قدیم را که همگی در مورد عیسی هستند، بخوانید. این آیات درباره او و نقش‌اش به عنوان مسیح موعود چه می‌گویند؟ اشعیا باب ۶۱ آیه ۱؛ دانیال باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷؛ اشعیا باب ۷ آیه ۱۴، باب ۹ آیه ۶، باب ۴۲ آیات ۱ تا ۹.

اشعیای نبی ماموریت عیسی را با این کلمات توصیف می‌کند: ”اینک بنده من که او را دستگیری نمودم و برگزیده من که جانم از او خشنود است، من روح خود را بر او می‌نهم تا انصاف را برای امت‌ها صادر سازد . . . من که یهوه هستم تو را به عدالت خوانده‌ام و دست تو را گرفته، تو را نگاه خواهم داشت و تو را عهد قوم و نور امت‌ها خواهم گردانید. تا چشمان کوران را بگشایی و اسیران را از زندان و نشینندگان در ظلمت را از محبس بیرون آوری“ (اشعیا باب ۴۲ آیات ۱ و ۶ و ۷).

به این حقیقت باور نکردنی که عیسی آفریدگار ما، انسانیت ما را به دوش کشید و در آن انسانیت زندگی کرد و در انتها مرد، بیاندیشید. این واقعیت چه امید بزرگی در این جهان تهی از امید به شما می‌دهد؟

آرزوی اعصار

عیسی مسیح خداوند کلیسا و همچنین جهان است. آمدنش تحقق انتظارات عهد قدیم از جامعه ای نجات یافته که به ماورای یهودیان گسترش پیدا خواهد کرد، است. آمدن عیسی بخصوص رنج ها و رستاخیزش، عصر جدیدی را به همراه آورد که تا آنجا که به انجیل مربوط می شود تفاوت میان یهودیان و غیر یهودیان را از بین برد. اورشلیم دست کم برای مدتی به عنوان مرکز باقی می ماند. هر چند نقطه خروج، دیگر معبد هیرودیس در اورشلیم نبود بلکه یهودیان به مسیح ایمان آورده؛ آنها به معبد زنده تبدیل شدند. این یهودیان مسیحی سپس بازماندگان حقیقی اسرائیل خواهند بود.

این اعلام ماموریت جهانی و همگانی مسیح به عنوان نجات دهنده ملت ها در زمان تولد، دوران کودکی و هنگام تعمیدش تکرار شد.

آیات زیر درباره ماموریت همگانی عیسی برای جهان به ما چه می آموزند؟

لوقا باب ۲ آیات ۸ تا ۱۴

لوقا باب ۲ آیات ۲۵ تا ۳۳

لوقا باب ۳ آیات ۳ تا ۶

یوحنا باب ۱ آیه ۲۹

بدیهی است که عیسی به عنوان نجات دهنده تمام بشریت آمد. این حقیقت در زمینه ماموریت برای ما چه مفهومی دارد؟

”روحیه مبلغی باید در کلیساهای ما احیا شود. هر عضو کلیسا باید چگونگی کمک به پیش بردن کار خدا در ماموریت های وطنی و همچنین کشورهای خارجی را بیاموزد. اکنون به زحمت، یک هزارم کاری که باید در مناطق هدف تبشیر صورت پذیرد، انجام می شود. خدا همه خدمتگزارانش را دعوت می کند که مناطق جدیدی بخاطرش اضافه کنند. زمینه های غنی از کار و خدمت برای خدمتگزاران با وفا وجود دارد.“ – الن جی. هوایت، (Ellen G. White, Testimonies for the Church, vol. 6, p. 29).

بشارت به یهودیان

”فرستاده نشده‌ام مگر بجهت گوسفندان گم شده خاندان اسرائیل“ (متی باب ۱۵ آیه ۲۴).

عیسی بین ظاهر شدن عمومی تا به صلیب کشیده شدن اش تقریباً تمام ماموریت اش منحصر به یهودیان بخصوص در جلیل بود. خداوند در ابتدا خود را به اسرائیل اختصاص داد. پیش از به صلیب کشیده شدن، تعداد کمی مزدهی نیکو برای غیر یهودیان وجود دارد. ظاهراً عیسی قصد داشت مردم یهودی را با موقعیت، هدف و نقش شان در ماموریت کلی خدا برای بشر گمگشته، آشنا سازد. اسرائیل باید فرصت شاهدان پیام خدا به جهان بودن را به دست می آورد.

متی باب ۱۰ آیات ۵ و ۶ را بخوانید. چرا عیسی در اینجا درباره کاری که انجام داده بود، صحبت کرد؟ از این آیات در زمینه همگانی بودن آنچه مسیح برای انجامش آمد و در زمینه ماموریت به طور کل چه چیزی درک می کنیم؟ این آیات را با آیه ۱۹ باب ۲۸ از کتاب متی مقایسه نمایید.

هنگامی که زندگی و خدمت عیسی را در نظر می گیریم، باید میان افکار، ایده آل ها، اصول و برنامه ریزی های او از یک طرف و تحقق بخشیدن این اهداف از سویی دیگر، تمایزی آشکار ببینیم. در زندگی و خدمت روزمره اش، او همان گونه که عهد قدیم درباره مسیح موعود پیشگویی نمود، خود را با فرهنگ یهود هماهنگ می نمود. اما تاثیر تجسد او کاربردی جهانی داشت. او می بایست از طریق مرگ و رستاخیزش، گناهان دنیا را بدوش بکشد (یوحنا باب ۱ آیه ۲۹).

در اینجا اصل مهمی از کتاب مقدس درباره پایه گذاری ماموریت مشاهده می کنیم. اولین حرکت بسوی ایجاد پایگاه فرهنگی و جغرافیایی قوی و با ثبات هدایت شد: اسرائیل و یهودیان. هنگامی که این تحقق بخشیده شد، حرکت بعدی ماموریت باید از مرکز بخارج در توسعه مداوم و در سطح جهانی باشد.

به کلیسای محلی تان بیاندهشید. کلیسای شما چگونه اندیشه ای که در بالا بیان شده را سر مشق قرار می دهد - یعنی پایگاه قوی و ثابتی که در نهایت قادر به دست یابی دیگران است؟ شما چگونه می توانید از خطراتی که کلیساهای دیگر با آن مواجه هستند، خود محور بودن و نادیده گرفتن ماموریت بشارتی به دلیل نگران نیازهای خود بودن، اجتناب کنید؟

بشارت به غیر یهودیان

اگر چه عیسی عمده وقتش را در میان یهودیان سپری نمود و در زمینه های فرهنگی شان به آنها خدمت کرد، اما در آموزه ها و رسالتش روشن ساخت که ماموریت اش جهانی است. مژده انجیل باید در حالی که اسرائیل پایگاه اولیه بود به همه ملت ها موعظه شود. نجات غیر یهودیان بخشی از نقشه خداوند است. و این در تعلیمات عیسی وجود داشت.

چگونه تعلیمات عیسی که در زیر آمده است، بشارت به مردم غیر یهودی را نشان می دهند؟

متی باب ۵ آیات ۱۳ و ۱۴

مرقس باب ۱۴ آیه ۹

لوقا باب ۱۴ آیات ۱۰ تا ۲۴

متی باب ۱۳ آیات ۳۶ تا ۴۳

علیرغم این واقعیت که عیسی عمدتاً در میان یهودیان خدمت نمود، شکی نیست که از همان ابتدا، ماموریت اش برای تمام جهان بود. درست در هنگام غسل تعمیدش، یحییای تعمید دهنده به وضوح گفت: ”و در فردای آن روز یحیی عیسی را دید که به جانب او می آید. پس گفت: ’اینک بره خدا که گناه جهان را برمی دارد‘“ (یوحنا باب ۱ آیه ۲۹). واژه جهان (به یونانی kosmos) تقریباً صد بار در چهار انجیل بیان شده است. تقریباً نیمی از آنها به جنبه جهانی بودن عیسی به عنوان نجات دهنده اشاره دارند.

در تمثیلی که عیسی در آیات ۱۶ تا ۲۴ باب ۱۴ از کتاب لوقا بیان نمود، دعوت شدگان هر نوع بهانه ای برای نرفتن آوردند. این بهانه ها را دوباره بخوانید. به گونه ای هیچ کدام غیر معقول به نظر نمی رسند، اینطور نیست؟ ما چه درس مهمی باید در اینجا بیاموزیم؟

ماموریت بزرگ

عیسی عمده ۴۰ سال زندگی مابین رستاخیز و معراجش را برای آماده سازی حواریون و کلیسایش برای بشارت جهانی صرف نمود. بهترین و شناخته شده ترین روایت عروج به نقل از متی است. هرچند در طول این مدت موقعیت های دیگری نیز وجود داشت که مسیح قیام کرده ممکن است جزئیات بیشتری در مورد مأموریت انجیل داده باشد. او دو بار در اورشلیم و دو بار در جلیل حضور یافت (یکی در کنار دریای طبریه و دیگری بالای تپه) و ملاقاتی که در اعمال رسولان بیان شده است (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۴).

شش موقعیت ساختار یافته در چهار انجیل وجود دارد که در آن روایت ماموریت بزرگ از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است: بر روی کوهی در جلیل (متی باب ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰)؛ در هنگام غذا (مرقس باب ۱۶ آیات ۱۵ تا ۲۰)؛ در راه عموآس (لوقا باب ۲۴ آیات ۱۳ تا ۳۱)؛ در اتاق فوقانی (یوحنا باب ۲۰ آیات ۱۹ تا ۳۱)؛ در ساحل (یوحنا باب ۲۱ آیات ۴ تا ۲۵)؛ درست هنگامی که به آسمان برده می شد (اعمال رسولان باب ۱ آیات ۱ تا ۱۱). تمام این وقایع چه نکات کلیدی مشترکی دارند؟

رسولان با کمک قدرت روح القدس و اطاعت از کلام عیسی، به سرعت در سرتاسر جهان باستان پخش شدند. پولس رسول در سواحل شمالی دریای مدیترانه به موعظه مشغول شد؛ فیلیپس در سامره فعالیت کرد. با توجه به سنت اولیه مسیحیت، متی به اتیوپی و توما به هند سفر کرد.

هر چند شروع کوچک و با مخالفت های بسیار همراه بود، اما از طریق فضل خداوند این پیروان وفادار قادر به رساندن مژده به جهانیان شدند. آن ها با وجود اشتباهات، نقاط ضعف، ترس، شک و تردید، و مشکلات، دعوت خدا را پذیرفته و برای نجات جهان تلاش کردند. به این معنا که، به دنبال به اشتراک گذاشتن آنچه در مورد عیسی آموخته و از او دریافت کردند با دیگران بودند. آیا این مفهوم اصلی مسیحی بودن نیست؟

در مسیح به شما چه داده شده است؟ پاسختان (آنچه در مسیح به شما داده شده است) چگونه باید افکارتان در رابطه با شهادت و خدمتتان برای دیگران تحت تأثیر قرار دهد؟

جمعه

۱۴ اوت

مطالعه بیشتر: به گفته متی عیسی پیشگویی نمود که "این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید" (متی باب ۲۴ آیه ۱۴). در همین راستا، کتاب مقدس نکته دیگری را مشخص می‌کند: "اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملائکه آسمان جز پدر من و بس" (متی باب ۲۴ آیه ۳۶). به سخنان عیسی نیز توجه نمایید: "از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید" (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۷).

بنابراین، در حالی که مزده نیکوی انجیل در گذشته و اکنون نیز بهتر از همیشه موعظه می‌شود، و همچنان که باور داریم بازگشت مسیح نزدیک است، نباید گرفتار تاریخ و تعیین زمان شویم و در این باره حدث زنی کنیم. "ما نباید مجذوب حدس و گمان درباره زمان‌ها و فصل‌هایی که خدا آشکار نساخته است، باشیم. عیسی به حواریون خود گفت 'بیدار باشید!' اما مدت زمان آن مشخص نیست. پیروان او باید در موقعیت کسانی باشند که آماده شنیدن فرمان ناخدای خود هستند. آنها باید چنان هوشیار و منتظر باشند و دعا و فعالیت نمایند که گویا به زمان بازگشت خداوند نزدیک می‌شوند." - الن جی. هوایت،

(Ellen G. White, The Advent Review and Sabbath Herald, March 22, 1892)

سوالاتی برای بحث

۱- علیرغم آموزه‌های شفاف درباره مشخص نکردن تاریخ بازگشت مسیح، بندرت سالی می‌گذرد بدون اینکه در اخبار بشنویم که برخی از گروه‌های مسیحی تاریخی برای بازگشت مسیح معین نموده‌اند. به نظر شما چرا مردم به جای با استثنای روشی برای جمع‌آوری پول، بر انجام این کار اصرار می‌ورزند؟ (در نهایت، اگر عیسی در تاریخ 19 ژوئن سال آینده [یا هر تاریخی که شما می‌گویید] می‌آید، پس پول شما در حال حاضر به چه دردی می‌خورد؟) چرا این برای شهادت مسیحی در جهان وقتی که سال به سال مشخص می‌شود که این تاریخ‌ها اشتباه بوده‌اند، بد است؟

۲- به موانعی که ایمانداران نخستین در سالهای اولیه ماموریت با آن روبرو بودند، بویژه که تعدادشان نیز کم بود، بیاندیشید. برخی از موانعی که ما امروزه با آنها در بشارت دادن روبرو هستیم، کدامند؟ از موفقیت کلیسای آغازین چه می‌توانیم بیاموزیم که به ما در آنچه به انجام آن فراخوانده شده‌ایم کمک می‌کند؟

ماموریت‌های بین فرهنگی

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: یوحنا باب ۴ آیات ۴ تا ۳۰؛ متی باب ۸ آیات ۵ تا ۱۳؛ مرقس باب ۵ آیات ۱ تا ۲۰؛ متی باب ۱۵ آیات ۲۱ تا ۲۸؛ لوقا باب ۱۷ آیات ۱۱ تا ۱۹؛ یوحنا باب ۱۲ آیات ۲۰ تا ۳۲.

آیه حفظی: ”این است بنده من که او را برگزیده ام او محبوب و مایه شادی من است. او را از روح خود سرشار خواهم ساخت و او ملتها را از کیفر الهی آگاه خواهد نمود“ (متی باب ۱۲ آیه ۱۸).

چقدر جالب است که عیسی سال‌های بسیاری از کودکی‌اش را در جلیل، که بدون شک بدلیل تاثیر غیر یهودی منطقه به ”جلیل امت‌ها“ معروف بود، سپری کرد (متی باب ۴ آیه ۱۵). عیسی اکثر سال‌های زندگی‌اش را پیش از آغاز ماموریت عمومی‌اش در آن منطقه، در ناصره گزراند. ناصره به لطف موقعیت جغرافیایی‌اش، در نزدیکی مسیر اصلی رفت و آمد ارتش روم و کاروان‌های تجار قرار داشت. در نتیجه عیسی حتما در اوایل زندگی با غیر یهودیان در ارتباط بود (گذشته از زمانی که در مصر سپری نمود).

عیسی پس از طرد شدنش در ناصره (لوقا باب ۴ آیات ۱۶ تا ۳۱)، ماموریتش را در شهر جلیلی چند ملیتی کفرناحوم متمرکز نمود. این ارتباط با غیر یهودیان و دنیای ایشان، به طور قابل توجهی ماموریت و تعلیمات او را تحت تاثیر قرار داد. اگرچه تمرکزش بر اسرائیل بود، اما جهان بزرگتری مد نظرش بود. عیسی در طول سه سال ماموریتش بین تعمیم و معراجش، دست کم شش موقعیت ارتباط مستقیم با افرادی از ملیت‌های دیگر داشت. در این هفته به روایات موجود در این باره در انجیل خواهیم پرداخت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۲ اوت آماده شوید.

زن سامری

در زمان عیسی اسرائیل باستان به سه ولایت تقسیم شده بود: جلیل، سامره و یهودیه. سامره بین جلیل و یهودیه قرار داشت. سامریان علاوه بر پرستش خدای اسرائیل بت‌هایی که از سرزمین‌های خارجی آورده شده بودند را نیز می‌پرستیدند. سامره که میدان آغازین ماموریت بود، به دلیل نزدیکی‌اش به اسرائیل برای رسولان منطقه‌ای مناسب به شمار می‌آمد.

آیات ۴ تا ۳۰ باب ۴ انجیل یوحنا را بخوانید. در این روایت از شهادت دادن عیسی به غیر یهودیان چه درسی می‌آموزیم؟ عیسی به چه روش‌هایی مرزهای سنت را برای بشارت دادن به آن زن از بین برد؟

زن سامری به خوبی از تاریخ قومش مطلع بود و سوالات هوشمندانه‌ای پرسید. او با سوالات خود گفتگو را هدایت کرد. با این حال، عیسی پرسش‌ها و اظهاراتی را که از لحاظ روحانی برای زن مفید بودند، انتخاب نمود. تنها زمانی که عیسی گفتگو را تغییر داد وقتی بود که از زن خواست همسرش را بیاورد، با وجودی که می‌دانست او ازدواج نکرده اما با چندین مرد بوده است. بدون شک این درخواست با این حال که زن را ناراحت کرد، به بشارت داد عیسی به او کمک نمود. با این وجود، با انجام این کار، عیسی توانست به گونه‌ای قدرتمند برای او شهادت دهد.

همچنین نباید آنچه در یوحنا باب ۴ آیه ۲۷ رخ داد را فراموش کنیم. حواریون از اینکه عیسی با این زن بیگانه صحبت می‌کرد، شگفت زده شدند. در اینجا عیسی چند عرف یهودی را نقض نمود: اول اینکه از یک زن سامری درخواست آب نمود؛ ثانیاً، با او تنها بود. در اسرائیل یک مرد نباید با زنی تنها می‌بود مگر آن زن، یکی از اعضای خانواده‌اش باشد. عیسی زمانی که در اسرائیل بود از رسوم یهودی پیروی می‌نمود. اما در سامره او خارج از قلمرو یهودی بود و رسوم یهودی او را محدود نمی‌کرد، هرچند که در جای دیگر دیده‌ایم عیسی بین سنت‌های ساخته دست بشر و احکام خدا تمایز قائل می‌شد.

تا چه حد مایلید از محدوده آسایش‌تان خارج شده و برای دیگران خدمت کنید؟ تا کجا باید ادامه بدهید؟

افسر رومی

متی باب ۸ آیات ۵ تا ۱۳ (همچنین لوقا باب ۷ آیات ۱ تا ۱۰ را نیز ببینید) را بخوانید. این داستان درباره محدودیت‌هایی که تفکیک فرهنگی می‌تواند بوجود آورد به ما چه می‌آموزد؟

در شهر کفرناحوم یک افسر رومی با رتبه یوزباشی (فرمانده دسته 100 نفره) به دنبال عیسی بود. یهودیان از ارتش اشغالگر روم بیزار بودند و بسیاری از رومیان نیز از یهودیان متنفر بودند. با وجود این شکاف گسترده فرهنگی و سیاسی، می‌توانیم در اینجا رابطه نزدیک بین این رومی و یهودیان را ببینیم.

لوقا در روایت گفت که یوزباشی نزد «مشایخ یهود» (لوقا باب ۷ آیه ۳) رفت و از آنها خواست که عیسی را بیاورند. و بسیار جالب که آنها دقیقاً آن کار را انجام داده و از عیسی خواستند که بیاید و غلام آن مرد را شفا دهد. این مشایخ چه کسانی بودند؟ در آیه اشاره‌ای به این موضوع نشده است، اما به نظر می‌رسد که رابطه آن‌ها با عیسی نسبت به برخی از مشایخ دیگر متفاوت بود.

در عین حال، بدیهی است که یوزباشی مردی با ایمان بود؛ سخنان او به عیسی، «فقط سخنی بگو و خادم من صحت خواهد یافت» (متی باب ۸ آیه ۸)، شهادتی باور نکردنی از باورش به عیسی بود. یوزباشی «منتظر نماند ببیند خود یهودیان کسی که ادعا می‌کرد مسیح آن‌هاست، را می‌پذیرند یا خیر. همانطور که «آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور می‌گرداند و در جهان آمدنی بود» (یوحنا باب ۱ آیه ۹) بر او آشکار شد، جلال پسر خدا نیز اگرچه دور از حق بود، اما نهایتاً بر او نمایان گشت.» – الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 317)

یوزباشی حساسیت‌های مذهبی یهودیان را درک کرده و محترم شمرد. او می‌دانست که بر اساس قانون، یک یهودی مجاز نبود به خانه غیر یهود وارد شود؛ بنابراین، از عیسی درخواست نمود از فاصله دور غلامش را شفا دهد و او شفا یافت. یوزباشی غیر یهودی پادشاه ایمانش را دریافت نمود. عیسی اشاره کرد که افسر یک نمونه اولیه از روز مهمی است که مردم از سرتاسر جهان در ضیافت مسیحائی با مشایخ یهود جمع خواهند شد.

هر برداشتی که از این روایات بشود، می‌توانیم ببینیم که اختلافات گسترده فرهنگی قادر به جدا کردن یهودیان و این رومی نبود. ما ازین واقعیت درباره رفع هر گونه تفکیک فرهنگی برای بشارت دادن چه می‌آموزیم؟

برخورد با دیوها

آیات ۱ تا ۲۰ باب ۵ انجیل مرقس و آیات ۲۱ تا ۲۸ باب ۱۵ انجیل متی را بخوانید. این روایات چگونه در درک ارتباط عیسی با غیر یهودیان به ما کمک می‌کنند؟ از سخنان عیسی به زن کنعانی چه چیزی متوجه می‌شویم؟ همچنین حواریون باید از دیدن خدمت عیسی به کسانی که جز قوم عهد بسته نبودند، چه بیاموزند؟

منطقه جدریان در ساحل شرقی دریای جلیل قرار داشت. این منطقه قبلاً توسط یونانیان اشغال شده بود، اما به بخشی از استان رومی یهودیه تبدیل شده بود. مردی که در جدریان بود بدون شک تحت نفوذ دیوها بود و این به صورت‌های وحشتناک نمایان می‌شد. او واقعا نیازمند کمک الهی بود که البته آن را دریافت نمود.

حضور خوک‌ها وقوع این آزادی در قلمرو غیر یهودیان را تایید کرده است. واکنش به این ضرر اقتصادی زمانی که خوک‌ها غرق شدند، جالب توجه است؛ مردم شهر از عیسی خواستند که منطقه‌ی آن‌ها را ترک کند. اما عیسی از مرد شفا یافته دعوت کرد که بماند. او باید به مردم خود از عیسی شهادت می‌داد. بدون شک، بیش از کلامش، زندگی تغییر یافته‌اش می‌توانست شهادت قدرتمندی باشد.

در حادثه بعد، کودک صیدونی "سخت گرفتار روح پلید شده" بود (متی باب ۱۵ آیه ۲۲). مادر او که کنعانی بود نمایان کننده اختلاط فرهنگ‌ها بود. اجداد کنعانی او زمانی که اسرائیل سرزمینشان را به رهبری یوشع به ارث برد، از آنجا جابجا شدند. در اینجا دوباره می‌بینیم که عیسی به غیر یهودیان بشارت می‌دهد.

عیسی در صحبت کردن با آن زن از زبان تا حدودی خشن استفاده نمود و قومش را به سگ تشبیه نمود، اما این ایمان تمایل فروتنانه او را برای دریافت کمکی که احتیاج داشت، نشان داد.

"نجات دهنده راضی است. او ایمان زن به خود را آزمود. عیسی با ارتباط خود را با آن زن، نشان داد او که از اسرائیل طرد شده بود، دیگر بیگانه نبود و بلکه فرزندی از خانواده خدا بود. او به عنوان یک فرزند، این حق را دارد که موهبت‌های خدا را داشته باشد. عیسی اینک درخواست او را پذیرفت و تعلیم درس را به حواریون به پایان رساند." - الن جی. هوایت،

(Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 401)

درس این بود که، بر خلاف درک آن‌ها، مژده انجیل تنها برای یهودیان نیست، بلکه برای سایر ملت‌ها نیز هست.

ده جذامی

لوقا باب ۱۷ آیات ۱۱ تا ۱۹ را بخوانید. در این آیات چه درس‌هایی برای ما صرفنظر از ملیت و اصلمان، وجود دارد؟

ابتدا به این توجه کنید که مردان بخت برگشته همگی عیسی را می‌شناختند. آنها عیسی را با نام و لقبش صدا زده و عاجزانه درخواست شفاعت داشتند. جالب است که آنها در آن زمان و آنجا پاک نبودند. همانطور که در آیه ۲ باب ۱۴ کتاب لویان اشاره شده است از آنها خواسته شد نزد کاهنان بروند و خود را معرفی نمایند. این واقعیت که آنها بلافاصله روی برگردانده و رفتند نشان دهنده اینست که قدرت عیسی در شفا دادنشان را باور داشتند.

هرچند فقط مرد سامری از عیسی برای کاری که انجام داده بود، قدردانی کرد. نه نفر دیگر نزد کاهنان رفتن را فراموش نکردند، اما در قدردانی کردن از شفا دهنده خود غفلت نمودند. همانطور که در آیه آمده است، مرد سامری حتی قبل از اینکه نزد کاهنان برود، بازمی‌گردد. اگرچه در آیات به یهودی بودن نه نفر دیگر اشاره‌ای نشده است اما موقعیت مکانی این احتمال را بالا می‌برد. علاوه بر این، این واقعیت که لوقا به طور خاص به سامری بودن او و اینکه عیسی وی را به نام "این غریب" می‌خواند (لوقا باب ۱۷ آیه ۱۸) اشاره می‌کند، نشان می‌دهد که نه نفر دیگر در واقع یهودی بودند. هرچند یهودیان معمولاً با سامریان هیچ ارتباطی نداشتند اما بیماریشان آن موانع را پشت سر گذاشت. بدبختی مشترک و تراژدی، آنچه آلبرت شوایتزر به نام "یاران درد و رنج" می‌نامد این جدایی قومی را شکسته بود. نیاز مشترک آنها برای پاکسازی، ترمیم، و نجات آنها را مجموعاً پیش عیسی آورده بود.

با وجود این، سامریان و دیگر خارجی‌ها هدف بلافاصله ماموریت عیسی نبودند. "من فقط برای گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاده شده‌ام" (متی باب ۱۵ آیه ۲۴). او تصمیم داشت ابتدا پایگاه ماموریت قدرتمندی در میان یهودیان ایجاد نماید. هرچند در تمام مدت مأموریتش، شواهدی مبنی بر الزام رسیدن مژده انجیل به سرتاسر جهان نشان داد. اگرچه این نکته پس از رستاخیز او آشکار شد، اما حتی پیش از آن عیسی کارهایی انجام داد تا ذهن حواریون را بر روی این اندیشه که مأموریت جهانی به وظیفه اصلیشان تبدیل شود، باز نماید.

با وجود اینکه تمام این مردان از خود وفاداری و ایمان نشان دادند، تنها یکی از ایشان بازگشته و از خداوند برای آنچه دریافت نموده بود، تشکر کرد. این درباره اهمیت ستایش و شکرگزاری در ایمان به ما چه می‌آموزد؟ شما باید برای چه چیزهایی سپاسگزار باشید؟ به این بیندیشید که اگر همواره آنها را در پیش رویتان نگاه می‌داشتید، چقدر خوشحال‌تر می‌بودید و اصلاً چه چیزی بهتر از تشکر کردن از خدا برای آنچه که باید قدردانش باشید، وجود دارد؟

یونانیان و عیسی

”و از آن کسانی که در عید به جهت عبادت آمده بودند، بعضی یونانی بودند. ایشان نزد فیلیپس که از بیت صیدای جلیل بود آمدند و سوال کرده گفتند ای آقا می‌خواهیم عیسی را ببینیم. فیلیپس آمد و به اندریاس گفت و اندریاس و فیلیپس به عیسی گفتند. عیسی در جواب ایشان گفت، ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد“ (یوحنا باب ۱۲ آیات ۲۰ تا ۲۲). چگونه این حادثه به ما در درک فریاد قلبی مردم همه جا برای نجات، امید و پاسخ‌هایی که تنها در مسیح یافت می‌شوند، کمک می‌کند؟

این یونانیان که احتمالاً یهودی شده بودند چون اجازه ورود یافتن به محوطه معبد، دست‌کم تا حیاط مربوط به غیریهودیان، را داشتند. مفسران اشاره کرده‌اند که این یونانیان نزد فیلیپس که هر چند یهودی بود اما نام یونانی داشت و همین ممکن است باعث جذب ایشان شده باشد رفتند. از این رو، اگرچه کار پیشگامانه مسیحی می‌تواند توسط مبلغان خارجی که درک فرهنگی از مردمی که می‌خواهند به مسیح جذب کنند دارند، می‌تواند انجام پذیرد اما موثرترین کار مبتکرانه توسط کسانی انجام می‌شود که پس زمینه یکسانی با مردم مورد نظر دارند.

یونانیان تنها چند روز قبل از مصلوب شدن عیسی آمدند. آنها بدون شک از سخنان عیسی درباره رنج‌ها، مرگ و پیروزی نهایی او شگفت زده شدند. (ندای آسمانی نیز چیزی برای تامل به آنها داد.) عیسی احتمالاً با دیدن تمایل آن‌ها برای دیدن او تشویق شده بود. رویکرد آنها نشانه بشارت جهانی است. این حتی توسط فریسیان نیز پیش‌بینی شده بود که فریاد زدند ”اینک تمام عالم از پی او رفته‌اند“ (یوحنا باب ۱۲ آیه ۱۹).

آن چه این جا می‌بینیم مردانی هستند خارج از یهودیت که مایل به آمدن نزد عیسی هستند. چه نشانه‌ای که جهان آماده مرگ کفاره دهنده اوست! این یونانیان که نماینده ملت‌ها، قبایل و مردم جهان هستند، مجذوب او شده بودند. خیلی زود صلیب نجات دهنده، مردم تمام سرزمین‌ها و دوره‌های پس از او را جذب او خواهد نمود (آیه ۳۲). حواریون جهان را آماده پذیرش مژده انجیل خواهند یافت.

آیات ۲۰ تا ۳۲ از باب ۱۲ از کتاب یوحنا را بخوانید. در اینجا عیسی درباره از دست دادن زندگی به منظور حفظ آن چه می‌گوید؟ چرا او باید این را چنین بی‌درنگ در اینجا بگوید؟ شما چگونه دقیقاً همان چیزی که او در موردش صحبت می‌کند تجربه کرده‌اید؟

مطالعه بیشتر: بدانید که بسیاری از مشرق و مغرب آمده با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در پادشاهی آسمانی بر سر یک سفره خواهند نشست اما کسانی که برای این پادشاهی تولد یافتند به بیرون در ظلمت، جائیکه گریه و فشار دندان است، افکنده خواهند شد“ (متی باب ۸ آیات ۱۱ و ۱۲). اگر چه این کلمات در آیه ای خاص بیان شدند، و در اشاره به مردمی خاص، ما نباید اصل مطلب را فراموش کنیم. کسانی که در زمینه های حقایق روحانی و دینی مزیت‌های بزرگی دریافت نمودند باید مراقب باشند. از خود راضی شدن به دلیل حقایقی که به ما داده شده و در مواردی حتی کس دیگری آنها را موعظه و آموزش نمی دهد، آسان است. نخست باید مطمئن شویم که خود را مبتنی بر این حقایق نگاه داریم؛ سپس باید تمایل به آموزش آن‌ها به کسانی که نمی دانند داشته باشیم.

سوالاتی برای بحث

۱- صلیب به ما جهان شمولی مطلق همه بشریت را نشان داده است. در برابر خدا همگی ما گناه کار بوده و نیازمند فیض برای نجات هستیم. با این وجود، بسیاری از گروه‌ها اغلب خود را برتر از دیگران می بینند این هم اکنون و در طول تاریخ بشریت معمول بوده است. گروه قومی، اجتماعی، مالی و فرهنگی شما چطور؟ به چه شیوه‌هایی شما حس برتری نسبت به دیگران که با شما متفاوت هستند دارید (خود را گول نزنید، چنین حسی در شما وجود دارد) ؟ این نگرش چه ایرادی دارد و شما چگونه می توانید در پایه صلیب بیاموزید که آن را تغییر دهید؟

۲- آن زن بر سر چاه باز گشته و برای مردم خود از عیسی شهادت داد. این درباره ماموریت‌ها و اهمیت استفاده از افراد خاص برای جذب مردم هم فرهنگ‌شان به ما چه می‌آموزد؟

۳- یونانیان می خواستند عیسی را ببینند. بدون شک در مورد او شنیده یا خود آن‌ها برخی از کارهایی که او انجام داده بود را، دیده بودند. البته عیسی هم اکنون در آسمان است و کلیسا و اعضایش نماینده او بر روی زمین هستند. این درباره نوع زندگی و شهادتی که ارائه می دهیم چه مفهومی دارد؟

پطرس و غیر یهودیان

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۲۱، باب ۱۰ آیات ۱ تا ۸ و ۲۳ تا ۴۸؛ رومیان باب ۲ آیات ۱۴ تا ۱۶؛ اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۹ تا ۲۲، باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۰، باب ۱۵ آیات ۱ تا ۳۵.

آیه حفظی: ”پطرس بدیشان گفت: “توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت. زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند یعنی هرکه خداوند خدای ما او را بخواند“ (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۳۸ و ۳۹).

پطرس اولین رسولی بود که مژده نجات را به غیر یهودیان رساند. او به ارائه رهبری در کلیسا برای سالها پس از بنیاد آن ادامه داد و حتی پس از آنکه پولس بهترین مبلغ برای غیر یهودیان شد. پطرس به همراه پولس به کلیسای اولیه و رهبران آن که اکثراً یهودی بودند، در درک جهانی بودن مأموریت بزرگ کمک نمودند.

پطرس تلاش نمود تا کلیسای یکپارچه‌ای بوجود آورد تا غیر یهودیان ایمان آورده که از نکات ظریف فرهنگ یهود آگاه نبودند را با ایمانداران یهود که رسومشان داشت شخصیت حقایق مطلق الهی را به خود می‌گرفت، متحد سازد. پطرس مانند تمام مبلغان پیشگام، باید میان مطلق‌های غیر قابل تغییر الهی و شیوه‌هایی فرهنگی و نسبی که هیچ نتیجه مهمی در زندگی ایمانداران یهودی و غیر یهودی نداشتند، تمایز قائل می‌شد. بنابراین، این پطرس بود که در شورای اورشلیم به غیر یهودیان اعلام نمود که ”و هیچ تبعیضی بین ما و آنان قائل نشد بلکه قلب آنان را با ایمان پاک ساخت“ (اعمال رسولان باب ۱۵ آیه ۹) و کسی بود که در از بین بردن مسائلی که برای اتحاد کلیسای اولیه تهدید آمیز محسوب می‌شدند، کمک کرد.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۹ اوت آماده شوید.

پطرس در پنطیکاست

سخنان عیسی پیش از عروجش ماهیتی بشارتی داشتند: ”در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود“ (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸). در اینجا دوباره فرمان گسترش مژده انجیل به سرتاسر جهان را می‌بینیم. تنها ۵۰ روز بعد، این دعوت که پطرس نقش کلیدی در آن ایفا می‌کند، شروع به آشکار شدن نمود.

اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۲۱ را بخوانید. چگونه این رویداد قصد خدا از رسیدن مژده انجیل به سرتاسر جهان و نقشی که یهودیان در اعلام آن داشتند را نشان می‌دهد؟

نخستین تحقق مأموریت بزرگ در روز پنطیکاست اتفاق افتاد. بارش روح‌القدس هدف بشارت به جهانیان را داشت. این اعطای نخستین روح‌القدس نتایج بزرگی در روز پنطیکاست به ارمغان آورد. اگرچه این تنها نمونه‌ای از نتایج بزرگتر در سالهای پیشروی آن بود.

موعظه پطرس حاوی نکته‌های اساسی بود که حتی متناسب با امروزه هستند:

اولاً، پیشگویی‌ها و وعده‌های عهد قدیم در مسیح تحقق یافتند (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۱۷ تا ۲۱)، حقیقتی که از طریق خدمت‌های قدرتمند و نشانه‌هایی که به همراه خدماتش بودند و همچنین از طریق مرگ و رستاخیز آشکار شد (آیات ۲۲ تا ۲۴).

ثانیاً، عیسی اعتلاء یافت و در طرف راست خدا قرار گرفت و اکنون مسیح موعود و خداوند همگان است (آیات ۳۳ تا ۳۶). در او، همه کسانی که توبه کرده و تعمید یابند گناهانشان بخشیده خواهد شد (آیات ۳۸ و ۳۹).

در اینجا پطرس شاگرد فعال و سخن پرداز را می‌بینیم که پای باورش به عیسی می‌ایستد. او توسط عیسی دعوت شد که رهبری قدرتمند در کلیسای آغازین باشد. اگر چه پطرس نسبت به پولس رسول کمتر بین المللی، موثر و سازگار با سایر فرهنگ‌ها و ادیان بود (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴ را ببینید)، اما راه مژده انجیل را به ۱۵ ملت باز نمود و به یهودیان پراکنده در خارج که اکنون در اورشلیم بودند، موعظه کرد. به این ترتیب او از پل بسیار مهمی برای رساندن مژده نیکو به خاورمیانه زمان خودش استفاده نمود.

داستان پنطیکاست چه چیزی درباره نیاز مطلق ما به روح القدس در زندگی را آشکار می سازد؟ برای هماهنگ تر بودن با رهبری روح القدس چه انتخاب هایی می توانیم بکنیم؟

دوشنبه

۲۴ اوت

ایمان آوردن کورنلیوس: بخش اول

اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۱ تا ۸ و ۲۳ تا ۴۸ را بخوانید. داستان این غیر یهودی که پیرو عیسی شده بود درباره نجات و شهادت دادن به ما چه می آموزد؟

ایمان آوردن کورنلیوس که افسر ارتش رم و بت پرست بود، پنطیکاست غیر یهود نامیده شده است. این داستانی بسیار مهم در کتاب اعمال رسولان است که به تفرقه انگیزترین موضوعاتی که کلیسای ابتدایی با آن مواجه بود، اشاره دارد- آیا یک غیر یهودی می تواند بدون این که ابتدا یهودی شود، مسیحی بشود؟

پایگاه مرکزی ارتش رم برای تمام یهودیه از جمله اورشلیم، قیصریه بود. کورنلیوس یکی از ۶ یوزباشی‌هایی بود که به ۶۰۰ سربازی که یکان نظامی ایتالیائی که آنجا را تشکیل می دادند، فرماندهی می کرد. نام او نشان دهنده نژاد اش از خانواده نظامی درخشان رم است که پیش از آن فرماندهی که حانی بال را شکست داد، بوجود آورد، ژنرالی از کارتاژ که برای سالها مشکلاتی برای مردم رم بوجود آورد. مهمتر آن که کورنلیوس مرد خدا ترسی بود که از مشارکت های روحانی با خانواده اش و دعا کردن منظم لذت می برد و نسبت به نیازمندان سخاوتمند بود. خدا دعاهای او را شنید و فرشته ای فرستاد تا پیام مخصوص به او برساند.

”کورنلیوس که به خدا به عنوان خالق آسمان و زمین ایمان داشت به او احترام گذاشته و به قدرت او اذعان نموده و در همه امور زندگی به دنبال توصیه های او بود. او در زندگی خانوادگی و وظایف رسمی خود به یهوه وفادار بود. او محل قربانگاهی برای خدا در خانه خویش ساخته بود که جرات نکند برنامه هایش و مسئولیت هایش را بدون کمک خدا به پیش برد.“ - الن جی. هوایت (Ellen G. White)، اعمال رسولان، ص ۱۳۳.

همچنین توجه کنید به زمانی که کورنلیوس پطرس را بالاخره ملاقات نمود، چه اتفاقی افتاد. او در برابر پطرس تعظیم و او را ستایش نمود، کاری که می بایست پطرس از آن یکه بخورد. بنابراین چیزی که می توانیم ببینیم این است که این غیر یهودی که مورد علاقه

خدا و مرد متدینی بود، همچنان حقایق بسیاری می بایست بی آموزد حتی در ابتدایی ترین سطح؛ بدون شک او در شرف یاد گرفتن بود.

برخی از صفات کورنلیوس حتی در جهلش چه بودند که پیروی از آن برای زندگی روحانی همه ما خوب است؟

۲۵ اوت

سه شنبه

ایمان آوردن کورنلیوس: بخش دوم

”پطرس زبان را گشوده، گفت: ’فی الحقیقت یافته ام که خدا را نظر به ظاهر نیست، بلکه از هر امتی، هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، نزد او مقبول گردد‘“ (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۳۴ و ۳۵). اگر چه این کلمات برای ما آن چنان انقلابی نیستند، جاری شدن آن‌ها از دهان پطرس اعترافی شگفت آور بود. ما باید به یاد داشته باشیم که پطرس چه کسی بود، از کجا آمده و نگرش‌هایی که همچنان با آن‌ها دست و پنجه نرم می کرد، چه بودند. (غلاطیان باب ۲ آیات ۱۱ تا ۱۶ را ببینید). هر چند بدون تردید تجربه اش با کورنلیوس به او کمک کرد تا اشتباهات کارهایش را با روشنی بیشتری ببیند و همچنین به او کمک کرد که تصویر بهتری از آن چه خدا قصد داشت تا با مژده انجیل انجام دهد، بدست بیاورد.

آیه ۳۳ از باب ۱۰ کتاب اعمال رسولان را بخوانید. کورنلیوس چه چیزی به پطرس گفت که حتی با وجود جهل بسیار، او متوجه شد که پیروی از خداوند همچنین به معنای اطاعت از او بود؟

اعمال رسولان باب ۱۱ آیه ۱۴ را بخوانید. چه چیزی در اینجا بیان شده است که نیاز گسترش یافتن مژده‌دانجیل را حتی به چنین مرد خدانشناسی یعنی کورنلیوس، به ما نشان می‌دهد؟

آیات ۱۴ تا ۱۶ باب ۲ کتاب رومیان چگونه به ما در درک آنچه درباره کورنلیوس در جریان بود، کمک می‌کنند؟

همانطور که دیده‌ایم، کورنلیوس غیر یهودی بود که از خدا می‌ترسید (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۲)، هر چند هنوز چیزهایی زیادی وجود داشت تا پیاموزد (آیا برای همه ما این چنین نیست؟). با این وجود، روزه گرفتن، دعا کردن و صدقه دادن هایش باز بودن قلب او نسبت به خداوند را آشکار نمود؛ و به این ترتیب، هنگامی که مناسب بود خدا به طور معجزه آسایی در زندگی او مداخله نمود.

نکته مهم که در این روایت باید بخاطر داشته باشیم این است که اگر چه فرشته به او ظاهر شد اما مزده انجیل را به او موعظه نکرد در عوض، فرشته راه را برای کورنلیوس هموار نمود تا با پطرس کسی که بعداً به او درباره عیسی گفت، ملاقات کند (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۳۴ تا ۴۴). در اینجا می‌توانیم نمونه ای را ببینیم که چگونه خداوند از انسان‌ها به عنوان رسولانش در این دنیا استفاده می‌کند.

۲۶ اوت

چهارشنبه

رؤیای پطرس

همان طور که دیروز مشاهده نمودیم، در زمانی که پطرس با کورنلیوس ملاقات نمود، نگرشش نسبت به غیر یهودیان تغییر کرد چیزی که سایر یهودیان ایمان دار تا آن زمان درک نکرده بودند (اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۴۴ و ۴۵). چه اتفاقی افتاد که پطرس را تغییر داد؟

اعمال رسولان باب ۱۰ آیات ۹ تا ۲۲ و باب ۱۱ آیات ۱ تا ۱۰ را بخوانید. این آیات درباره ثابت بودن نگرش اشتباه او که نیازمند این چنین چیزی برای باز شدن ذهنش بود، چه می‌گویند؟

ایمان آوردن کورنلیوس و نقش پطرس در وظیفه شهادت دادن چنان برای ماموریت کلیسا مهم بودند که خدا به شیوه‌ای ماوراءطبیعه با مبلغ و میزبان او ارتباط برقرار نمود: مادامی که فرشته بر کورنلیوس نازل شد، به پطرس رویایی داده شد.

پطرس همچنین در یافا نزد دباغی ماند (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۴۳، باب ۱۰ آیات ۶ و ۳۲)، جزئیاتی که بهتر است از دست ندهیم. دباغی کردن و دباغان از آنجایی که با اجساد حیوانات سروکار داشته و در فرآیندهایشان از فضولات استفاده می‌کردند، نزد یهودیان منفور بودند. دباغ‌ها اجازه فعالیت در شهرها را نداشتند. توجه داشته باشید که خانه شمعون "به کناره دریا" قرار داشت (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۶).

اقامت پطرس نزد یک دباغ نشان داد که پیش از رویایش او متوجه مخالف بودن نگرش‌های قبلی‌اش با اهداف انجیل شد. پطرس و خانواده کورنلیوس نیاز به دور انداختن برخی ویژگی‌های فرهنگی بودند. همه مردم که در رویای پطرس به عنوان "انواع ... حیوانات" نشان داده شدند، فرزندان خدا هستند.

فراخوانده شدن پطرس برای شهادت دادن به کورنلیوس این مفهوم را می‌رساند که اگر چه همه مردم مورد قبول خدا هستند اما همه ادیان به یک اندازه مقبول خدا نیستند. کورنلیوس پیش از آن مردی "متدین" مانند تقریباً همه مردم جامعه باستان بود. او به عنوان یک سرباز با پرستش می‌ترا آشنا شده بود و به عنوان یک فرمانده در پرستش امپراتور شرکت کرده بود. اما این‌ها برای خدا قابل قبول نیستند.

در اینجا برای کسانی که رویکردی برابر نسبت به ادیان غیر مسیحی با دین مسیحیت دارند امروزه درسی وجود دارد. اگر چه گاهی اوقات این به دلیل درستی از نقطه نظر سیاسی انجام می‌شود اما چنین نگرشی منجر به سست شدن ادعاهای کتاب مقدس درباره منحصر به فرد بودن مسیحیت می‌شود.

چگونه به مردمی که باور داریم اعتقادشان اشتباه است می‌توانیم احترام نشان بدهیم بدون نشان دادن این که خود به آن عقاید احترام قائل می‌شویم؟ چه تفاوتی میان احترام گذاشتن به مردم در مقابل احترام گذاشتن به باورهایشان وجود دارد؟

فرمان اورشلیم

موفقیت اولیه ماموریت برای غیر یهودیان این سوال بسیار مهم را برای کلیسای اولیه در زمینه ایمان آوردن غیر یهودیان به عیسی بوجود آورد، باوری که آن‌ها را به ایمان وابسته به کتاب مقدس پیوند زده بود (رومیان باب ۱۱ آیه ۱۷). تنش‌ها همواره زمانی

پدیدار می شوند که مردمی از ادیان و فرهنگ های دیگر به جامعه‌ای با ایمان پا بر جا، می‌پیوندند. در این مورد، یهودیان مسیحی با توجه سطح بالای خود به الزامات قوانین و آئین های عهد قدیم، باور داشتند که ایمان آورندگان غیر یهود از این قوانین و آئین ها اطاعت خواهند نمود. تمرکز اصلی به روی ختنه کردن بود، که نشانه اساسی ورود به جامعه یهودی برای مردان و نماد انطباق با تمام الزامات یهودیت بود. آیا غیر یهودیان که به مسیحیت ایمان می آوردند باید ختنه شوند؟ برخی از یهودیان مسیحی در یهودیه قطعاً این چنین فکر می کردند و اعتماد راسخ خود را با زبان صریح دینی بیان نمودند: برای آن ها این امری برای نجات الزامی بود.

چه اتفاقی در شورای اورشلیم افتاد که باعث تصویب شدن این موضوع مهم شد؟ اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۳۵.

اگر چه موضوع ختنه کردن موضوع اصلی شورای اورشلیم بود اما با طیف وسیعی از شیوه های فرهنگی که انجیل از ایمان آورندگان انتظار ندارد، سر و کار داشت. فرمان شوری (آیات ۲۳ تا ۲۹) خط مشی کلی ارائه داد که طبق آن یهودیان و غیر یهودیان مسیحی می توانستند با هم مشارکت داشته باشند. ارزش های یهودیان احترام گذاشته شده بود اما غیر یهودیان می توانستند از ختنه کردن اجتناب نمایند. تصمیم شورا هم عملی و هم دینی بود. این تصمیم الگویی برای کلیسا در نظر گرفت که با مسائل و مشکلات، پیش از آن که تفرقه انداز شوند مقابله کنند. مبلغان با تجربه می آموزند که مسائل اساسی باور مسیحیت را بشناسند و روی آن ها تمرکز نمایند، به جای این که گرفتار چیز هایی شوند که برای ایمان ضرورتی ندارند.

از شورای اورشلیم چه درس هایی می توانیم بگیریم که می توانند به کلیسای امروزه که با مسائل بحث برانگیز سر و کار دارد کمک نماید؟ آن ها چه کاری انجام دادند که ما می توانیم از آن به عنوان الگو استفاده کنیم؟

مطالعه بیشتر: ”پطرس صحبت از حیرت خود نمود وقتی کلام حق را به مردم گردآمده در خانه کرنلیوس موعظه می‌کرد. و ناگاه روح‌القدس بر آن‌ها نازل شد، چه یهود و چه غیر یهود. همان نور و تجلی که بر صورت یهود ختنه یافته نمایان شد، بر چهره غیر یهود نا مختون نیز پدیدار گشت. این اختاری بود از خدا که پطرس نباید یکی را پست تر از دیگری حساب کند، زیرا خون مسیح از هر ناپاکی طاهر می‌نمود...”

خطابه پطرس گروه را آمادگی داد تا صبورانه به حرف‌های پولس و برناباس که تجربه خود را در ارتباط با خدمت برای غیر یهود بازگو می‌نمودند، گوش بدهند. – الن جی. هوایت (Ellen G. White)، نقل از کتاب اعمال رسولان، صفحات ۱۹۳ و ۱۹۴.

سوالاتی برای بحث

۱- رویای پطرس برای حمایت از این استدلال توضیح داده شده است که قوانین غذایی عهد قدیم دیگر معتبر نیست- بخصوص به عنوان توجیهی برای خوردن گوشت ناپاک. مفهوم رؤیا به خوبی توسط خود پطرس توضیح داده شد: ”هیچ کس را حرام یا نجس نخوانم“ (اعمال رسولان باب ۱۰ آیه ۲۸). از این رو رویا درباره رژیم غذایی نبود بلکه درباره پذیرفتن انسان‌های دیگر به عنوان فرزندان خدا صرف نظر از قومیت، ملیت، شغل و دین آن‌ها بود. با وجود این چرا مردم از آن به عنوان استدلالی برای رژیم غذایی استفاده نمودند؟ این درباره چگونگی دقیق بودن ما در برخورد با کتاب مقدس چه چیزی را بیان می‌کند؟

۲- به آیات ۱۴ تا ۱۶ باب ۲ کتاب رومیان بیستر بیان‌دیشید. ما به عنوان یک کلیسا چگونه باید در زمینه ماموریت با این آیات ارتباط داشته باشیم؟ یعنی اگر کسانی که قانون نوشته شده‌ای ندارند و فقط در قلب هایشان وجود دارد چه نیازی به بشارت دادن به آن‌ها وجود دارد؟

۳- در مطالعه روز پنجشنبه، ما در مورد شورای اورشلیم به عنوان الگویی برای کلیسای امروز صحبت نموده ایم. این آیات درباره شوری را دوباره بخوانید (اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۱ تا ۳۵). برخی از چیزهای خاصی که این شوری انجام داد که الگویی برای کلیسای امروز است چیست؟ به عنوان مثال به این موارد بنگرید: ۱- شهادت‌های شخصی درباره گواهی دادن ۲- نقش انجیل ۳- نقش کتاب مقدس ۴- نقش ماموریت‌ها و ۵- چگونگی ارتباط اعضاء در شوری.

فیلیپس به عنوان مبلغ

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: دوم قرن‌تین باب ۴ آیه ۱۸، اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۴ تا ۴۷، باب ۴ آیات ۳۴ تا ۳۷، باب ۶ آیات ۱ تا ۷، باب ۸، باب ۲۱ آیات ۷ تا ۱۰.

آیه حفظی: ”لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان“ (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸).

مأموریت جهانی نگرانی اصلی مسیح برخاسته در مدت ۴۰ روز میان مصلوب شدن و عروجش بود. عهد جدید دست کم پنج تا از اظهارات او در مورد مأموریت بزرگ را حفظ کرده است: متی باب ۲۸ آیات ۱۸ تا ۲۰، مرقس باب ۱۶ آیه ۱۵، لوقا باب ۲۴ آیات ۴۷ تا ۴۹، یوحنا باب ۲۰ آیه ۲۱، اعمال رسولان باب ۱ آیات ۵ تا ۸. این آیات با هم بزرگترین وظیفه ای که تا به حال به مسیحیان داده شده است را تشکیل می‌دهند. در میان این دستورات یک راهبرد جغرافیایی برای پیس برد مأموریت از پایگاهش در اورشلیم به یهودیه و سامره و سپس در نهایت به تمام جهان وجود داشت. این دستوری بود که در حقیقت جدی گرفته شد و شروع به تحقق پیدا کردن نمود.

این راهبرد جغرافیایی در مأموریت بشارتی فیلیپس برجسته است. بر اساس باب ۸ اعمال رسولان، خدمت او در محافل گسترده ای به خارج از اورشلیم توسعه یافت. به این معنا که با گذشت زمان به دورتر ها گسترش یافت.

این فیلیپس مبلغ چه کسی بود؟ کلام خدا به ما درباره او و کاری که در روزهای اولیه کلیسا انجام داد چه می‌گوید؟ در نهایت ما از نوشته های این مبلغ نخستین چه درس هایی می‌توانیم بیاموزیم؟

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۵ سپتامبر آماده شوید.

فیلیپس بشارت دهنده

”در حالی که ما نظر نمیکنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی“ (دوم قرن‌تین باب ۴ آیه ۱۸). به آن چه پولس در اینجا می گوید بیان‌دیشید، بخصوص که ما این هفته درباره فیلیپس مبشر، کسی که تنها به جز چند اشاره در کتاب مقدس، چیز بسیاری از او نمی دانیم، مطالعه خواهیم نمود. اگر چه همان طور که خواهیم دید، فیلیپس کارش را به خوبی انجام داد حتی اگر ما از آن چه او انجام داد چیز زیادی نمی دانیم. برخی از کسانی که کارهای بزرگی برای خدا انجام دادند اما به ندرت شناخته شده اند، چه کسانی هستند؟ چرا همواره مهم است که اصل سخنان پولس را در ذهن داشته باشیم، بخصوص اگر ما کاری انجام می دهیم که زیاد تحسین برانگیز و جالب توجه نیست؟ اول قرن‌تین باب ۴ آیه ۱۳ را ببینید.

فیلیپس نام محبوب یونانی به معنی ”عاشق اسب“ بود. در عهد جدید چهار نفر به این نام وجود دارند. دو نفر ایشان نام اضافی هیروودیس را داشتند و عضوی از خانواده سلطنتی هیروودی بودند که بر اسرائیل زمان عهد جدید حکومت خشنی اعمال می کرد. دو فیلیپس دیگر نقش های برجسته ای در ماموریت بزرگ داشتند.

اولی فیلیپ اهل بیت صیدا، مریدی بود که در آوردن ناتانیل نزد عیسی سودمند بود (یوحنا باب ۱ آیات ۴۳ تا ۴۶). بعدها او یونانیان را با عیسی آشنا نمود (یوحنا باب ۱۲ آیات ۲۰ و ۲۱).

فیلیپس دوم به عنوان مبشر در آیه ۸ باب ۲۱ کتاب اعمال رسولان معرفی شد تا او را از فیلیپس مرید متمایز سازد. او در ابتدا در کلیسای اورشلیم به عنوان پیشخدمت ظاهر شد (اعمال رسولان باب ۶ آیات ۲ تا ۵) که تبدیل به مبلغ و بشارت دهنده شد (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۱۲). خدمت تبلیغی او که به مدت بیست سال ادامه یافت و با چهار دختر پیش گویی کننده کامل شد که در اعمال رسولان اشاره شده است. به غیر از این چیز بیشتری از گذشته او نمی دانیم.

”این فیلیپس بود که مژده انجیل را به سامری‌ها موعظه کرد؛ او بود که شجاعت تعمیم دادن خواجه حبشی را داشت و برای مدتی تاریخچه این دو خدمت گزار [فیلیپس و پولس] به طور تنگاتنگی درهم آمیخته بود. این آزار خشونت آمیز سولس فریسی بود که کلیسای اورشلیم را پراکنده و تأثیرگذاری هفت خادم را نابود ساخت. فرار فیلیپس از اورشلیم باعث شد که او نوع خدمتش را تغییر دهد و در نتیجه همان فراخوانی را دنبال کند که پولس زندگی‌اش را وقف آن نمود. این ساعاتی که پولس و فیلیپس در همدمی یکدیگر صرف نمودند، با ارزش بودند؛ هیجان انگیز بودند خاطره‌هایی را که به یاد آوردند از روزهایی که نور ساطع از صورت استفان آسمان نگر درحالیکه شربت شهادت می‌نوشتید با روشنایی پرجلال بر سولس آزاردهنده تابید و او را چون مرید لابه کننده به پای مسیح آورد.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White, Sketches From the Life of Paul, p. 204).

پیشخدمتی کردن

کتاب اعمال رسولان باب ۲ آیات ۴۴ تا ۴۷ و باب ۴ آیات ۳۴ تا ۳۷ را بخوانید. در اینجا چه تصویری از کلیسای اولیه معرفی شده است؟

بدون تردید همه چیز برای مدتی در میان ایمانداران اولیه به خوبی پیش می‌رفت. البته همه انسان‌ها سقوط کرده‌اند، پس طولی نکشید که تنش‌هایی شروع به طغیان کردن نمود.

آیات ۱ تا ۷ باب ۶ کتاب اعمال رسولان را بخوانید. چه مشکلاتی بوجود آمد و کلیسا چگونه با آن‌ها مواجه شد؟

رشد سریع کلیسای اورشلیم باعث بوجود آمدن تنش‌های اجتماعی شد. فیلیپس به رهبری یک تیم منصوب شد تا با این تنش‌ها مقابله کند. ایماندارانی که شامل افراد محروم و از لحاظ اقتصادی مشکل‌دار بودند که شرکت روزانه‌شان در وعده‌های غذایی رهبران کلیسا را با افزایش تقاضا مواجه ساخت. زمزمه‌ای از توزیع ناعادلانه مواد غذایی در میان بیوه‌زنان یونانی بوجود آمد. این مخصوصاً به این دلیل حساس بود که به انبیاء عبرانی یادآوری شده بود که نسبت به بیوه‌زنان و کودکان یتیم غفلت نکنند.

برای حل این مشکل جدی دوازده رسول همه ایمانداران را جمع کرده و پیشنهاد دادند که هفت مرد که پر از روح‌القدس و حکمت بودند انتخاب شوند، کسانی که به معنای واقعی کلمه میزهای غذا را سازمان‌دهی کنند (اعمال رسولان باب ۶ آیات ۳ و ۴). همه هفت مرد اسامی یونانی داشتند و این شاید نشان‌دهنده تعادل خدمات رفاهی برای بیوه‌زنان یونانی زبان مورد غفلت قرار گرفته، بوده باشد. درمیان آن‌ها فیلیپس قرار داشت و این نخستین بار است که نام او در کتاب مقدس ذکر شده است.

رسولان استدلال کردند که برای جلوگیری از اضافه کاری آن‌ها در اداره کردن منابع لازم برای زندگی همگانی، رهبران بیشتری مورد نیاز است. تأکید آن‌ها بر این بود که فراخوانده شده بودند تا خود را وقف کلام خدا و عبادت کنند.

برخی از مسائل بالقوه تفرقه آمیز در کلیسای محلی شما کدامند و چگونه می توانید اجازه دهید خدا از شما در کاهش آن ها استفاده کند؟

۱ سپتامبر

سه شنبه

فیلیپس در سامره

سولس که رسول و مبشر آینده بود، برای اولین بار در ماجرای سنگسار استفان خادم، اولین شهید مسیحی، در کتاب مقدس ظاهر می شود. هر چند این موج آزار و اذیت تنها به گسترش بیشتر مژده انجیل کمک نمود.

آیات ۱ تا ۶ از باب ۸ کتاب اعمال رسولان را بخوانید. نتیجه محاکمه کلیسای اورشلیم چه بود؟

سامره اولین نقطه جغرافیایی گسترش مسیحیت بود. سامری‌ها خود را فرزندان بنی اسرائیل می‌دانند که در سال ۷۲۲ پیش از میلاد هنگام تبعید اکثر آنان توسط آشوریان در آنجا باقی ماندند. با این حال یهودیان، سامری‌ها را فرزندان خارجی می‌دانستند که آشوری‌ها به زور در اسرائیل ساکن نمودند. روابط یهودیان و سامری‌ها در دوران عهد جدید سرشار از تنش و خشونت بود. با این وجود همان طور که پیشتر دیدیم، عیسی از قبل، زمانی که با آن زن بر سر چاه برخورد کرد، راه را برای خدمت بشارتی در آن جا هموار نموده بود. آن زن به نوبه خود شروع به بشارت دادن به مردم خویش کرد.

فراخوانده شدن فیلیپس به پیشخدمتی کردن اکنون به فعالیتی بشارتی برای سامری‌ها تبدیل شده بود. او به عنوان پناهنده‌ای که از آزار و اذیت های مذهبی در اورشلیم در حال فرار بود، وقت خود را هدر نداد. او اعلام کرد که مسیح موعود که یهودیان و سامری‌ها انتظارش را می کشیدند، آمده است (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۵ و ۱۲).

آیات ۶ تا ۱۵ باب ۸ کتاب اعمال رسولان را بخوانید. فعالیت بشارتی فیلیپس تا چه حد در سامره موفق بود؟

خدا به گونه ای قدرتمند از فیلیپس در آن خدمت اولیه به سرزمین بیگانه استفاده نمود. بیانیه زن بر سر چاه که گفت ”یهود با سامریان معاشرت ندارند“ (یوحنا باب ۴ آیه ۹) اکنون به چیزی در گذشته تبدیل شده بود.

چه دشمنی ها، کینه ها و تعصب‌هایی که روح شما را مسموم نمودند باید به چیزهایی در گذشته تبدیل شوند؟ آیا وقت آن نرسیده است که همه چیز را فراموش کنید؟

۲ سپتامبر

چهارشنبه

با حبشی

بر اساس آیات ۲۶ تا ۳۹ باب ۸ کتاب اعمال رسولان، تماس بعدی فیلیپس با مدیر خزانة داری حبشی بود که ماموریت او را یک گام دیگر به ”اقصای جهان“ (اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸) نزدیک نمود. فیلیپس پیوند میان ماموریت سامره و غزه بود. او از سامره از شمال اورشلیم به غزه که در جنوب است فراخوانده شد. کار او در شمال بر یک گروه متمرکز شده بود؛ در اینجا تمرکز بر روی یک نفر است. فیلیپس در سامره توانست تنها از طریق پنج کتاب موسی، از مسیح مزده دهد، زیرا سامری‌ها تنها این کتاب‌ها را قبول داشتند؛ در اینجا او همچنین می توانست از کتاب اشعیا احتمالا ترجمه یونانی نیز استفاده کند.

کتاب اعمال رسولان باب ۸ آیات ۲۶ تا ۳۹ را بخوانید. سپس به سؤال های زیر پاسخ دهید.

آن مرد حبشی چه آیتی از باب ۵۳ کتاب اشعیا می خواند و چرا این آیات فرصت مناسبی به فیلیپس برای بشارت دادن به او دادند؟

در مقایسه با کار فیلیپس در سامره که معجزاتی انجام داد (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۶)، تنها کاری که او با حبشی انجام داد، مطالعه کتاب مقدس بود. ما چه نکاتی می توانیم در رابطه با شهادت دادن برای دیگران در اینجا بدست آوریم؟

روح خداوند فیلیپس را به محض به پایان رساندن توضیح مزده نیک درباره عیسی و تعمید دادن مرد حبشی به بیرون فراخواند. فیلیپس هیچ فرصتی برای انتقال باور ها و آموزه هایش به آن ایمان آورنده جدید نداشت. مرد حبشی تنها ماند تا ایمان مسیحی را در زمینه فرهنگ آفریقایی خویش، و با راهنمایی های عهد قدیم و روح خدا بپذیرد، که پیش از آن در او کار کرده و او عبادت کننده خداوند و کلام او بود.

فیلیپس به مرد حبشی آیات عهد قدیم درباره مرگ عیسی را توضیح داد. چرا باید عیسی، مرگ و رستاخیزش مرکزیت پیامی باشد که ما به جهانیان می دهیم؟ پیام ما بدون او چه خواهد بود؟

۳ سپتامبر

پنجشنبه

فیلیپس به عنوان مبشر، پدر و میزبان

به طور حتم فیلیپس برای انجام کار خدا برگزیده شده بود. مفسران بر سر آنچه "روح خداوند فیلیپس را برداشته" (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳۹) اختلاف نظر دارند، به این مفهوم که یا از او خواسته شده بود که به اشدود برود (آیه ۴۰) و یا به طور معجزه آسایی به آن جا انتقال یافت. در هر صورت، نکته بسیار مهم برای ما این است که فیلیپس مردی بود که تسلیم روح القدس شده بود؛ و به این ترتیب، خدا توانست از او استفاده کند تا کار بزرگی برایش انجام دهد.

آیه ۴۰ باب ۸ کتاب اعمال رسولان را بخوانید. این آیه چه چیز درباره فیلیپس می گوید که به ما در درک لقب او به عنوان مبشر کمک می کند؟

کتاب اعمال رسولان باب ۲۱ آیات ۷ تا ۱۰ را بخوانید. از این آیات چه چیزی می توانیم درباره فیلیپس بیاموزیم؟

در این مرحله از داستان ما متوجه می شویم که فیلیپس مرد خانواده بود و چهار دختر مجرد داشت. فراخوانده شدن فیلیپس از خدمتگذاری به بشارت دادن باعث شد او سفرهای گسترده ای انجام دهد. ما می دانیم که او از اورشلیم به سامره و سپس به غزه و در ادامه آن به تمامی شهرهایی که تا ۸۰ کیلومتری آن قرار داشته و در خط ساحلی اشدود و قیصریه بودند، سفر کرد. احتمالاً ممکن است تعدادی از سفرهای او ثبت نشده باشند. مانند همه مبشران پیشگام، او نیز مورد اذیت و آزار و مزاحمت قرار گرفته و دچار فراز و نشیب هایی شد که چنین تعهد هایی به دنبال دارند. با این وجود او توانست خانواده اش را اداره کند، به حدی که چهار دخترش مورد لطف روح القدس قرار گرفته از این نظر که مناسب دریافت موهبت رسالت بودند. این گواه فرزند پروری خوب و دین داری حقیقی در این خانواده مبشر مسیحی پیشگام است.

این آیات نشان می دهند که پولس رسول "چند روزی" نزد فیلیپس ماند (آیه ۱۰). بیست و پنج سال قبل از آن، پولس که در آن زمان سولس نام داشت، یک آزار دهنده مهاجم و خشمگین مسیحیان بود (اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ و ۲). آزار و تعقیب ایمانداران اورشلیم فیلیپس او را مجبور ساخت به سامره فرار کند (اعمال رسولان باب ۸ آیات ۱ تا ۵). و اکنون پس از سال ها، آزار دهنده و مورد آزار قرار گرفته، در خانه فیلیپس که میزبان پولس است یکدیگر را ملاقات می کنند. چه ملاقات جالبی از برادران و همکاران مسیح با انگیزه بزرگ رساندن مژده انجیل به جهان غیر یهودی!

در خدمت مان برای دیگران چرا مهم است که هرگز اولین وظیفه مان را که خانواده هایمان است، فراموش نکنیم؟

مطالعه بیشتر: «هنگامی که آن‌ها توسط آزار و اذیت پراکنده شدند، با تعصب و غیرت مبشری به پیش رفتند. آن‌ها مسئولیت ماموریت خویش را متوجه شدند. می‌دانستند که در دست‌هایشان برای جهان گرسنه نان حیات دارند؛ و به واسطه محبت مسیح مجبور به توزیع این نان به همه نیازمندان هستند.» - الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 106).

«و هنگامی که حواریونش از اورشلیم رانده شدند، برخی از آنان در سامره پناهگاه امنی یافتند. سامری‌ها از این مژده‌رسانان انجیل استقبال نموده و ایمان آورندگان یهودی محصول با ارزشی از میان آن‌هایی که روزی بدترین دشمن‌شان بودند جمع‌آوری نمودند.» - ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

سوالاتی برای بحث

۱- همان‌طور که دیدید انجیل موانع میان مردم را از بین می‌برد. دست‌کم هدف این چنین است؛ اما واقعیت در زمان‌هایی کاملاً متفاوت بوده است. چه چیزی در مورد انسان‌ها، حتی در میان مسیحیان- در میان آن‌هایی که درک می‌کنند همگی ما در برابر خدا یکسان بوده و صلیب برابر‌کننده بزرگ است- باعث می‌شود که ما اجازه دهیم موانع فرهنگی، اجتماعی و غیره همچنان ما را بسیار از هم جدا سازد؟ چگونه کلیسای ادونتیست روز هفتم که بسیار جهانی است، می‌تواند چنین تعصب‌هایی را تضعیف نماید؟

۲- همان‌طور که دیدیم آزار و اذیت کلیسای اولیه باعث فرار ایمانداران شد و در نتیجه مژده انجیل به روشی که بدون آزار و اذیت ممکن نبود شروع به گسترش یافتن نمود. اگر چه خدا توانست نتیجه آن را خوب کند، اما ما باید به یاد داشته باشیم که آزار و اذیت مذهبی هرگز خوب، درست و عادلانه نیست. نگرش ما نسبت به کسانی که مورد آزار مذهبی هستند چگونه باید باشد، حتی اگر ما با باورهای مذهبی آن‌ها موافق نباشیم؟ (لوقا باب ۶ آیه ۳۱ را ببینید).

پولس: اطلاعات زمینه‌ئی و فراخواندگی

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱، فیلیپیان باب ۳ آیه ۶، اول قرنتیان باب ۱۵ آیه ۱۰، اعمال رسولان باب ۹ آیات ۱ تا ۲۲، باب ۲۶ آیه ۱۸، غلاطیان باب ۲ آیات ۱ تا ۱۷.

آیه حفظی: «اما خداوند به او گفت: «تو باید بروی زیرا این شخص وسیله ای است که من انتخاب کرده ام تا نام مرا به ملت ها و پادشاهان آنان و قوم اسرائیل اعلام نماید» (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱۵).

یکی از شخصیت های مرکزی عهد جدید پولس که قبلا سولس نام داشت بود. پولس برای کلیسای اولیه مسیحی همان بود که موسی برای بنی اسرائیل بود. تفاوت این بود که در حالی که موسی قوم خدا را از غیر یهودیان جدا نمود تا بنی اسرائیل قادر به انجام اراده خدا باشند، پولس کلام خدا را از اسرائیل برای غیر یهودیان برد تا آن ها بتوانند همان کار را که انجام اراده خداست تحقق ببخشند.

در مورد پولس بیشتر از هر مسیحی قرن اول اطلاعات وجود دارد. از او به ویژه برای کمک های قابل توجه اش برای تبشیر فوق العاده مسیحیان در ۲۰۰۰ سال گذشته یاد می شود. ملاقات های تبشیری او و فعالیت هایش برای ملت های ساکن در اطراف دریای مدیترانه، نمونه قدرتمندی از یک مبشر مسیحی را به وجود می آورد.

اعتلا دادن احکام اصلی و تمیز آن ها از فرهنگ یهود که در آن قوانین مدنی تشریفاتی و اخلاقی چنان در بافت زندگی یهود آمیخته بودند که به زحمت تفاوتی بین عادات یهود و آنچه که فکر می کردند پیام جاودانی خدا به ملت ها است وجود داشت.

این هفته برای اولین بار نگاهی خواهیم انداخت به کسی که - به غیر از خود عیسی - مهمترین شخصیت عهد جدید بود.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۲ سپتامبر آماده شوید.

سولس طرسوسی

سولس در طرسوس، که شهری مهم واقع در راه تجاری بین سوریه و آسیای غربی بود، به دنیا آمد (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳). طرسوس مرکز چند فرهنگی صنعت و دانش و میزبان کوتاه مدت معروف ترین سخنران و سناتور روم، سیسرون بود.

پدر و مادر سولس از یهودیان خارج از وطن (یهودیانی که در سرزمین اسرائیل زندگی نمی‌کردند) از قبیله بنیامین بودند. زمانی که متولد شد نامش سولس بود (به یونانی به معنی خواسته شده از خدا) اما پس از شروع مأموریتش برای غیر یهودیان (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۹)، نام خود را به پولس (نامی یک خانواده مشهور رومی) تغییر داد. همچنین از آنجایی که پولس یک فریسی بود، احتمالاً همسر داشت که البته ما چیزی از این موضوع نمی‌دانیم. در حقیقت، ما به طور کل از خانواده او چیز زیادی نمی‌دانیم، اگرچه به خواهر و برادرزاده‌اش اشاره شده است (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۱۶). پولس همچنین تبعیت رومی را داشت (اعمال رسولان باب ۲۲ آیات ۲۵ تا ۲۸).

سولس احتمالاً تا ۱۲ سالگی در مدرسه کنیسه شهر طرسوس تحصیل کرد و پس از آن در اورشلیم در مدرسه خاخی زیر نظر خاخم مشهور گملیل به تحصیل ادامه داد (اعمال رسولان باب ۲۲ آیه ۳). او مانند تمام مردان یهودی یک حرفه آموخت - که در مورد او چادر دوزی بود (اعمال رسولان باب ۱۸ آیه ۳).

همانطور که قبلاً اشاره شد، پولس یک فریسی بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۵). فریسیان (به معنای جدا شده‌ها) به اصرار بر اطاعت از همه قوانین خدا، هم آن‌هایی که در کتاب موسی نوشته شده و هم آن‌هایی که نسل در نسل شفاهی توسط کاتب‌ها بیان شده بودند، لازم الاجرا و معروف بودند. میهن‌پرستی جدی و اطاعت دقیق از قوانین یهودی می‌توانست آن‌ها را در نظر دیگر یهودیان ریاکار و ایرادگیر نشان دهد. با این وجود پولس فریسی بودن خود و پدرش را پنهان نکرد (اعمال رسولان باب ۲۳ آیه ۶).

زمینه فریسی پولس عنصر موثری در موفقیت ماموریت بشارتی او برای یهودیان و غیر یهودیان بود. به همین دلیل او دارای دانش دقیق از عهد قدیم یعنی تنها نوشته موجود برای مسیحیان نخستین بود. او همچنین آشنایی با ضمیمه نویسی و توسعه قوانین عهد قدیم توسط کاتب‌ها داشت. در نتیجه او رسولی بود که بهترین شرایط برای تمیز دادن بین مطلق‌های الهی بر پایه کتاب مقدس که محدودیت زمانی ندارند از یک طرف و موارد اضافه شده فرهنگ یهودی از سوی دیگر را داشت که لازم الاجرا نبودند و پیروان غیر یهود مسیح می‌توانستند آن‌ها را نادیده بگیرند. همانطور که دیدیم، این موضوع به بخش بسیار مهمی در زندگی کلیسای اولیه تبدیل شد. امروزه نیز نقش فرهنگ در کلیسا با اهمیت باقی مانده است.

کدام یک از باورهای مسیحی ما بیشترین تضاد را با فرهنگ اطرافمان دارد؟ شما چگونه بدون به خطر انداختن آنچه نباید به خطر انداخت، با این تضاد برخورد می‌کنید؟

پولس، آن انسان

صفات شخصیتی عکس‌العمل معمول فرد به شرایط خانگی، فرهنگی یا آموزشی اطراف است. سیرت ترکیبی از صفات، قابلیت‌ها و توانایی‌هایی است که یک فرد را تشکیل می‌دهد.

اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱، فیلیپیان باب ۳ آیات ۶ و ۸، اول قرنتیان باب ۱۵ آیات ۹ و ۱۰، اول تیموتائوس باب ۱ آیه ۱۶، غلاطیان باب ۱ آیه ۱۴ و دوم قرنتیان باب ۱۱ آیات ۲۳ تا ۳۳ را بخوانید. این آیات درباره شخصیت و سیرت پولس به ما چه می‌گویند؟

پولس به وضوح مردی با اعتقادی بزرگ و با غیرت بود. پیش از تجربه تولد تازه خود از غیرت خود برای آزار کلیسای اولیه استفاده نمود. او از سنگسار شدن استفان حمایت نمود (اعمال رسولان باب ۷ آیه ۵۸)، در زندانی کردن زنان و مردان مسیحی پیش قدم شد (اعمال رسولان باب ۸ آیه ۳)، حواریون را تهدید به مرگ نمود (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۱) و یورش به مسیحیان در کشور بیگانه سازماندهی کرد (اعمال رسولان باب ۹ آیه ۲، غلاطیان باب ۱ آیه ۱۳).

در همان حال، می‌توانیم ببینیم که با وجود سختی‌ها و چالش‌های باورنکردنی، چگونه غیرت و شوق او با وقف نمودن زندگی‌اش برای انتشار مژده انجیل برای خیر بکار گرفته شد. تنها فردی که خود را کاملاً به باورهایش تسلیم کرده است، می‌توانست کاری که او کرد را انجام دهد. و اگر چه او همه چیزش را برای مسیح از دست داد، اما آن‌ها را زیاده که در یونانی به معنی بی‌استفاده و آشغال است، خواند. پولس متوجه شد چه چیزی در زندگی اهمیت دارد و چه چیزی بی‌اهمیت است.

پولس انسانی فروتن نیز بود. شکی نیست که تا حدی به خاطر گناه آزار و اذیت پیشینش نسبت به مسیحیان، خود را شایسته فراخوانی بزرگش نمی‌دانست. و همچنین او به عنوان کسی که عدالت مسیح را به عنوان تنها امید نجات ما موعظه می‌کرد، می‌دانست که در مقایسه با خدای مقدس چقدر گناهکار بود و چنین دانشی بیش از اندازه برای فروتن نگه داشتن، تسلیم شدن و سپاسگزار بودن او کافی بود.

”یک پرتو از جلال خدا، ذره ای از پاکی مسیح که وارد روح شود، باعث آشکار شدن دردناک معایب و نقص سیرت می‌گردد. تمایلات نامقدس، بی‌وفایی قلب و ناپاکی لبها را ظاهر می‌سازد.“ – الن جی. هوایت (Ellen G. White), Steps to Christ, p 29

هیچکدام از ما مصون از غرور نیستیم. تمرکز کردن بر روی صلیب و مفهوم آن چگونه می‌تواند علاج افراد از این گناه شود؟

از سولس تا پولس

آیات ۱ تا ۲۲ باب ۹ اعمال رسولان، داستان ایمان آوردن پولس را بخوانید. این تجربه چگونه با ماموریت فراخوانده شدن او ارتباط داشت؟ آیات ۱۶ تا ۱۸ باب ۲۶ اعمال رسولان را نیز ببینید.

درست از ابتدا مشخص بود که خداوند در نظر داشت از پولس برای بشارت به یهودیان و غیر یهودیان استفاده کند. هیچ رویداد دیگری در آماده سازی پولس به عنوان مبلغ و عالم الهیات در مقایسه با ایمان آوردن او دارای اهمیت نبود؛ در حقیقت، او اغلب در شهادت دادن هایش از این تجربه سخن می‌گفت.

”بلند شو و روی پای خود بایست. من به تو ظاهر شدم تا تو را به خدمت خود منصوب کنم. تو باید درباره آنچه امروز دیده ای و آنچه در آینده خواهی دید شهادت دهی“ (اعمال رسولان باب ۲۶ آیه ۱۶). پولس نمی توانست درباره آنچه که نمی دانست موعظه کند یا تعلیم دهد. خیر، در عوض او بر اساس تجربیات خویش و دانش‌اش از خداوند که همه هماهنگ با کلام خدا بود، موعظه می‌کرد و تعلیم می داد. (رومیان باب ۱ آیات ۱ و ۲ را ببینید).

آیه ۱۸ از باب ۲۶ از اعمال رسولان را بخوانید. نتیجه کار پولس چه می توانست باشد؟

از این آیات ما می توانیم ۵ نتیجه موثق درباره کار تبشیری ببینیم:

۱- باز گشودن چشم های مردم. واقعی، حاضر، فعال و جذاب ساختن خدا و عیسی.

۲- انتقال از تاریکی به روشنایی و نادانی به دانایی - یک موضوع هسته‌ئی انجیل. (لوقا باب ۱ آیات ۷۸ و ۷۹ را ببینید).

۳- برگشتن از قدرت شیطان به قدرت خدا.

۴- بخشیده شدن گناهان. مشکل گناه راه حلی دارد. این پیام زنده، شفا دهنده و اساسی مسیحیان است.

۵- دریافت جایگاهی در میان مقدسان؛ یعنی عضویت در کلیسای خدا بدون در نظر گرفتن نژاد، جنسیت یا ملیت.

اگر کسی از شما می پرسید، خود شما چه تجربه ای با عیسی دارید، درباره او چه می توانید بگویید؟ چه پاسخی خواهید داد؟

۹ سپتامبر

چهارشنبه

پولس در میدان مأموریت

”من سراسر اورشلیم را تا «الیریکوم» پیموده ام و انجیل مسیح را همه جا منتشر کرده ام“ (رومیان باب ۱۵ آیه ۱۹). چه عناصر مهمی برای هر نوع فعالیت بشارتی می توانیم در این آیات بیابیم؟ اول قرن‌تین باب ۱ آیه ۲۳، باب ۲ آیه ۲، غلاطیان باب ۶ آیه ۱۴، فیلیپیان باب ۱ آیات ۱۵ تا ۱۸ را نیز ببینید.

یک چیز درباره تمام فعالیت های بشارتی پولس قطعی است: صرفنظر از اینکه کجا می رفت، موعظه کردن درباره مسیح و به صلیب کشیده شدن او مرکزیت پیامش بود. او با انجام این کار به فراخوانی عیسی که باید از او موعظه می کرد، وفادار بود. پیام برای مأموریت های امروزه آشکار است: ما درباره هر چه موعظه کرده و تعلیم می دهیم (و به عنوان ادونتیستهای روز هفتم چیز های زیادی به ما داده شده است که باید با جهانیان به اشتراک بگذاریم)، باید مسیح و مصلوب شدنش را در رأس و مرکز مأموریت بشارتی خود قرار دهیم.

هرچند پولس درباره عیسی تنها به عنوان حقیقتی عینی موعظه نمی کرد براه خود ادامه می داد. بنیان گذاری کلیسا ها، راه اندازی جوامع مسیحی در مناطق مختلف جهان، اساس خدمت او بود. در حقیقی ترین مفهوم، وظیفه او بوجود آوردن کلیساهایی جدید بود.

عنصر دیگری در وظیفه بشارتی پولس وجود داشت.

آیه ۲۸ باب ۱ کولسیان را بخوانید. آنچه پولس می‌گوید به چه مفهوم است؟ یعنی آیا این بشارت دادن است یا شاگرد سازی؟

اگر کسی بسیاری از رساله های پولس را بخواند به وضوح در می‌یابد که آن‌ها اغلب بشارتی نیستند یا دست کم نه به آن معنا که ما می‌شناسیم یعنی بشارت دادن به افرادی که عضو کلیسا نبودند. در مقابل بسیاری از نامه‌ها برای بنیان گذاری جوامع کلیسایی نوشته شده بودند. به عبارت دیگر در کارهای بشارتی پولس مراقبت‌های شبانی، تهذیب و پرورش کلیسا وجود داشت.

بنابراین می‌توانیم دست کم سه عنصر اساسی در فعالیت‌های پولس بینیم: شناساندن عیسی، بنیان گذاری کلیساهای جدید و پرورش کلیساهای موجود.

به آخرین باری که برای کسی شهادت دادید بیانیدشید. عیسی چگونه در مرکزیت آنچه که گفتید وجود داشت؟ چگونه می‌توانید مطمئن باشید که او همیشه در مرکز باقی می‌ماند؟

۳ سپتامبر

پنجشنبه

ماموریت و تعدد فرهنگی

برای بسیاری از مردم باستان تنها دو دسته انسان وجود داشت- ما و آنها، قبیله ما و یا قبیله دیگر. برای یونانیان تمام غیر یونانی‌ها وحشی بودند. برای یهودیان همه غیر یهودی‌ها بیگانه محسوب می‌شدند.

همان‌طور که تاکنون دیده‌ایم موفقیت ماموریت برای غیر یهودیان کلیسای اولیه را مجبور ساخت تا با موضوع تفکیک یهودی و غیر یهودی را بررسی کند. پرسش اصلی این بود که آیا یک غیر یهودی می‌توانست بی‌آنکه نخست یهودی شود، مسیحی گردد.

آیات ۱ تا ۱۷ باب ۲ غلاطیان را بخوانید. در این جا چه اتفاقی رخ می‌دهد و این روایت چگونه در نوع خود چالش چند فرهنگی در ماموریت و بشارت دادن را به تصویر می‌کشد؟

”هنگامی که پطرس بعدها به انتاکیه سفر کرد موفق به کسب اعتماد بسیاری بواسطه رفتار محطاطانه‌اش نسبت به ایمان آوردگان غیر یهودی شد. برای زمانی او مطابق با نوری که از آسمان به او داده شده بود عمل کرد. او تا این مرحله بر تعصب طبیعی خود غلبه کرده و با ایمانداران غیر یهودی بر سر یک میز می نشست. اما زمانی که بعضی از یهودیان که بر سر قانون تشریفات تعصب داشتند از اورشلیم آمدند، پطرس غیر عاقلانه رفتار خود را نسبت به آن ایمانداران تغییر داد ... این آشکار شدن ضعف از طرف رهبران مورد اعتماد و محبت، دردناکترین تاثیر را بر فکر غیر یهودیان ایمان آورده گذاشت. کلیسا تهدید به تقسیم شدن می شد.“ - الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 197, 198).

پولس در این مورد با پطرس مقابله کرد و قدمی استوار برداشت که می توانست امروزه کلیسای چند فرهنگی نامیده شود. ایمانداران غیر یهودی او برای ایمان آوردن به مسیح نیازی به یهودی شدن نداشتند. پیش زمینه پیچیده پولس به عنوان یک فریسی مومن، شاگرد خاخام گملیل، با تبعیت رومی، اصول گرای آزار دهنده و در نهایت ایمان آورده و رسول عیسی مسیح، او را کاملاً واجد شرایط برای تشخیص اصول مطلق و ابدی و تغییر ناپذیر خدا از یک سو و اصطلاحات موقت فرهنگی و دینی از سوی دیگر.

چگونه معیارهای اساسی ایمان را از اولویت های کاملاً فرهنگی اجتماعی و حتی شخصی تفکیک می کنید؟

مطالعه بیشتر: ”همچنین در میان افراد ضعیف مثل آنها ضعیف شدم تا بوسیله من آنها به مسیح ایمان آورند. در واقع با همه هم‌رنگ شده ام تا به هر نحوی وسیله نجات آنها بشوم. ۲۳ همه این کارها را بخاطر انجیل انجام می دهم تا در برکات آن سهیم گردم“ (اول قرن‌تین باب ۹ آیات ۲۲ و ۲۳).

آیات ۱۹ تا ۲۳ باب ۹ اول قرن‌تین را بخوانید. تطابق دادن به فرهنگ اصطلاح روش بشارت است که به روش پولس در اینجا اطلاق شده. تطابق دادن به فرهنگ به عنوان تلاش برای اشتراک گذاشتن انجیل در کلام و رفتار است و بر پایه کلیسا به روش هایی که برای

افراد در همان زمینه فرهنگی مفهومی داشته باشد و مسیحیت را به نحوی ارائه می‌دهد که احتیاجات عمیق آن‌ها را برآورده کرده و به نظریه آن‌ها درباره دنیا رسوخ نموده و اجازه می‌دهد درحالی که از مسیح پیروی می‌کنند، در فرهنگ خود باقی بمانند.“ – دل ال. هوایتمن

Darrell L. Whiteman, “Contextualization: The Theory, the Gap, the Challenge,” International Bulletin of Missionary Research, vol. 21 (January, 1997), p. 2.

”مسیحیان یهودی که در نزدیکی معبد زندگی می‌کردند به طور طبیعی به یهودیان به چشم یک ملت نگاه می‌کردند که از امتیازات خاصی برخوردار بودند. هنگامی که دیدند کلیسای مسیحی از سنت‌ها و مراسم یهودی جدا شده و متوجه شدند که تقدیس عجیب و غریبی که آداب و رسوم یهودیان با آن پایه گذاری شده بود، خیلی زود در پرتو ایمان جدید ناپدید خواهد شد، بسیاری از پولس به عنوان کسی که به حد زیادی باعث این تغییر شده بود، خشمگین شدند. حتی حواریون نیز همگی آماده پذیرفتن تصمیم شوری نبودند. برخی از آن‌ها نسبت به قانون تشریفات متعصب بودند و با پولس با بی‌التفاتی رفتار می‌کردند زیرا می‌اندیشیدند که اصول مورد نظر او با قوانین یهود مطابقت ندارد.“ – ال. جی. هوایت

Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 197.

سوالاتی برای بحث

۱- آیه ۲۰ از باب ۹ اول قرن‌تین را بخوانید. چه درس‌هایی می‌توانیم از این آیات بیاموزیم که به ما در درک و تعریف اینکه ما چگونه مأموریت را با تطابق دادن به فرهنگ انجام می‌دهیم و یا حتی چگونه بشارت و شهادت شخصی می‌دهیم؟

۲- علیرغم گذشته گناه‌آلود و شرم‌آور پولس، خدا او را بخشید و از او به روشی قدرتمند استفاده نمود. ما چگونه می‌توانیم خود را برای آن چه که ممکن است انجام داده باشیم ببخشیم و عدالت مسیح را برای خود مدعی بوده و به دنبال راهی برای خدمت به او باشیم؟

پولس: مأموریت و پیام

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: قرن‌تین اول باب ۱ آیات ۲۲ تا ۲۴، تیموتائوس اول باب ۶ آیه ۱۲، تیموتائوس دوم باب ۴ آیه ۷، قرن‌تین اول باب ۱۵ آیات ۱۲ تا ۲۲، اعمال رسولان باب ۱۵ آیات ۳۸ تا ۴۱.

آیه حفظی: ”ای برادران، من ادعا نمی‌کنم که تا بحال آنرا بچنگ آورده‌ام، ولی تنها کار من این است که آنچه را در پشت سر من قرار دارد فراموش کنم و برای رسیدن به آنچه در پیش است بکوشم. مستقیماً به طرف هدف می‌دوم تا جایزه‌ای را که شامل دعوت خدا به یک زندگی آسمانی بوسیله عیسی مسیح است، بدست آورم“ (فیلیپیان باب ۳ آیات ۱۳ و ۱۴).

پولس متکی بر پیام‌های نبوی عهد قدیم و تاریخ یهودیت و زندگی و تعلیمات عیسی، مفهوم مسیحی تاریخ نجات را توسعه داد که همه زندگی، مرگ و رستاخیز مسیح را در مرکز خود داشت. بدلیل این زمینه فرهنگی در جامعه یهودیت و یونانی و رومی، پولس بینش کافی برای خارج کردن انجیل از اصول، مراسم و شیوه‌های اخلاقی عبرانی و زندگی یهودی و هم سطح کردن آن با جهان چند فرهنگی بدست آورد.

۱۳ نامه پولس به ایمانداران، باور را به زندگیشان بخشید. او در هر دو زمینه عملی و اعتقادی مؤثر بود. او مسیحیان را در مورد مسائل شخصی و زندگی کلیساییشان راهنمایی، تشویق و نصیحت نمود. با این وجود در همه نامه‌هایش، موضوع اصلی ”عیسی مسیح مصلوب شده“ بود (قرن‌تین اول باب ۲ آیه ۲).

پولس تنها برای آن نامه‌ها شناخته شده نبود. او همچنین به عنوان بهترین فرد در خدمت رسالتی و شهادت دادن از سوریه تا ایتالیا و شاید حتی اسپانیا شناخته شد.

در این هفته ما نگاهی به پیام و مأموریت پولس خواهیم انداخت.

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۱۹ سپتامبر آماده شوید.

یونانیان و یهودیان

آیات ۲۲ تا ۲۴ باب ۱ قرنطیان اول را بخوانید. این آیات چگونه به ما در درک روش‌های متفاوتی که افراد با حقیقت در ارتباط هستند، کمک می‌کنند؟ چه چیزی در اینجا می‌توانیم بیاموزیم که به ما در شهادت دادن هایمان به گروه‌های مختلف کمک می‌کند؟

در خروج بنی‌اسرائیل از بردگی در مصر، نشانه‌های فوق‌العاده مراقبت خدا برای ایشان وجود داشت. نسل‌های بعدی یهود این انتظار را توسعه دادند که هر نبی جدیدی که از سوی خدا بیاید، باید دارای نشانه‌ها، شگفتی و معجزه باشند.

در مقابل، یونانیان مطابق با میراث فلسفی و علمی خود، به دنبال اصلی ریشه‌ای برای باورشان بودند؛ چیزی که نیاز عقل بشر را راضی کند.

پولس میراث فرهنگی و روحانی مردم مورد هدف خویش را نادیده نگرفت و بلکه از آن‌ها به عنوان نقطه شروعی برای اعلام مژده مسیح مصلوب استفاده نمود. کسانی که به نشانه‌ها علاقه داشتند، آن‌ها را در زندگی و مأموریت عیسی و کلیسای اولیه یافتند. آنانی که به دنبال ظرافت منطقی و عقلانیت بودند، آن را در استدلال‌های پولس از پیام انجیل پیدا کردند. در نهایت هر دو گروه افراد تنها یک نیاز داشتند و آن شناخت مسیح قیام کرده و "قدرت رستخیزش" بود (فیلیپیان باب ۳ آیه ۱۰). پولس چه خوب این دانش را با استفاده از میراث خود ایشان، برایشان فراهم ساخت.

هنگامی که پولس برای مخاطبان یهودی موعظه کرد، موعظه‌اش بر پایه تاریخ اسرائیل بود که عیسی را به داود مربوط می‌ساخت و بر پیشگویی‌های عهد عتیق درباره مسیح و مصلوب شدن و رستخیزش تاکید می‌نمود (اعمال رسولان باب ۱۳ آیات ۱۶ تا ۴۱). به این معنی که او با آنچه برای آنها آشنا و مورد احترام بود و آن را باور داشتند، شروع کرد و از آن نقطه شروع به دنبال جذب ایشان به مسیح بود.

پیام پولس برا غیر یهودیان شامل خدا به عنوان خالق، حامی و قاضی؛ ورود گناه به جهان و نجات بواسطه عیسی مسیح بود (اعمال رسولان باب ۱۴ آیات ۱۵ تا ۱۷، باب ۱۷ آیات ۲۲ تا ۳۱). پولس می‌بایست به گونه‌ای متفاوت از آنچه برای یهودیان گفت، برای این مردم سخنانش را شروع کند (و یا غیر یهودیانی که به یهودیت ایمان داشتند). در اینجا نیز هدف او جذب ایشان به عیسی بود.

به خودتان بیاندیشید. بر چه اساسی ایمان آوردید؟ چطور دلایل شما ممکن است نسبت به دلایل دیگران متفاوت باشند و چرا تشخیص این تفاوت ها مهم است؟

سربازان و ورزشکاران

پولس به عنوان یک عامل ارتباط ماهر در مأموریتش از موارد آشنا و مأنوس برای توضیح مسائل نامأنوس استفاده کرد. او از ویژگی‌های روزانه جامعه یونانی-رومی برای نمایش دادن واقعیت عملی زندگی جدید در مسیح استفاده نمود. او مخصوصاً از دو زمینه جهان ایمان آورانش برای استعاره‌های تعلیمش بهره برد - ورزشکاران و بازی‌هایشان و سربازان همیشه حاضر رومی.

علاقه به دستاوردهای ورزشی گریبانگیر جهان زمان پولس شده بود، درست مانند امروزه ما. یونانیان باستان عشق خود را به رقابت با ننگ داشتن کمتر از چهار دوره جداگانه ای از مسابقات المپیک واقع در نقاط مختلف یونان در طول قرن‌ها نشان دادند. رومیان رقابت های ورزشی را به ارث برده و آن را توسعه دادند. مسابقات پیاده روی جز پر طرفدارترین آن‌ها بودند و شامل مسابقه مردانی که زره جنگی به تن داشتند بود. کشتی نیز مورد پسند بود. ورزشکاران با پشتکاری قابل ملاحظه آموزش می‌دیدند و برندگان جوایز نفیسی دریافت می‌کردند. قومیت، ملیت و طبقه اجتماعی اهمیت کمی داشت زیرا هدف نحوه اجرا و پایداری بود.

خوانندگان نوشته های پولس چه درس‌های کلیدی درباره زندگی مسیحی از آیات زیر می‌توانستند بیاموزند؟ قرن‌تین اول باب ۹ آیات ۲۴ تا ۲۷، غلاطیان باب ۵ آیه ۷، تیموتائوس اول باب ۶ آیه ۱۲، تیموتائوس دوم باب ۲ آیه ۵.

از زمان ماریوس، امپراتورهای روم سربازان موقت حرفه‌ای را با جنگجویان تمام وقت جایگزین نموده و آن‌ها را در سراسر امپراتوری روم مستقر کردند و زره و سلاح‌های ایشان را مطابق استاندارد و مدرنیزه نمودند. در زمان پولس، سربازها از گروه‌های قومی و

ملیتی مختلفی استخدام می‌شدند، حتی اگر شهروند روم نبودند. در مقابل، پادشاه در آخر دوره خدمت وفاداری کامل خود را به امپراتور وقت سوگند خوردند که در زمان جنگ شخصاً آن‌ها را در جنگ رهبری می‌کرد.

در آیات زیر، پولس چه مقایسه‌ای بین سربازان و زندگی مسیحی انجام داده است؟ قرنتیان دوم باب ۱۰ آیات ۴ و ۵، افسسیان باب ۶ آیات ۱۰ تا ۱۸، تیموتائوس اول باب ۶ آیه ۱۲، تیموتائوس دوم باب ۲ آیات ۳ و ۴.

احتمالاً در آخرین نامه‌اش، پولس سربازی و ورزشکاری را از دید به زندگی خودش به عنوان مبشر مسیحی بکار برد: ”به جنگ نیکو جنگ کرده‌ام و دوره خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته‌ام“ (تیموتائوس دوم باب ۴ آیه ۷).

به چه روش‌هایی ایمان یک نبرد و به چه روش‌هایی یک مسابقه است؟ شما چگونه واقعیت هر دو استعاره را در زندگی مسیحی خود تجربه کرده‌اید؟ کدام استعاره به بهترین شکل تجربه خودتان را بیان می‌کند و چرا؟

پولس و قانون

”پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت را استوار می‌داریم“ (رومیان باب ۳ آیه ۳۱). در اینجا پولس درباره چه شریعتی سخن می‌گوید؟

در ترجمه‌های انگلیسی نامه‌های پولس، واژه شریعت حدود ۱۳۰ بار و در رساله‌ی اعمال رسولان در حدود ۲۰ بار آمده است. پولس تلاش نمود تا شنوندگان و خوانندگانش را گذشته از زمینه فرهنگی‌شان، بفهماند که ”شریعت“ بویژه برای یهودیان دارای معانی مختلفی است. قوانینی از جمله ده فرمان برای همه مردم در هر زمان الزامی هستند. اما پولس انواع دیگر احکام در عهد قدیم و فرهنگ یهودی را برای مسیحیان اجباری نمی‌دانست.

این رسول در نوشته‌هایش از واژه قانون در اشاره به قوانین مراسم مذهبی، قانون مدنی، قوانین سلامتی و قوانین تطهیر به طور گسترده ای استفاده کرده است. او درباره "تحت شریعت" (رومیان باب ۳ آیه ۱۹) بودن و "از شریعت آزاد شدن" (رومیان باب ۷ آیه ۶) نوشت. او یک "شریعت گناه" (رومیان باب ۷ آیه ۲۵) و همچنین "شریعت مقدس" (رومیان باب ۷ آیه ۱۲) را تشریح نمود. او به "شریعت موسی" (قرنطیان اول باب ۹ آیه ۹) و همچنین به "شریعت خدا" (رومیان باب ۷ آیه ۲۵) اشاره نمود. اگرچه ممکن است این آیات برای غیر یهودیان پیچیده به نظر آیند اما ایمانداران یهودی که در فرهنگ عبرانی رشد کردند، می‌توانستند درک کنند کدام قانون مد نظر بود.

رومیان باب ۱۳ آیات ۸ تا ۱۰، رومیان باب ۲ آیات ۲۱ تا ۲۴، قرنطیان اول باب ۷ آیه ۱۹، افسسیان باب ۴ آیات ۲۵ و ۲۸، باب ۵ آیه ۳، باب ۶ آیه ۲ را بخوانید. این آیات چگونه به ما در درک اینکه قانون اخلاقی خدا یعنی ده فرمان بر روی صلیب از بین نرفت، کمک می‌کنند؟

پولس متوجه شده که قوانین تشریفاتی با شرح چگونگی نزدیک شدن فرد به خدا از طریق کاهن‌ها، معبد عبرانی و قربانی کردن‌ها بعد از مصلوب شدن عیسی اعتبار خود را از دست دادند. آن‌ها در زمان خود با هدف درستی انجام شدند و دیگر به آن‌ها نیازی نبود. (این نکته بعد از نابودی معبد بیشتر آشکار شد.)

با بیان قوانین اخلاقی در ده فرمان امر متفاوت است. پولس در نامه‌هایش برخی از ده فرمان را بیان نموده و از بقیه به عنوان مطالبات اخلاقی جهانی همه مردم چه یهود و چه غیر یهود یاد می‌کند. پولس که بر ضد گناه نوشته است، به هیچ وجه امکان ندارد قانونی را که گناه را شرح می‌دهد تضعیف کرده باشد. درست مانند این است که به کسی بگویید ه از سرعت مجاز سریعتر رانندگی نکند درحالی که به او می‌گویید که تابلوهای سرعت مجاز دیگر اعتباری ندارند.

صلیب و رستاخیز

"زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب" (قرنطیان اول باب ۲ آیه ۲).

شکی نیست که صلیب مسیح محور زندگی و تعالیم پولس بود. اما پولس صلیب را در خلائی تعالیم نداد بلکه در عوض در زمینه تعالیم دیگر نیز تعالیم داد؛ و یکی از آن‌ها و شاید یکی از پیچیده‌ترین آن‌ها که با صلیب مرتبط است، رستاخیز بود که بدون صلیب کاملاً بی ارزش می‌بود.

آیات ۱۲ تا ۲۲ باب ۱۵ قرنتیان اول را بخوانید. این آیات چه چیزی بیان می‌کنند که نشان دهنده اهمیت زیاد مرگ و رستاخیز عیسی در انجیل هستند؟ چرا درک صحیحی از مرگ به عنوان خواب در مفهوم این آیات اهمیت دارد؟ به این معنی که اگر آنان که در مسیح مردند اینک در آسمان هستند، پس پولس در اینجا از چه سخن می‌گوید؟

متأسفانه اکثر سنت‌های مسیحی و همچنین غیر مسیحی به جاودان بودن روح انسان به شدت اعتقاد دارند. هرچند پولس بر خلاف ای عقیده، با تأکید تکرار نمود که:

۱- تنها خدا فنا ناپذیر است (تیموتائوس اول باب ۶ آیه ۱۶)؛

۲- فنا ناپذیری موهبتی است که از جانب خدا به نجات یافتگان داده می‌شود (تسالونیکیان اول باب ۴ آیه ۱۶)؛

۳- مرگ تا بازگشت مسیح یک خواب است (تسالونیکیان اول باب ۴ آیات ۱۳ تا ۱۵، قرنتیان اول باب ۱۵ آیات ۶ و ۱۸ و ۲۰).

عبادت در تقریباً همه ادیان شامل تعداد زیادی تعالیم نادرست بر پایه برداشت‌های اشتباه از فنا ناپذیری روح هستند. این اشتباهات شامل چیزهایی مانند تناسخ، دعا به مقدسین، ستایش ارواح اجدادی، جهنم سوزان ابدی و بسیاری از آموزه‌های عهد جدید از جمله ارتباط با ارواح و طالع بینی بر اساس نجوم سماوی هستند. درک صحیحی از آموزه‌های کتاب مقدس درباره مرگ تنها محافظ در برابر این فریب‌ها است. چه تأسف برانگیز که اکثر کسانی که بیشترین تمایل را به باور نکردن این حقیقت دارند، مسیحیان سایر فرقه‌ها می‌باشند.

یک ایماندار چشمانش را در مرگ می‌بندد بعد از آنچه که چون لحظه‌ای تاریک و ساکت است، او به زندگی ابدی در بازگشت عیسی بیدار می‌شود. حقیقت درباره شرایط مرده در زمینه سیرت خدا چه چیزی را نمایان می‌سازد؟

مدارا کردن

پولس انسانی سختکوش با شخصیتی قوی و هدفی راسخ بود. چنین افرادی می‌توانند انزوا طلب با دوستانی محدود اما تحسین‌کنندگان فراوان باشند. با وجود این، اغلب در سفرهایش دو یا سه همکار او را همراهی می‌کردند. دست کم به نام هشت نفر از این همکاران اشاره شده است (اعمال رسولان باب ۱۳ آیه ۲؛ باب ۱۵ آیات ۲۲ و ۳۷؛ باب ۱۶ آیات ۱ تا ۳؛ باب ۱۹ آیه ۲۲؛ کولسیان باب ۴ آیات ۷، ۱۰ و ۱۱؛ فیلیمون آیه ۲۴). به این‌ها باید احوالپرسی پولس با ۲۴ نفر در باب ۱۶ رومیان و به خانواده‌ها اضافه کرد.

این رسول به کار گروهی به خصوص در موقعیت‌های پیشگامانه اعتقاد داشت. اگرچه در عین حال در مواقعی با همکارانش دچار اختلاف می‌شد.

آیات ۳۸ تا ۴۱ باب ۱۵ اعمال رسولان را بخوانید. در اینجا چه اتفاقی افتاد و به ما چه چیزی درباره جنبه انسانی حتی این خدمتکاران برجسته خداوند می‌گویند؟

”در اینجا بود که مرقس تحت‌الشعاع ترس و ناامیدی، برای مدتی از هدفش یعنی با تمام وجود در خدمت خداوند بودن، متزلزل شد. او که با سختی کشیدن نامأنوس بود، از خطرات و محرومیت‌های در راهش دل‌سرد شد... این ترک خدمت باعث شد که پولس قضاوتی نامطلوب و حتی تند، درباره مرقس بکند. بارناباس از سوی دیگر تمایل داشت او را به دلیل بی‌تجربه‌گی اش ببخشد. او احساس نگرانی می‌کرد که مبادا مرقس خدمت خود را رها کند زیرا در او صلاحیت خدمتگزاری سودمند برای مسیح را می‌دید.“ – الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Acts of the Apostles, pp. 169, 170).

روایت در کتاب اعمال رسولان این را آشکار می‌کند که پولس از همراهانش انتظار داشت که در سختی‌ها و خطرات مأموریتشان استقامت به خرج دهند برای پولس همکاری تیمی چون کلیسای مینیاتور بود. او بر اهمیت تبدیل شدن به الگویی خوب یعنی نمونه‌تقلیدی مأموریت تاکید نمود. روابط با محبت و در عین حال از سر وظیفه شناسی در میان اعضای گروه به الگویی برای کلیساها که معمولاً بر پایه نظام خانواده بودند، تبدیل شد. گروه همچنین زمینه مناسبی برای آموزش بشارت دهندگان و خدمتگزاران نوپا فراهم نمود. به طور حتم زمان‌هایی همه چیز به خوبی پیش نمی‌رفت مانند موضوع یوحنا مرقس.

آیه ۱۱ باب ۴ تیموتائوس دوم را بخوانید. این آیه درباره رشد کردن و بخشیدن چه چیزی بیان می‌کند؟

ما همه اشتباه می‌کنیم. چگونه می‌توانید بیاموزید کسانی که اشتباهاتشان باعث رنجش شما شده است را ببخشید؟ و همچنین بیاندیشید به کسانی که شما با اشتباه‌هایتان رنجانده‌اید. چگونه تلاش کردید این موقعیت‌ها را بهبود ببخشید؟ و اگر هنوز این کار را نکرده‌اید، چرا هم اکنون آن را انجام ندهید؟

مطالعه بیشتر: پولس رسول با اثر پروانه ای در تئوری هرج و مرج مقایسه شده است: که "بال زدن یک پروانه در کالیفرنیا منجر به طوفانی در آسیا می‌شود." کار او به عنوان نویسنده و موعظه کننده به تغییر فرقه یهودیت در گوشه گمنام امپراتوری روم به دین جهانی کمک نمود. ایده‌های مطرح شده در ۱۳ نامه او احتمالاً تأثیر بیشتری از هر گونه ادبیات یونان باستان در اندازه قابل مقایسه گذاشته است.

سوالاتی برای بحث

۱- پولس با فرار به آتن، مرکز فکری جهان یونانی-رومی از شهادت اجتناب نمود. شهرها برای پناهندگان از جمله مسیحیان پناهگاه فراهم می‌کنند. رسول هیچ زمانی را از دست نداد؛ پس از مشاهده آثار و بناهای مذهبی شهر، او به تبادل نظر با یهودیان و موعظه در بازار پرداخت. آیات ۱۶ تا ۳۱ باب ۱۷ اعمال رسولان را بخوانید. پولس چه روشی نسبت به این مردم در پیش گرفت و این چگونه به ما در درک نیاز متناسب کردن پیام با گروه‌های مختلف مردم کمک می‌کند؟ در عین حال، دقت کنید که چگونه پولس برای جذب این افراد حقیقت را به هیچ وجه تضعیف نکرد. چگونه می‌توانیم در تلاشمان برای جذب دیگران مطمئن باشیم که باورهای اساسی را نادیده نمی‌گیریم؟

۲- چرا حالت مردگان آموزه‌ای مهم است؟ برخی از اشتباهات و تحریف‌هایی که دانستن واقعیت در مورد مردگان ما را از آن‌ها مصون می‌دارد، کدامند؟ فرهنگ خود شما چگونه برخی از باورهایی که این حقیقت می‌تواند مانع آن‌ها بشود، کدامند؟

۳- درباره موضوع نقش نشانه‌ها و منطق و برهان در زمینه ایمان بیشتر بیاندیشید. در کلاس، اجازه دهید آنانی که مایلند از چگونگی ایمان آوردن و نقش این عوامل به عنوان نشانه‌ها و غیره در تجربه‌شان چه تاثیری داشته است. همچنین، آن‌ها باید چه نقشی نه تنها در ایمان آوردن بلکه در حفظ آن ایفا کنند، صحبت کنند؟

۴- اکثریت مردم جامعه شما چگونه هستند؟ از چه زمینه‌ای هستند؟ چه نوع باورهایی بیشتر رواج دارند؟ بر اساس درک شما از باورها و زمینه آن‌ها، بدقت بیاندیشید که بهترین روش نزدیک شدن به ایشان کدامند. برخی از راه‌های آغازین که به شما اجازه می‌دهد که با آن‌ها ارتباط برقرار کنید بدون اینکه باعث رنجش آن‌ها بشوید، کدامند؟

آیا همه جهان باید بشنود؟

بعد از ظهر روز سبت

مطالعه این هفته: اعمال رسولان باب ۴ آیه ۱۲، مزامیر باب ۸۷ آیات ۴ تا ۶، یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۶، رومیان باب ۲ آیات ۱۲ تا ۱۶، یوحنا باب ۱۴ آیه ۶، رومیان باب ۱ آیه ۱۸.

آیه حفظی: "لکن در حال مکشوف شد و بوسیله کتب انبیا برحسب فرموده خدای سرمدی به جمیع امت ها بجهت اطاعت ایمان آشکارا گردید، خدای حکیم وحید را بوسیله عیسی مسیح تا ابدالابد جلال باد، آمین" (رومیان باب ۱۶ آیات ۲۵ و ۲۶).

همانطور که دیدیم، خداوند از مردم برای رساندن مژده انجیل به دیگران استفاده می‌کند. هرچند، در طی قرن‌ها میلیون‌ها نفر بدون آگاهی درباره نقشه نجات مره‌اند. واقعیت این است که اکثریت کسانی که تا کنون در این جهان زیسته‌اند، داستان رستگاری را نشنیده‌اند و یا مژده فیض خدا که در عیسی مسیح آشکار شد را نشناخته‌اند. این واقعیت دو پرسش اساسی را برمی‌انگیزد. نخست، در روز رستاخیز، خدا چگونه با این میلیون‌ها نفر که او را نشناخته‌اند برخورد خواهد کرد؟ دوم اینکه آیا برای کسانی که نقشه نجات خدا را نمی‌دانند، نجاتی آنگونه که در عیسی است برای آن‌ها وجود دارد؟

برخی پاسخ خواهند داد که تنها در مذهب مسیحیت نجات وجود دارد؛ در مقابل، دیگران بر این باورند که همه مذاهب دارای راهنمایی‌هایی به یک اندازه معتبر راجع به خدا و زندگی ابدی هستند.

در انتها، نکته بسیار مهم که باید به یاد سپرده شود این است که عیسی سیرت خدا را برای ما آشکار ساخته است و این بسیار به ما درباره محبت او نسبت به همه انسان‌ها و تمایل او برای نجات حداکثر آن‌ها، سخن می‌گوید. خدا خدای عدالت است و هر چه او تدبیر کرده است، این ندا در سراسر آسمان شنیده خواهد شد: "عدل و حق است راههای تو ای پادشاه امت ها!" (مکاشفه یوحنا باب ۱۵ آیه ۳).

* درس این هفته را مطالعه کنید تا برای روز سبت در ۲۶ سپتامبر آماده شوید.

نام دیگری زیر آسمان داده نشده

بعضی از مسیحیان بر این عقیده‌اند که تنها کسانی که مژده مسیحی را شنیده و به آن پاسخ مثبت داده‌اند، می‌توانند نجات بیابند. بعضی از مردم که "انحصارگرا" نامیده می‌شوند، همه ادیان غیر مسیحی را ساخته توسط بشر سقوط کرده می‌دانند که شورش عمدی بر ضد خدا را ابراز می‌دارند. آن‌ها به همین دلیل می‌پندارند که غیر مسیحیان شامل فیض نجات عیسی مسیح نمی‌شوند.

برخی از مسیحیان قدم پیش تر گذاشته و ادعا می‌کنند که خارج از ساختار مذهب و فرقه ایشان نجاتی وجود ندارد حتی برای سایر مسیحیان. برای آن‌ها، سایر فرقه‌ها با باورهای متفاوتشان خود را از محدوده مراقبت خدا خارج کرده و فرصتی برای ورود به ملکوت خدا ندارند. برای مثال، در سال ۱۳۰۲ پاپ بونیفاس هشتم در حکم معروف - Unam Sanctam اعلام کرد "که برای نجات کاملاً لازم است که هر انسان تحت سلطه پاپ رم باشد." بعضی از پروتستان‌ها به چیز مشابهی درباره مذهب خویش نیز اندیشیده‌اند.

آیه ۱۲ باب ۴ اعمال رسولان را بخوانید. درباره چه چیزی صحبت می‌کند و ما چگونه می‌توانیم آن را متوجه بشویم؟

کلام کتاب مقدس در اینجا کاملاً واضح است:

نجات تنها در عیسی مسیح بدست می‌آید و نه تحت هیچ نام دیگری زیر آسمان. اگرچه مهم است که مفهومی بیش از آنچه که هدف آیات است، برداشت نکنیم.

شخصی را در یک ساختمان که در حال آتش سوزی است، تصور کنید؛ پیش از اینکه بتواند فرار کند، دود بر او غلبه کرده و او بی‌هوش بر روی زمین می‌افتد. یک مأمور آتش‌نشانی او را بر روی زمین پیدا کرده، بلند کرده به بیرون جایی که عملیات پزشکی انجام می‌شود، حمل می‌کند. او به سرعت به بیمارستان انتقال داده می‌شود و چند ساعت بعد به هوش می‌آید.

نکته اینجاست که این فرد که نجات یافته بود، نمی‌داند چه کسی او را نجات داده است. به همین صورت هر کس که نجات داده شده است - چه قبل از عیسی تجسم یابد و چه پس از آن - تنها از طریق عیسی نجات خواهد یافت حتی اگر نام او و یا از نقشه نجات چیزی نشنیده باشد.

"در میان امت‌ها کسانی هستند که خدا را جاهلانه پرستش می‌کنند، کسانی که نور خدا هرگز بوسیله ابزار انسانی به ایشان نرسیده است، با این وجود آن‌ها نابود نخواهند شد. اگرچه نسبت به قانون مکتوب خدا ناآگاه بودند اما ندای او را در طبیعت شنیده‌اند و

کارهایی را که مطابق با قانون است انجام داده‌اند. کارهای ایشان شواهدی هستند مبنی بر اینکه روح القدس قلبشان را لمس کرده است و آن‌ها به عنوان فرزندان خدا شناخته شده‌اند.“ – الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Desire of Ages, p. 638).

دوشنبه

۲۱ سپتامبر

یک فرد تا چه میزان باید بداند؟

در ادامه آنچه در یکشنبه درباره‌اش گفتیم، می‌توانیم ببینیم که اگرچه تنها کار مسیح نجات را به‌مراه می‌آورد، بعضی بر این باورند که دانشی صریح از مسیح برای نجات یک فرد ضروری نیست.

این به این مفهوم نیست که در غیر از مسیح نجات وجود دارد بلکه خدا این توانایی را دارد که شایستگی کار مسیح را به هرآنکه خود تمایل دارد ببخشد. برخی اعتقاد دارند که آن‌هایی که مسیح را نمی‌شناسند و از انجیل نشنیده‌اند اما تحت تأثیر روح القدس احساس نیاز به رهایی کرده و بر اساس آن رفتار می‌کنند، نجات خواهند یافت. نقل قول از خانم الن جی. هوایت در انتهای درس روز یکشنبه به این موضوع اشاره دارد (به ایوب و ملک صادق ببینید).

آیات زیر درباره این موضوع چه اشاراتی دارند؟

مزامیر باب ۸۷ آیات ۴ تا ۶

یوحنا باب ۱۰ آیه ۱۶

اعمال رسولان باب ۱۴ آیه ۱۷

رومیان باب ۲ آیات ۱۲ تا ۱۶

”که به هر کس برحسب اعمالش جزا خواهد داد: ۷ اما به آنانی که با صبر در اعمال نیکو طالب جلال و اکرام و بقایند، حیات جاودانی را“ (رومیان باب ۲ آیات ۶ و ۷).

در اینجا به نظر می‌رسد که پولس بر این تأکید دارد که خارج از مسیحیت کسانی هستند که در نتیجه اصل ”اطاعت در زندگی“ حیات ابدی را دریافت می‌کنند. اطاعت از وجدان تا آنجا که با قانون خدا هماهنگی داشته باشد و دانستن تفاوت اساسی بین خوب و بد، در روز داوری برای آنان که هرگز از نقشه نجات نشنیده‌اند، تفاوت ایجاد خواهد کرد. این مردم با این وجود به کار روح در قلب‌های خود پاسخ می‌دهند.

با اینکه ما از دل افراد خبر نداریم، چرا باید در همه شرایط چه در قبال مسیحیان و همچنین غیر مسیحیان مراقب باشیم که درباره نجات روحشان قضاوت نکنیم؟

جهان شمولی و چندگانگی

بعضی از مردم این ایده را تعلیم می‌دهند که در نهایت خدا همه بشریت را بدون در نظر گرفتن باور و نحوه زندگیشان، نجات خواهد داد. ”جهان شمولی“ این عقیده است که همه انسان‌ها آنچنان با خدا مرتبط هستند که نجات خواهند یافت حتی اگر هرگز درباره انجیل نشنیده و آن را باور نداشته باشند. گذشته از هر چیز، آیه ۱۶ باب ۳ یوحنا می‌گوید: ”خدا جهان را اینقدر محبت نمود.“ بنابراین، بر اساس این باور اگر او نسبت به همه محبت دارد، چگونه ممکن است کسی گمراه شود بخصوص اگر این به

معنی عذاب ابدی در جهنم باشد؟ خدا چگونه می‌تواند کسی که دوست می‌دارد را در جهنم بسوزاند؟ از این رو می‌توانیم ببینیم که یک مکتب اشتباه (عذاب ابدی) به مکتب اشتباه دیگری منتهی می‌شود (جهان شمولی).

جهان‌شمولی با «چندگانگی» در ارتباط است، این عقیده که همه مذاهب به یک اندازه معتبر هستند و به یک اندازه به خدا و نجات منتهی می‌شوند. دست کم بر اساس این نظریه، هیچ مذهبی ذاتاً بهتر و یا مقدم بر مذهب دیگری نیست. یک شبان در کلیسای کالیفرنیا در وب سایت کلیسا نوشت که گروهش «باور ندارد که مسیحیت بر سایر مذاهب اولویت دارد.»

برای چندگانگی، طیف گسترده‌ای از مراسم و باورهای مذهبی، نمادها و استعاره‌ها، تفاوت صرفاً سطحی همه مذاهب هستند. برای مثال کثرت گراها به این اعتقاد دارند که اکثر ادیان بر محبت نسبت به خدا و سایر انسان‌ها به شکل یک قانون طلایی و امید برای زندگی آتی پربرکت تأکید دارند. بر طبق نظر آن‌ها هسته همه باورها یک چیز را آموزش می‌دهند؛ بنابراین، همه آن‌ها راه‌های معتبری به سوی خدا هستند و این بسیار خودبینانه و خودخواهانه است که باور مسیحی را بالاتر از سایر باورهای غیر مسیحی قرار دهیم.

کتاب مقدس درباره جهان‌شمولی و کثرت‌گرایی چه دیدگاهی دارد؟ یوحنا باب ۱۴ آیه ۶؛ مکاشفه باب ۲۰ آیه ۱۴، باب ۲۱ آیه ۸؛ دانیال باب ۱۲ آیه ۲؛ یوحنا باب ۳ آیه ۱۸؛ متی باب ۷ آیات ۱۳ و ۱۴؛ تسالونیکیان دوم باب ۲ آیه ۱۰.

شکی نیست که جهان‌شمولی و کثرت‌گرایی هر دو بر خلاف کتاب مقدس هستند. همه نجات نخواهند یافت؛ و همه باورها به نجات منتهی نمی‌شوند.

پاسخ شما به کسی که این اعتقاد را دارد که ادعای مسیحیت به عنوان تنها راه حقیقی برای نجات (یوحنا باب ۱۴ آیه ۶) را خودخواهانه و خودبینانه است، چه خواهد بود؟ پاسختان را در روز سبت در کلاس در میان بگذارید.

”زیرا عزیمت نکردم که چیزی در میان شما دانسته باشم جز عیسی مسیح و او را مصلوب“ (یوحنا باب ۳ آیه ۱۷). چه امید بزرگی در این آیه برای بشریت وجود دارد؟ ما چگونه می‌توانیم این حقیقت بسیار مهم را به خود اختصاص دهیم؟ چگونه می‌توانیم از آن برای انگیزه یافتن در بشارت دادن به دیگران استفاده کنیم؟

برطبق کتاب مقدس، ما همه گناهکاریم (رومیان باب ۳ آیه ۲۳) و خدا تمایل دارد که همه توبه کرده (اعمال رسولان باب ۱۷ آیه ۳۰، باب ۲۶ آیه ۲۰؛ پطرس دوم باب ۳ آیه ۹) و نجات یابند (تیموتائوس اول باب ۲ آیه ۴). از باغ عدن به بعد، هدف خدا نجات بشریت از نابودی و مرگ ابدی که گناه و شورش برایشان بوجود آورده، بود. چه مدرکی بیشتر از صلیب نیاز داریم که محبت خدا به ما و تمایلش به نجات ما را نشان دهد؟

با این وجود، کتاب مقدس به وضوح می‌گوید که خدا کسانی را که بر ضد او شورش می‌کنند، نجات نخواهد داد.

پیدایش باب ۶ آیات ۱۱ تا ۱۳، رومیان باب ۱ آیه ۸، تسالونیکیان دوم باب ۲ آیه ۱۲، مکاشفه یوحنا باب ۲۱ آیه ۸ و باب ۲۲ آیه ۱۵ را بخوانید. چه هشدارهای مهمی در این آیات وجود دارد؟

خدا همه مردم را دوست دارد، اما همه مردم گناهکارند و نیازمند فیض هستند و این فیض در عیسی آشکار شده است. او اعضای کلیسایش را فراخوانده است تا خبر خوش این فیض را به جهان برسانند.

”کلیسا عامل منتخب خدا برای نجات بشریت است. برای خدمت برنامه ریزی شده است و مأموریت آن رساندن مژده انجیل به جهانیان است. از ابتدا این نقشه خدا بوده است که از طریق کلیسایش، پرتو و کفایت او به جهانیان تابیده شود. اعضای کلیسا، آنانی که از تاریکی به روشنایی حیرت‌انگیز فراخوانده شده‌اند، باید برای نشان دادن جلال او پیشقدم شوند. کلیسا مخزن ثروت فیض مسیح است؛ و در نهایت جلوه محبت خدا از طریق کلیسا حتی به بزرگان و قدرتهای مکان‌های آسمانی ظاهر خواهد شد. افسسیان باب ۳ آیه ۱۰.“ – الن جی. هوایت، (Ellen G. White, The Acts of the Apostles, p. 9).

به چه روش‌هایی شما شخصاً (نه شبان، نه شیخ کلیسا، بلکه شما) می‌توانید بهتر ”نشان دادن جلال خدا“ را به جهان در حال انحطاط بیاموزید؟ به منظور انجام این کار، چه چیزی باید در زندگیتان تغییر دهید؟

فراخواندگی به مأموریت

”ضعفا را ضعیف شدم تا ضعفا را سود برم؛ همه کس را همه چیز گردیدم تا به هر نوعی بعضی را برهانم. اما همه کار را بجهت انجیل می‌کنم تا در آن شریک گردم“ (قرنتیان اول باب ۹ آیات ۲۲ و ۲۳). پولس به چه اصول مهمی در اینجا اشاره می‌کند و ما چگونه می‌توانیم این دیدگاه را در زندگی خودمان بازتاب دهیم؟

خداوند مأموریت‌ها در حکمتش انتخاب کرد از طریق انسان‌ها پیام بخشش و نجات را به جهان برساند. خدا مردان و زنان را بی‌توجه به ضعف‌هایشان انتخاب نمود تا با روح‌القدس و فرشتگان همکاری کنند. اسرائیل قرار بود ”نور“ پایدار خدا در زمان عهد عتیق باشد، اما آن‌ها اغلب این نورشان را ”زیر سرپوش“ می‌گذاشتند (متی باب ۵ آیه ۱۵). بسیار از مواقع، برکاتی که دریافت می‌کردند در داخل اسرائیل نگهداری می‌شد. در عوض تقسیم کردنشان، آن‌ها به منظور جلوگیری از ”آلوده شدن“ خود را از سایر ملت‌ها جدا ساختند.

نقشه بعدی خدا برای مأموریت جهان فراخواندن روش نمک بود - رفتن و ”شاگرد تربیت کردن“ (متی باب ۲۸ آیه ۱۹؛ مرقس باب ۱۶ آیات ۱۵ و ۲۰؛ اعمال رسولان باب ۱ آیه ۸). تاریخچه مأموریت‌های مسیحی با داستان‌های از خود گذشتگی مبشران که به عنوان نمک به نقاط جهان رفتند و مژده زندگی را به اشخاص، جوامع و گاهی تمام یک ملت رساندند، می‌درخشد.

با این وجود، همانگونه که در مورد اسرائیل باستان صدق می‌کرد، اغلب این مأموریت‌های موفق بواسطه کوتاهی‌های خود آن‌ها و کل افراد مأموریتشان مخفی ماند. این کوتاهی‌های بشری شامل موارد زیر هستند: (۱) برنامه ریزی ضعیف در جذب انسان‌ها، درک ناکافی از وظیفه؛ (۲) تمرکز محدود بر روی مأموریت تنها در حالیکه آموزش، بهداشت و درمان، امداد رسانی یا توسعه که بر موعظه

انجیل سایه می‌افکنند؛ (۳) کمبود بودجه و عوامل انسانی از طرف سازمان فرستنده؛ (۴) مبشران نا مناسب برای کار؛ و (۵) ملت‌هایی که موعظه انجیل را ممنوع کردند.

به طور حتم کسی هرگز نگفت که آسان خواهد بود. ما در وسط یک نبرد عظیم هستیم و دشمن تمام تلاش را خواهد کرد که خدمت بشارتی را خنثی سازد، چه در همسایگی‌مان یا در دورترین گوشه دنیا. اما ما نباید دلسرد بشویم زیرا وعده‌های شگفت‌انگیز بسیاری از قدرت به ما داده شده است و می‌توانیم مطمئن باشیم که خدا هدف‌هایش بر روی زمین را کامل خواهد کرد. همانگونه که به ما گفته شده است: "کلامی که از دهان من خارج می‌شود همین طور بیهوده نخواهد بود، نیت و نقشه مرا بدون غفلت به جا خواهد آورد" (اشعیا باب ۵۵ آیه ۱۱).

جمعه

۲۵ سپتامبر

مطالعه بیشتر: الن جی. هوایت، "بر کوه زیتون" در کتاب آرزوی اعصار، The Desire of Ages, p. 633؛ "آماده کردن سریع" در کتاب اصول تعلیم و تربیت مسیحی ص. ۳۳۵ و "گسترش کار در مناطق خارجی" در کتاب شهادت‌هایی برای کلیسا جلد ۶، ص. ۲۳.

در عهد جدید دو کلمه یونانی به همراه صفت "همه" برای بیان گستره جهانی مأموریت مسیحی بکار برده شده است: "همه عالم" در متی باب ۲۶ آیه ۱۳، مرقس باب ۱۴ آیه ۹ و باب ۱۶ آیه ۱۵ و یا در متی باب ۲۴ آیه ۱۴. درحالی که عالم، واژه‌ای کلی تر برای قلمرو وجود معمولی به معنی سیاره است (با تقریباً صد و پنجاه اشاره به آن در عهد جدید)، در حالیکه واژه *oikoumenē* به ساکنان جهان تمرکز دارد.

چقدر "تمام جهان" برای مسیحیان نخستین وسیع بود؟ در مدت چند سال معدودی پس از مصلوب شدن مسیح، آن‌ها به قبرس، لبنان، سوریه، ترکیه، مقدونیه، یونان و ایتالیا امروزی رسیدند. مدرکی وجود دارد که آن‌ها انجیل را تا جنوب روسیه اسکاتیه در شمال و اتیوپی در جنوب، هند در شرق و اسپانیا در غرب، بشارت دادند.

آیا نخستین مبشران مسیحی بر این باور بودند که باید مژده انجیل را به تمام جهان برسانند؟ بر طبق اعمال رسولان، روح‌القدس در روز پنطیکاست، روز تولد کلیسای مسیحی شروع به رساندن "کارهای قدرتمند خدا" به زائرین بسیاری از ملت‌ها، مناطق جغرافیایی و گروه‌های نژادی مختلف نمود (اعمال رسولان باب ۲ آیات ۵ تا ۱۱). کلیسای مسیحی از اولین روز بوجود آمدنش، از جنبه وسیع جهانی بودن مأموریتش با خبر بوده است. اگر آن‌ها این درک را در آن زمان داشتند، پس ما امروزه چقدر باید آن را درک کنیم؟

سوالاتی برای بحث

۱- در کلاس پاسختان به سؤال پایانی روز پنجشنبه درباره خودبینانه و خودخواهانه بودن ادعای مسیحی را مرور کنید. آیا خودبینی لزوماً به خودخواهی تبدیل می‌شود؟ اگر نه، چرا؟

۲- درک کلیسا از اندازه و وسعت "تمام جهان" از بعد از روز پنطیکاست افزایش یافته است. مأموریت انجیل عیسی برای "رفتن و از همه ملت‌ها شاگرد سازید" (متی باب ۲۸ آیه ۱۹) تا بازگشت عیسی برای کلیسای امروزه یک حقیقت باقی خواهد ماند. بیانیه سه فرشته در آیات ۶ تا ۱۲ باب ۱۴ مکاشفه یوحنا چگونه با مأموریت بزرگ تطبیق می‌شود؟

۳- شما چگونه به این سؤال پاسخ می‌دهید؟ اگر امکان دارد که مردم بدون شنیدن مژده، نجات بیابند، هدف از به مخاطره انداختن زندگی و جسممان برای رساندن آن به ایشان چیست؟